مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

انگیزه‌ها و روش‌های تهاجم به روحانیت

بسم الله الرحمن الرحیم

انگیزه ها و روش های تهاجم به روحانیت

نویسنده:

قاسم ابراهیمی پور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انگیزه ها و روش های تهاجم به روحانیت

مشخصات کتاب

انگیزه ها و روش های تهاجم به روحانیت

کد: ۱۱۲۴

نویسنده: قاسم ابراهیمی پور

ویراستار: محمود سوری

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان:

بها: ۱۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: - - -۹۶۴ISBN: ۹۶۴- - - -

موضوع : روحانیت -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. -- روحانیت

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- روحانیت

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۶

ص: ۱۲

ص: ۱۴

دیباچه

انقلاب اسلامی ایران برگرفته از ارزش ها و آموزه های دینی است که با رهبری نهاد روحانیت به ثمر نشست. این نهاد عظیم دینی، پس از انقلاب جایگاه بس عظیم تری یافته است و هرگونه ضعف و قوّت آن، بیم و امید در سرنوشتِ آینده اسلام و انقلاب را رقم می زند. این نهاد مقدس در طول حیات خود در دنیای اسلام با وجود موفقیت ها و دست آوردهای بزرگ افکار ناشدنی اش با تهاجم تبلیغاتی و توطئه های گوناگون نظام های استعماری و عوامل و مهره های آنان در درون روبه رو بوده است. این امر پس از انقلاب اسلامی با جدیّت بیشتری پی گیری می شود. ناگفته پیداست تا زمانی که روحانیت در مسیر الهی گام برمی دارد، دشمنان هیچ طرفی نخواهند بست. گاهی دنیاطلبی، دنیاخواهی، عافیت طلبی آفتی است که این نهاد را دچار آسیب خواهد کرد. به گونه ای که امام راحل بارها این نکته را گوش زد کرده است.

استعمارگران، باورهای دینی مردم و روحانیت را اصلی ترین مانع بر سر راه منافع نامشروع خود می دانند. در این راستا، آنان از به کارگیری زور و فشارهای مستقیم، ترور شخصیت و پایین آوردن منزلت و پایگاه اجتماعی آنان نیز مردم بهره می گیرند. با این همه ترفندها، این نهاد مقدس همچنان محکم و استوار و بیش از گذشته در راه اعتلای اسلام ناب

مجاهدت می کند و نزد مردم پایگاه اجتماعی ویژه ای دارد. البته این آثار در پرتو هیچ کوششی حقانیت، خویشتن بانی و تلاش های مجدانه روحانیت آمده است. آنانی که برای احیای فرهنگ ناب اسلامی از پژوهشی حاضر، حاصل تلاش پژوهشگر ارجمند، جناب آقای قاسم ابراهیمی پور است که در زمینه انگیزه ها و شیوه های تهاجم به روحانیت نوشته شده است. امید که اصحاب رسانه از آنان بهره گیرند.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۶

پیش گفتار

بر کسی پوشیده نیست که هدف ادیان آسمانی و در رأس آنها دین اسلام، «نجات انسان از هواپرستی و پلیدی های اخلاقی، رهایی وی از اسارت و بندگی طاغوت ها، رساندن به کمال مطلوب انسانی و کرامت های نفسانی در سایه خداپرستی» بوده است. نیز روشن است که دین اسلام همواره به افرادی برای تبیین و تبلیغ آن نیاز دارد که در دوره ای این رسالت بر عهده پیامبر و جانشینان آن حضرت و در دوره غیبت بر عهده علما و روحانیان است. در این مسیر، گروه هایی که دین را مانع زیاده طلبی های خود می دانند، با انگیزه های متفاوت به مخالفت با روحانیان می پردازند و با روش های گوناگون برای از میان برداشتن آنان تلاش می کنند. بخش اول این نوشتار، انگیزه های تهاجم به روحانیت بررسی می شود. این گروه ها شامل استعمارگران، حاکمان مستبد، برخی احزاب، گروه های سیاسی و

عقیـدتی، روشن فکران و روحانی نمایان هسـتند. در بخش دوم، شـیوه های تهاجم به روحانیت بررسـی شـده که در سه دسـته تبلیغ علیه روحـانیت، تطمیع گروه هـای مخـالف و روحـانی نمایـان و تهدیـد در قـالب ترور یـا تبعیـد شخصـیت هـای برجسـته روحـانیت، صورت گرفته است. در هر مورد نیز نمونه هـایی از روش هـای تهـاجم ذکر می شود. این تهـاجم هـا در دوره های گوناگون وجود داشته که خود، گواه استمرار این تهاجم ها در طول تاریخ روحانیت است.

ص: ۱۸

بخش اول: انگیزه های تهاجم به روحانیت

فصل اول: جایگاه نهاد روحانیت

۱. ضرورت نهاد روحانیت

همه ادیان برای بقا و پویایی خود، به یک نهاد نظام مند نیاز دارند؛ فرقه، دسته و گروهی که دانایان و کارشناسان دین به شمار می آیند. مسیحیان به آنها کشیش می گویند که در قرآن، «قسیس» معرّب آن است. یهودیان در دوران ظهور اسلام، عالمان خود را «احبار» می نامیدند. در اسلام نیز از این گروه با عنوان روحانی یاد می شود. اگر عالم دینی در جامعه ای نباشد، جاهل ها چیزی از دین باقی نمی گذارند. به ویژه در دین اسلام از آن جهت که دین خاتم است، عالمان دین نقش بسیار خطیری بر عهده دارند و باید بسیاری از وظایف انبیا را در این عصر انجام دهند.(۱) وجود عده ای در مقام عالمان دین، در آیات و روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که به آن خواهیم پرداخت.

ص: ۲۰

۱- ۱ . مرتضی مطهری، خاتمیت، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۵۳.

۲. قلمرو نفوذ روحانیت

قلمرو دین اسلام بسیار گسترده است؛ به این معنا که در خصوصی ترین و جزئی ترین مسائل زندگی گرفته مثل ایستاده آب خوردن در شب، نگاه کردن به نامحرم و وارد شدن به مسجد با پای راست تا مهم ترین و کلی ترین مسائل اجتماعی مثل جنگ و تجارت حکم ویژه دارد که برای دست یابی به آن باید به روحانیان یعنی مفسران و آگاهان به احکام دین رجوع کرد. امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف در این باره می فرماید:

وَ اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَهُ، فَارْجِعُوا فِیهِما اِلی رُواتِ حَدِیثِنا، فَاِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکُمْ وَاَنَا حُجَّهُ اللّه .(۱)

در مورد حوادثی که پیش خواهد آمد، به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند هستم.

شیعیان نیز این سفارش را پذیرفته اند، به گونه ای که در مسائل زندگی خود برای پیروی از نظر دین، همواره از کارشناسان آن پیروی می کنند. مردم، روحانیت را همان مبلّغان راستین آموزه های دینی می دانند. ازاین رو، آموزش های لازم را از روحانیت می آموزند تا در عبادت (مثل نماز و روزه)، خوراک (مثل رعایت حلال و حرام)، پوشاک (مثل پوشش مناسب)، مسائل اقتصادی (مثل پرداخت خمس و زکات و نفی ربا و

۱- ۱ . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ح ۹.

رشوه)، مسائل نظامی (مثل جنگ و جهاد) و مسائل اجتماعی (مثل امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق دیگران) از دستورهای دین پیروی کنند.

۳. وظیفه روحانیت

الف) پاسداری از دین

بدون وجود کارشناس و نگهبان دین، پس از مدتی، چیزی از دین باقی نمی ماند و به شدت تحریف می شود.(۱) از آنجا که دین اسلام، دین خاتم است و باید تا قیامت حفظ شود و از تحریف دور بماند، وظیفه پاسداری از دین و تبیین و تفسیر آن، در دوره ای بر عهده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بود و پس از ایشان به پیشوایان معصوم علیهم السلام سپرده شد. در زمان معصومان نیز اصحاب در حفظ و ترویج دین زحمت های فراوانی کشیده و مورد تجلیل قرار گرفته اند. برای مثال، امام صادق علیه السلام در مورد زراره، یکی از راویان حدیث فرموده است: «اگر زراره نبود، احادیث پدرم از بین می رفت».(۲)

۱- ۱ . محمد فولادی، مبانی جامعه شناسی دین و بررسی اندیشه های دکتر علی شریعتی در مبانی دین، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ص ۱۷۶.

۲- ۲ . وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۳.

در دوران غیبت، این وظیفه و رسالت سنگین بر عهده روحانیان نهاده شده است. بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

این اسلام را با همه ابعادش روحانیون حفظ کرده اند؛ یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی حفظ کرده، احکام سیاسی اش را روحانی حفظ کرده [است]. فقه شیعه، غنی ترین فقهی است که در دنیاست. همین قانون که با زحمت های علمای شیعه توضیح و تفریع شده، غنی ترین فقه است، غنی ترین قوانین است. در دنیا قانونی به این غنا نیست.(۱)

بدین ترتیب، هرگاه بیم آن می رفت که گرد و غباری بر گوهر دین بنشیند یا با خرافه درآمیزد و به نادرستی تفسیر شود، عالمان دینی با تلاش طاقت فرسا، اصل دین را حفظ می کردند و آن را در دسترس دیگران قرار می دادند.

ب) تولید فرهنگ

جایگاه روحانیت در مقام معتمدان دینی، این موقعیت را به ایشان داده است که گفتار و رفتارشان حجت شرعی باشد و با پذیرش مردم روبه رو

۱- ۳ . صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۳۰.

شود و در فرهنگ نهادینه جامعه حضور یابد. روحانیت، یکی از عناصر اساسی تولید فرهنگ در ایران بوده است. روحانیت بیشتر باورها، ارزش ها و هنجارها را به جامعه، تزریق می کند که بعد به فرهنگ تبدیل می شود.(۱)

روحانیت با بیان حلال و حرام الهی و آموزش دین و حکمت، به تولید فرهنگ می پردازد و با پیشرفت علم، تغییر در عناصر فرهنگ اعم از عقاید، ارزش ها، هنجارها، آداب و رسوم را با ظرافت تمام زیر نظر می گیرد. روحانیت، تغییرهای فرهنگی را در مسیر مشخص جهت می دهد و الگوها را با موازین شرعی هماهنگ می سازد. این وظیفه بسیار خطیر است؛ زیرا هویت جامعه به فرهنگ آن وابسته است و با تغییرهای اساسی در فرهنگ، هویت آن جامعه تغییر می کند.

ج) نهادینه سازی فرهنگ دینی

روحانیت، تمام همت خود را در فهم درست دین به کار می گیرد. ازاین رو، می کوشد از هرگونه تساهل و آسان گیری در درک و بیان شریعت بپرهیزد تا جسارت گناه و لغزش را در جامعه پدید نیاورد و ارزش های بی اساس و باورهای نادرست را به مخاطبان خود تزریق نکند. همه اینها مستلزم تلاش جدی و صرف وقت و هزینه در فهم عمیق و صحیح دین است.(۲)

ص: ۲۴

---

۱ – ۴ . دفتر مقام معظم رهبری، حوزه و روحانیت در آیینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۱۳۷.

۲ – ۵ . همان.

پس از تولید فرهنگ و تبیین آن، روحانیت باور دارد که ایمانِ متکی بر احساسات و عواطف، در معرض تغییر و در خطر تحریف است. تحریف دینی در جوامع اسلامی از آنجا رخ نمود که فرهنگ دین داری، نهادینه نشده بود. در نتیجه، به راحتی در مسیر تحریف قرار می گرفت. روحانیت برای نهادینه شدن فرهنگ دینی، تلاش خود را به کار می برد تا دشمن نتواند فرهنگ نهادینه شده را تغییر دهد.(۱)

د) دفاع از فرهنگ دینی

یک _ پاسخ گویی به شبهه ها

بسیاری از پرسش ها، شبهه ها و نیازهای کنونی، در زمان امامان معصوم علیه السلام وجود نداشت. با این حال، دینی که به زمان و مکان خاصی محدود نیست، باید در برابر همه این نیازها، پرسش ها و شبهه ها پاسخ گو باشد. ازاین رو، ضروری است عده ای دین را دقیق مطالعه کنند و با عنایت به تفسیر مفسران وحی، آن را هماهنگ با نیازهای زمان تفسیر کنند. خداوند متعال نیز در قرآن می فرماید که عده ای باید به دنبال فهم و ترویج دین باشند:

وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّهً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ. (توبه: ۱۲۲)

۱- ۶ . همان.

شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند. چرا از هر گروهی، طایفه ای از آنان کوچ نمی کند [و طایفه ای نمی ماند] تا در دین آگاهی پیدا کنند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را انذار کنند تا از خدا بترسند و بپرهیزند.

این آیه به این واقعیت حیاتی در زندگی مسلمانان اشاره می کند که گروهی باید به عنوان واجب کفایی، به آموزش و تبیین و ترویج احکام و معارف دینی بپردازند.(۱) از سوی دیگر، قرآن با بیان «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»، مردم را تشویق می کند تا معارف دینی را از صاحب نظران و عالمان دینی بیاموزند.

دو _ مرزبانی فرهنگ دینی

افزون بر وظایف پیش گفته، روحانیت باید از ارزش ها و باورهای ویژه شریعت، دفاع و از نفوذ اندیشه و ارزش های بیگانه و مهاجم جلوگیری کند. امروزه که قدرت سیاسی و اقتصادی غرب به دنبال تسلط فرهنگ غربی بر فرهنگ های جوامع دیگر است، این مسئله بیشتر اهمیت می یابد.(۲)

ص: ۲۶

۱- ۷ . محمد فولادی، مبانی جامعه شناسی دین، ص ۱۷۸.

۲- ۸ . سیدعلی خامنه ای، حوزه و روحانیت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹.

ه_) تلاش در راه اجرای فرهنگ دینی

یک _ ایجاد وحدت و هم دلی

روحانیت باید با گفتار و کردار خود به مردم درس گذشت و صلح بدهد و با رعایت عدالت و انصاف، به اصلاح و حل اختلاف میان گروه ها و افراد و خانواده ها بپردازد. با وحدت و هم دلی می توان شاهد رشد و پیشرفت جامعه بود و نقش روحانیت در این مورد بسیار مهم است.

دو _ دفاع از مستضعفان

یکی از امتیازهای روحانیت شیعه، استقلال کامل و متکی نبودن آن به حکومت است. ازاین رو، روحانیان در طول تاریخ و هنگام ضرورت، بدون هیچ واهمه ای از حقوق مستضعفان دفاع کرده اند. در مقابل، مستضعفان هم همیشه حامی روحانیان بوده و آنها را پناه گاه خود دانسته اند.

سه _ قضاوت و اقامه حدود اسلامی

عالمان و روحانیان در طول تاریخ، عهده دار مقام قضاوت بوده اند. به همین دلیل، مردم برای حل اختلاف های خود، با مراجعه به آنها، حکم آنان را می پذیرفتند و به آن عمل می کردند. علما نیز بر اساس قوانین و احکام فقهی، حکم صادر می کردند و خود به اجرای آن می پرداختند. امور دیگری همچون ثبت اسناد، تأیید وصیت نامه ها و عقدها و قراردادهای گوناگون، از جمله عقد ازدواج از وظایف روحانیان به شمار می آمد.

چهار ـ تلاش برای اجرای فقه سیاسی اسلام به ویژه حکومت اسلامی

اجرای قوانین اسلام و برقراری عدالت اجتماعی بدون حاکمیت دینی امکان پذیر نیست. اسلام با در اختیار داشتن فقهی غنی در جنبه های گوناگون نظام اجتماعی، به ویژه در بخش سیاسی می تواند بهترین شکل حکومت را طرح ریزی کند. البته زمینه چنین فعالیتی در طول تاریخ فراهم نبوده، ولی امروزه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین فرصتی به دست آمده است که باید آن را غنیمت دانست و برای اجرای درست احکام اسلامی کوشید.

۴. ارزش روحانیت از دیدگاه روایات

روایاتی را که در مورد جایگاه و اهمیت عالمان دین وارد شده است، به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد. دسته اول روایاتی است که در مورد عالمان ربانی و دانشمندان اسلامی بحث کرده و دسته دوم روایاتی است که در شأن طالبان علم و کسانی است که سرگرم دانش اندوزی هستند.

دین اسلام برای عالمان دین، شأن و منزلت والایی تصویر کرده تا جایی که آنان را وارث پیامبران یا حاکمان امت معرفی می کند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إنّ الْعُلَماءَ وَرَثَهُ الْاَنْبیاءِ؛ علما، وارث پیامبران هستند.»(۱) امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می فرماید: «اَلْعُلماءُ حُکّامٌ عَلَی النّاس؛ علما، حاکم مردم

ص: ۲۸

۱- ۱ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، ج ۲، ص ۲۲.

هستند.»(۱) در اسلام، رفتن به دیدار علما بسیار سفارش شده است. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید:

زیارت علما نزد خدا از هفتاد طواف به دور کعبه، محبوب تر و از هفتاد حج و عمره مقبول، بافضلیت تر است. خداوند، زیارت کننده علما را هفتاد درجه بالا می برد و رحمت بر او نازل می کند و فرشتگان شهادت می دهند که بهشت بر او واجب شد.(۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

نگاه کردن به صورت عالم، عبادت است(۳)... هرگاه عالم مؤمنی بمیرد، رخنه ای در اسلام به وجود می آید که هیچ گاه جبران نمی شود.(۴)

۵. پایگاه اجتماعی روحانیت

عوامل شکل گیری پایگاه اجتماعی

اشاره

برای بررسی پایگاه اجتماعی روحانیت، ابتدا عواملی را بررسی می کنیم که در شکل گیری احترام اجتماعی نقش دارد.

یک _ شغل

شغل، یکی از عوامل شکل دهنده پایگاه و احترام اجتماعی است. معمولاً هر چه شغل افراد در جامعه بالاتر باشد، از پایگاه اجتماعی بالاتری

ص: ۲۹

---

۱ - ۲ . عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، مجموعه من کلمات و حکم الامام علی علیه السلام ، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ه_ . ق، ص ۳۲.

۲- ۳ . محمدرضا حکیمی، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳- ۴ . بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴- ۵ . الحیات، ج ۲، ص ۲۸۱.

برخوردارنـد. ملاـک بالاـ یا پایین بودن شـغل در جوامع و زمان های گوناگون متفاوت است. معمولاً درآمـد، قـدرت و پایگاه اجتماعی افراد به شـغل آنها بستگی دارد. از آنجا که روحانیان شغل رسمی در جامعه ندارند و روحانی بودن هم شغل به شمار نمی رود، پایگاه اجتماعی روحانیت از راه شغل به دست نمی آید.

دو ـ ثروت

در بعضـی جوامع به دلیل سـیطره ارزش های مادی بر ارزش های معنوی و وجود نابرابری اجتماعی، ثروت یکی از منابع شکل گیری پایگاه اجتماعی به شـمار می آید. روحانیان به عنوان قشـری از جامعه، از آنجا که به تحصـیل علوم دینی مشغولند، برای گذران زندگی خود، مبلغ اندکی به عنوان شـهریه (کمک هزینه تحصیلی) دریافت می کنند. ازاین رو، نمی توان گفت پایگاه اجتماعی روحانیان، از راه ثروت و دارایی به دست می آید.

سه ـ قدرت

قـدرت و اقتـدار سیاسـی، یکی دیگر از زمینه های شـکل گیری پایگاه اجتماعی است. در جامعه کنونی ما، تعـداد معـدودی از روحانیان دارای قـدرت سیاسـی هسـتند و بیشتر آنها چنین قـدرتی ندارند و پایگاه اجتماعی ایشان از راه قدرت به دست نیامده است.

ص: ۳۰

چهار _ ویژگی های شخصی

اوصافی نظیر زیبایی، قدرت جسمانی، هوش، سن، جنس، نژاد، ملیت و مانند آن در بعضی جوامع در پایگاه اجتماعی افراد نقش دارد. این اوصاف، زمانی به گروه یا جامعه و گاهی نیز به افراد نسبت داده می شود. از دیدگاه اسلام هیچ یک از امور یادشده سبب امتیاز خاصی برای افراد و از جمله روحانیان نمی شود؛ ازاین رو، روحانیت، پایگاه اجتماعی خویش را از راه این ویژگی های شخصیتی به دست نمی آورد.

پنج _ اخلاق

میزان بهره مندی از ارزش های انسانی و اخلاقی و نیز پای بندی به ارزش های دینی، از دیگر منابع کسب احترام و پایگاه اجتماعی است. هر قدر میزان بهره مندی فرد از دانش بیشتر باشد، احترام اجتماعی اش بیشتر خواهد بود. این امر به ویژه زمانی که دانش فرد با علوم دینی و ارزش های اسلامی مرتبط باشد، در جوامع اسلامی نوعی تقدس می یابد و از اعتبار اجتماعی بیشتری برخوردار می شود. پس می توان گفت پایگاه اجتماعی روحانیت علوم از راه بهره مندی از ارزش های اخلاقی و به ویژه علوم دینی شکل می گیرد.(۱) البته روشن است در جامعه ای که از میزان تمایل افراد به دین و ارزش های مذهبی کاسته می شود، منزلت اجتماعی

۱- ۱ . مبانی جامعه شناسی دین، ص ۱۶۹.

روحانیت هم کاهش می یابد، هر چند روحانیان از علم و اخلاق بالایی برخوردار باشند.

در طرف مقابل، دو عامل مهم را می توان نام برد که بر پایگاه اجتماعی روحانیان اثر منفی می گذارد. یکی گرایش به دنیا و زرق و برق های زندگی دنیوی است، مانند داشتن لوازم زندگی تجملی و ماشین های گران قیمت و دل بستگی به القاب و پست های دنیایی. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید: «هیچ چیز زشت تر از این نیست که یک روحانی دنیاگرا باشد.» عامل دیگر، انزوای روحانیان از متن جامعه است که به دلیل پرداختن به فعالیت های فردی و پژوهشی، مردم کمتر با ایشان سر و کار داشته باشند. این مسئله سبب می شود مردم از روحانیت شناخت عمیقی به دست نیاورند و در تضعیف پایگاه اجتماعی آنان بسیار مؤثر است.(۱)

۱- ۲ . فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، تهران، انتشار، ۱۳۷۷، چ ۲، صص ۳۵۳ و ۳۵۴.

فصل دوم: مبارزه با استعمار خارجی

۱. موانع فراروی استعمار در کشورهای اسلامی

استعمارگران در مسیر چپاول و غارت، همواره به مشکلات و موانعی برمی خوردند. آنان بیشتر با سیاست مکارانه خود از این موانع می گذشتند و گاه عقب نشینی می کردند تا فرصت مناسب تری بیابند. شاید مهم ترین مانع سر راه استعمار را بتوان دین اسلام دانست که خود آنها بارها به آن اعتراف کرده اند. دین اسلام از یک سو، با آیه «نفی سبیل»، هرگونه قراردادی را که در آن، غیرمسلمان بر مسلمان تسلط یابد، باطل اعلام کرده است و از سوی دیگر، همواره به مسلمانان هشدار می دهد در مقابل زور و ستم بایستند، زیر بار ذلت نروند و از قدرت کافران نهراسند.

مستر همفر، جاسوس انگلیسی، در زمان فعالیت خود در کشورهای اسلامی، برای به استثمار کشیدن این کشورها، مواردی را به عنوان نقاط قوّت مسلمانان ذکر می کند که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

ص: ۳۳

۱. مسلمانان به ملیت، وطن، زبان، رنگ و سابقه های قومی اهمیت نمی دهند؛ یعنی در این موارد، دچار افراط و تفریط نیستند و نمی توان از آنها به عنوان مسائل اختلاف آمیز بهره برد.

۲. مسلمانان، ربا، احتکار، فحشا، شراب و گوشت خوک را حرام می دانند که اینها مهم ترین موارد در مشغول کردن ملت ها و چپاول آنهاست.

۳. مسلمانان با علمای دین خود سخت در ارتباط هستند و اثرپذیری شگفتی از آنان دارند.

۴. اسلام در رأس همه امور قرار دارد.

۵. پرداخت خمس را واجب می دانند که از نظر اقتصادی و منابع مالی، برای چیرگی بر مشکلات اهمیت دارد.

۶. می کوشند فرزندان خود را با شیوه های اسلامی تربیت کنند.

۷. زنان دارای حجاب محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست.

۸. زیارت گاه هایی دارند که مراکز تجمع آنان به شمار می آید.

۹. مساجد و حسینیه هایی دارند که با برگزاری مجالس سخنرانی، موجب تقویت ایمان و نیکوکاری می شود.

۱۰. امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانند و ارزش زیادی برای قرآن و حدیث قائلند.

مستر همفر تصریح می کند که دولت بریتانیا در استثمار کشورهای غیراسلامی مشکلی ندارد، ولی در کشورهای اسلامی، نگرانی های زیادی پیش رو خواهد داشت. مهم ترین نگرانی نیز از طرف عالمان مسلمان است؛ زیرا علمای مصر، علمای عراق و ایران، بزرگ ترین سد راه تحقق آرمان های آنها به شمار می آیند. این گروه حاضر نیستند از افکار خود دست بردارند و مردم هم از آنان پیروی می کنند، به گونه ای که حکومت های مرکزی نیز از آنها وحشت دارند.(۱)

۲. مبارزه ضداستعماری روحانیت پیش از انقلاب اسلامی

هنگامی که به فرمان ناصرالدین شاه، امتیاز خرید و فروش و ساختن تنباکو در داخل و خارج کشور به مدت پنجاه سال به شرکت انگلیسی واگذار شد، یک پنجم مردم در کار خرید و فروش و کشت تنباکو و توتون بودند و فقط سالی ۴۳۵ تن تنباکو به ترکیه، هند و افغانستان صادر می کردند. این شرکت انگلیسی در کنار تجارت تنباکو، به وارد کردن اسلحه و ابزار جنگی پرداخته و حدود صد هزار زن و مرد انگلیسی را برای تبلیغ

۱- ۱ . مستر همفر، خاطرات سیاسی و تاریخی مستر همفر، ترجمه: علی کاظمی، مهر، ۱۳۶۴، چ ۳، ص ۱۳۵.

مسیحیت وارد ایران کرده بود. مردم هم گام با علما، به مخالفت برخاستند و از فروختن جنس به شرکت خودداری کردند. میرزای شیرازی، مرجع مطلق شیعه که در سامرا اقامت داشت، پس از تذکر دادن به شاه و اتمام حجت، سرانجام در نیمه اول جمادی الثانی ۱۳۰۹ هـ . ق به حرمت تنباکو، فتوا داد. متن فتوا چنین بود: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. الیوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوات اللّه و سلامه علیه است.» در پی این فتوا، مردم قلیان ها را شکستند و مغازه های توتون فروشی تعطیل شد. حتی در حرمسرای ناصرالدین شاه هم قلیان ها و چپق ها را شکستند و جلو خوابگاه وی ریختند. یکی از تاجران، دوازده هزار کیسه تنباکو را آتش زد تا شرکت انگلیسی نتواند از آن استفاده کند. این نهضت، نخستین قدرت نمایی روحانیت با این گستردگی بود و موجب پی بردن استعمارگران به موقعیت و نفوذ روحانیت شد. از همان دوره بود که سیاست های تهاجم به روحانیت پی ریزی گردید.(۱)

همچنین در سال ۱۲۸۹ هـ . ق، قرارداد رویتر میان کمپانی انگلیسی رویتر و میرزاحسین خان سپهسالار به امضا رسید. بر اساس این قرارداد، دولت ایران در برابر کشیدن خط آهن در ایران، همه منابع زیرزمینی و زمین های اطراف خط آهن را به مدت هفتاد سال به کمپانی یاد شده واگذار می کرد.

۱- ۱ . سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۶۴ .

علما و در رأس آنها حاج ملاعلی کنی، مخالفت های سازمان یافته ای را طرح ریزی و ناصرالدین شاه را مجبور به عزل سپهسالار و لغو قرارداد کردند.(۱)

به جز اینها، نهضت روحانیان فارس و قیام دلیران تنگستان بر ضد انگلستان، نهضت میرزای شیرازی در انقلاب عراق، نهضت جنگل به رهبری روحانی جوان، میرزا کوچک خان بر ضد استعمار روس و انگلیس، نهضت شیخ محمد خیابانی بر ضد اولتیماتوم روس و نهضت ملی شدن صنعت نفت و نقش آیت اللّه کاشانی در آن، نمونه ای از صدها نهضت کوچک و بزرگی است که به رهبری یا کمک روحانیت برضد استعمار صورت گرفته است.(۲)

۳. نقش علما در مبارزه با استعمار پس از انقلاب اسلامی

اشاره

گفتیم که پیش از انقلاب اسلامی، علما نقش مهمی در استعمارستیزی ایفا می کردند و در این راه با مشکلات و محدودیت های فراوانی روبه رو بودند. با تحقق انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله که نهضتی صد در صد اسلامی بود، تار و پود استعمار درهم پیچیده شد، به گونه ای که پس از ۲۵ سال تلاش، هنوز مستکبران نتوانسته اند جای پای محکمی برای خود بیابند، هرچند گاه حرکت انقلاب را با تنگناهایی روبه رو ساخته اند.

۱- ۲ . علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱ و ۲، ص ۸۰.

۲- ۳ . همان، صص ۶۱ ، ۷۳ و ۲۴۷.

عوامل متعددی موجب انزوای استعمارگران به ویژه امریکا در ایران گردیده و مانع دست یابی این کشور به منافع خود شده است که به مهم ترین آنها می پردازیم:

الف) بیداری امت اسلامی و توجه به سیاسی بودن اسلام

پس از انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت دین در جامعه، ملت مسلمان ایران و دیگر کشورها بیدار شده و خواهان اجرای دستورهای اسلام هستند. مردم مسلمان ایران با رهنمودهای امام خمینی رحمه الله و رویدادهایی که موجب برملا شدن توطئه های امریکا شد (مثل تسخیر لانه جاسوسی و ماجرای طبس)، به نقشه های حیله گرانه شیطان بزرگ پی بردند. آنها می دانند امریکا فقط به منافع خود می اندیشد و هیچ ارزشی برای دیگران قائل نیست و گاه به بهانه دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، در امور داخلی دیگر کشورها مداخله می کند. البته این مداخله ها، موجب اتحاد و انسجام بیشتر مردم و نفرت روزافزون آنها از امریکا می شود.

ب) تدوین قانون اساسی

از دیگر دستاوردهای انقلاب بزرگ ایران، پررنگ تر شدن ارزش های اسلامی، تدوین قانون اساسی مبتنی بر اسلام به وسیله روحانیان و مجتهدان تراز اول کشور و سپردن رهبری جامعه به ولی فقیه است که

موجب اتحاد ملت مسلمان و مبارزه با استعمار و ایستادگی در مقابل امریکا و دیگر استعمارگران شده و راه نفوذ و مداخله بیگانگان را بسته است.

ج) تشویق مردم به حضور در صحنه های انقلاب

مردم وفادار، در همه مناسبت ها و موقعیت های حساس، با حضور گسترده خود در صحنه و پشتیبانی از انقلاب و نظام و رهبری جامعه موجب ناامیدی دشمن و به هم زدن معادله های سیاسی آنها می شوند. در تمامی انتخاب ها، راه پیمایی ها و تجمع های دیگر که بیگانگان با دقت و حساسیت تمام، آنها را پی گیری می کنند، حضور مردم، موجب استواری نظام و متزلزل شدن کاخ امید امریکا و دیگر مستکبران جهان می شود.

د) اثرگذاری بر سیاست های خارجی

اشاره

ولی فقیه از مؤثرترین عوامل در تعیین سیاست خارجی کشور است که بر اساس قانون اساسی و اختیارات پیش بینی شده برای آن، سیاست های کلی نظام را ترسیم می کند. بارها از زبان دولت مردان امریکا شنیده شده که بزرگ ترین عامل شکست سیاست های امریکا بر ضد ایران، تدبیرهای رهبری این کشور است. تریبون نماز جمعه در تهران و شهرستان ها و نقش مراجع تقلید و حوزه های علمیه نیز در سیاست های خارجی جمهوری اسلامی قابل توجه است.

سیاست خارجی حکومت ایران یکی از موانع بزرگ در دست یابی امریکا به منافع مورد انتظار خود در منطقه به شمار می آید. اهداف این سیاست را در موارد زیر می توان خلاصه کرد:

یک _ تلاش برای تشکیل امت واحد جهانی

برای رسیدن به وحدت در جهان اسلام، اتحاد میان پیروان شیعه و سنی، ضروری است که دشمنان اسلام از آن بسیار وحشت دارند. دولت جمهوری اسلامی ایران، تلاش های بسیاری در این راه انجام داده و به موفقیت هایی هم دست یافته است.(۱)

دو _ حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران

در اصل ۱۵۴ قانون اساسی آمده است:

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان را در کل جامعه بشری آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

ص: ۴۰

۱- ۱ . منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۳۱.

سه ـ صدور انقلاب اسلامی به تمام دنیا

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا اللّه بر تمامی جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست، در هر کجای جهان علیه مستکبرین، ما هم هستیم.(۱)

۴. پاسداری از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین المللی

هیچ قدرتی در جهان، حق دخالت در امور داخلی ایران را ندارد. ستقلال سیاسی ایران بی نظیر است و برقراری روابط با دولت های دیگر، بر اساس احترام متقابل شکل می گیرد. در همین راستا، پیشنهادهای مکرر امریکا برای مذاکره با ایران، به شکست انجامیده است؛ چون این کشور می خواهد از موضع قدرت با ایران مذاکره کند و آن را به زانو درآورد و ایران اسلامی این ننگ را نمی پذیرد.

ص: ۴۱

۱- ۲ . صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

فصل سوم: مبارزه با استبداد داخلی

۱. نظام های استبدادی

یکی از انواع نظام های حکومتی، نظام استبدادی است که در آن، افراد، حقوق خود را از دست می دهند و حتی در مورد سرنوشت خویش حق اظهارنظر ندارند. در این نوع حکومت، یک نفر یا یک گروه در مورد همه مسائل تصمیم می گیرد و هیچ کس نمی تواند از آنها بازخواست کند. سرچشمه این مسئله آن است که حکمران و اطرافیان او، خود را مکلف نمی دانند کارهایشان را با شریعت، قانون یا اراده ملت هماهنگ سازند.(۱) در این گونه نظام ها، تفکیک قوا وجود ندارد و شاه، قدرت مطلق است. او با تکیه بر نیروی نظامی، هرگونه مخالفتی را با زور پاسخ می دهد و تمام سرزمین را مِلک شخصی خویش می داند و به راحتی از خاک کشور، منابع و معادن و دست رنج مردم بذل و بخشش می کند.

ص: ۴۲

۱- ۱ . سید عبدالرحمان کواکبی، استبداد، ترجمه: عبدالحسین میرزای قاجار، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۴۱.

سلطنت قاجاریه، نمونه کامل حکومت استبدادی بود که مردم وظیفه داشتند دستورهای شاه فاسد را که منشأ آن، خودکامگی و هوا و هوس یا ترس از بیگانگان بود، بی چون و چرا اجرا کنند. آنها باید مخارج سنگین عیش و نوش و مسافرت های دربار را می پرداختند. شاه برای تأمین مخارج خود، از طرفی از مردم محروم مالیات می گرفت و از سوی دیگر، حکومت ایالت های گوناگون را به شاهزادگان و درباریان می فروخت و آنها نیز مخارج خود را از جیب مردم تأمین می کردند.

۲. اهداف حاکمان خودکامه

مهم ترین هدف حاکمان خودکامه، حفظ تاج و تخت، تداوم عیش و نوش، تمرکز قوا و تجددگرایی بود. آنها برای رسیدن به هدف های خود به هر کاری دست می زدند؛ گاهی عده زیادی کشته می شدند تا آسیبی به موقعیت پادشاه نرسد و زمانی، بخش هایی از کشور را با بیگانگان معامله می کردند. شاید ننگین ترین آنها، عهدنامه ترکمن چای باشد که بر اساس آن، فتح علی شاه مناطق بسیاری از جمله گرجستان، باکو، شیروان، گنجه، نخجوان و... را به روس ها بخشید. در مواردی نیز معادن، نفت و ثروت های کشور را که مِلک شخصی خود می دانستند، به بیگانگان هدیه می دادند. هرگاه بساط عیش و نوش فراهم نبود، مالیات ها افزایش می یافت و دست رنج مردم صرف عیاشی، باده گساری و سفرهای پرخرج پادشاهان

می شد. برای مثال، ناصرالدین شاه سه مرتبه به اروپا سفر کرد که هر بار بیش از صد نفر همراه او بودند و چندین ماه در سرزمین های گوناگون به عیش و نوش پرداختند.

پس از تثبیت حکومت و فراهم شدن وسایل عیش و نوش، فکر تمرکز قوا به ذهن مستبدان خطور می کرد. آنها هیچ حقی در تصمیم گیری ها برای مردم و دیگران قائل نبودند و به راحتی برای همه مملکت تصمیم می گرفتند؛ از قانون گذاری و قراردادهای کلان بین المللی گرفته تا مسائل فرهنگی و خصوصی ترین جنبه های زندگی مردم.

۳. استبداد در ایران

اشاره

حکومت استبدادی در ایران، سابقه ای بس طولانی دارد و این روحیه در بیشتر پادشاهان ایران وجود داشته است. البته با توجه به اواخر دوره قاجار و پس از آن، می توان استبداد را به دو دوره صغیر و کبیر تقسیم کرد.

الف) استبداد صغیر

محمدعلی شاه قاجار که هیچ اعتقادی به تفکیک قوا نداشت، نتوانست مجلس را تحمل کند و با برنامه ریزی های پنهانی، در سال ۱۲۸۷ به مجلس حمله کرد. از آنجا که این حمله بسیار غافل گیرانه بود، عده کمی مجاهد مسلح به دفاع پرداختند. البته این گروه هم به دلیل نبود تعادل میان دو جبهه نمایندگان، عقب نشینی کردند و در پارک امین الدوله جمع شدند.

ص: ۴۴

قزاق ها هم آنها را دستگیر کردند؛ عده ای را کشتند و گروهی از علما از جمله طباطبایی و بهبهانی را پس از کتک زدن، تبعید کردند. با این اقدام، شاه به قدرت مطلق رسید و مجلس از بین رفت.(۱)

پس از به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه، علمای نجف به مبارزه برخاستند. آنها ابتدا با فرستادن نامه هایی، به او سفارش کردند دست از استبداد بردارد، ولی محمدعلی شاه اعتنایی نکرد. به همین دلیل، او را مفسد دانستند و مردم را به مبارزه دعوت کردند.

آخوند خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی، دو تن از مراجع بزرگی که بودند که حکم جهاد دادند. با این حکم، مردم به مخالفت برضد شاه برخاستند. قیام مردم تبریز، قیام مردم گیلان، شورش بختیاری ها و شورش در اصفهان که مهم ترین قیام ها بود، پس از زد و خوردهای بسیار و به شهادت رسیدن عده زیادی از مردم، به فتح تهران انجامید. هم زمان با این قیام ها، عده زیادی از مراجع و روحانیان از کربلا به سوی کاظمین حرکت کردند و قصد داشتند به همراه نیروی نظامی که گرد آورده بودند، راهی تهران شوند، ولی با رسیدن خبر فتح تهران، از این کار منصرف شدند.(۲)

ص: ۴۵

۱- ۱ . تاریخ سیاسی معاصر ایران، صص ۱۲۱ _ ۱۲۴.

۲- ۲ . همان، ص ۱۲۶.

ب) استبداد کبیر و روی کار آمدن خاندان پهلوی

پس از اینکه عوامل انگلستان، افکار عمومی را بر ضـد احمدشاه، آخرین پادشاه قاجار آماده کردند، در نهم آبان ۱۳۰۴، ماده واحده ای به صورت طرح تقدیم مجلس شد که در آن، خلع احمدشاه و سلطنت رضاخان خواسته شده بود. به جز چهار تن از نمایندگان، از جمله آیت اللّه مدرس و دکتر مصدق، بقیه نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادنـد. بـا به رسمیت شناختن سلطنت رضاخان از سوی انگلستان و روسیه، او به پادشاهی رسید و سلطنت در خانواده اش موروثی شد. به این ترتیب، استبداد کبیر در ایران آغاز گردید.(۱)

رضاشاه ابتدا خود را مذهبی نشان می داد. او در مجالس عزاداری شرکت و تصریح می کرد برای رفاه مردم و ترویج دین، تمام تلاش خود را به کار می گیرد، ولی وقتی پایه های حکومت خود را تثبیت کرد، با تکیه بر ارتش، به سرکوب مخالفان پرداخت. او عشایر را مجبور به اسکان کرد که در پی آن، دام داری در کشور از بین رفت. زمین های بسیاری را از خان ها و فئودال ها مصادره کرد و به خود اختصاص داد و به این ترتیب، بزرگ ترین مالک کشور شد. رضاخان، املاک بزرگ اختصاصی را از

۱- ۳ . همان، ص ۲۳۱.

مالیات معاف کرده بود، ولی از کوزه ماستی که روستاییان می فروختند، مالیات می گرفت.

البته در ظاهر، کارهای مفیـدی هم انجام شد که بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت، ولی در واقع، مملکت از اساس ویران شده بود. در شـانزده سـال سـلطنت رضاخان، خفقان عمومی حاکم بود و هیـچ کس احساس امنیت نـداشت و مجلس، دولت و دادگستری، همه در خدمت خواسته های رضاخان بودند.

رضاخـان که از پیشـینه نهضت هـای روحانیـان و نفوذ آنهـا میـان مردم به خوبی آگاه بود و از طرفی، آداب مـذهبی را خلاف تجدد و لباس روحانیت را مخالف روش حرکتی حکومت می پنداشت، اندک اندک روحانیان را از مصدر امور کنار گذاشت و تمام تلاش های خود را برای تضعیف آنها به کار گرفت.

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، دلیل مبارزه رضاخان با روحانیت چنین بود:

۱. روحانیت در برابر مطامع رضاخان و افکار تجـددخواهانه او مقاومت می کرد. تنها نیروی معنوی سیاسـی که می توانست در برابر او بایستد، روحانیت بود؛ روحانیتی که با توجه به پیشینه خود، اعتماد به نفس کافی

داشت و به منابع قدرت خود متکی بود. رضاخان با قلع و قمع کردن آنها، این نیروی اجتماعی ـ سیاسی مهم رابه انزوا کشید.(۱)

۲. هدف دیگر از سرکوب روحانیت این بود که تجدد با وجود قشر روحانیت، دست کم به این شکل و صورت تحقق پذیر نبود. تنها چیزی که از مشروطه به ارث مانده بود، آزادی، دموکراسی، انتخابات و مجلس نبود، بلکه روش های خاص فکری و روشن فکری آن در مبارزه با سنّت ها و در رأس آن با روحانیت بود.(۲) امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

روحانیت را با تمام قوا کوبیدند؛ به طوری که این حوزه علمیه ای که آن وقت البته هزار و چند صد تا محصل داشت، رسید به چهارصد نفر، آن هم چهارصد نفری که توسری خورده، چهارصد نفری که هیچ نتواند یک کلمه صحبت کند. تمام منابر را در سرتاسر ایران، تمام خطبا را در سرتاسر ایران زبانشان را بستند.(۳)

رضاخان همراه با به انزوا کشیدن روحانیت، به تضعیف دین و حذف آن از صحنه حکومت و زندگی مردم پرداخت. از اقدامات او در راه تضعیف دین، به مسئله کشف حجاب می توان اشاره کرد. او به تقلید از کمال آتاتورک، در بازگشت از ترکیه، به مبارزه با حجاب زنان پرداخت. ابتدا

ص: ۴۸

---

۱ – ۴ . محمد هاشمی و حمید بصیرت، تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۲۶.

۲– ۵ . همان.

۳– ۶ . صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

در جشن ها، همسر و دختران رضاخان و به دنبال آن زن های وزیران و نمایندگان مجلس بدون حجاب ظاهر شدند. سپس تبلیغات گسترده ای را برای بیان مزایای کشف حجاب آغاز کردند. البته هنگامی که با مقاومت مردم روبه رو شدند، به حبس، ارعاب و پاره کردن چادر و روسری پرداختند.(۱)

از اقدامات رضاخان در تضعیف روحانیت و حذف دین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. احکام اسلامی را زیر پا نهاد و در قانون ازدواج و طلاق دست برد.

۲. به بهانه مبارزه با خرافه، از برپایی شعایر مذهبی جلوگیری کرد.

۳. برای عزاداری، نماز جماعت و مجالس ترحیم محدودیت ایجاد کرد.

۴. به تخریب بعضی مدارس علمیه و مساجد پرداخت.

۵. امور خلاف شرع، مثل فروش علنی مشروبات، درج مطالب خلاف دیانت در جراید و نیز جسارت و گستاخی فواحش رواج یافت.

۶ . در مورد مسافرت به اماکن مقدسه خارج از کشور، سخت گیری به عمل آورد.(۲)

۱- ۷ . حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، تهران، عروج، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۱۸۰.

۲- ۸ . همان، صص ۱۳۳ _ ۱۴۴.

رضاخان با اقـدامات خودخواهانه خود، چنان مردم را زیر فشار قرار داده بود که هیچ کس دل خوشـی از او نداشت و هنگامی که دولت انگلستان او را تبعید کرد، با اشاره ای، وطن را ترک گفت و به جزیره موریس رفت و هیچ گروه یا قوم و قبیله ای به این کار اعتراض نکرد.

محمـدرضا شـاه نیز هماننـد پـدر، خود در مورد تمام شـئون حکومت و مملکت تصـمیم می گرفت و بر این باور بود که دارای قدرت الهی است و برای انجام مأموریتی مقدس در این منصب قرار گرفته است. او تصـریح می کرد که من به خدا ایمان دارم و او مرا برای کـاری برگزیـده است. او در سال های آخر دهه چهل، نظامی متمرکز برای دسـتگاه دیوانی کشور به وجود آورد که خود، محور اصـلی آن بود. وی به طور عادی ریاست مجموعه دولت را برعهـده داشت و در همه موارد می توانست به آنها امر و نهی کند و از آنجا که تنها منبع و مرجع تصمیم بود، نظام، وابستگی شدیدی به او داشت.(۱)

محمـدرضاشاه زیر سـلطه امریکـا و انگلسـتان بود و اصـلاحات در ایران، در راسـتای منـافع اسـتعمارگران انجام می گرفت. در جریان انقلاب سفید، در پی مخالفت های علما و تحریم رفراندوم از سوی امام خمینی رحمه الله، مردم

۱- ۹ . حمیدرضا ملک محمدی، از توسعه لرزان تا سقوط شتابان، تهران، مرکز اسناد نقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۱۱.

نیز به مخالفت و تظاهرات پرداختند که به درگیری با پلیس و کشته شدن عده زیادی انجامید. شاه با طرح برنامه ای فریب کارانه به قم رفت، ولی به دستور امام، مردم در خانه ها ماندند و استقبال از شاه انجام نشد. البته با تمام این فشارها، رفراندوم در ششم بهمن ۱۳۴۱ برگزار گردید و با وجود اینکه کسی از مردم در رفراندوم شرکت نکرد، تبلیغات بسیاری مبنی بر استقبال پرشور مردم صورت گرفت تا جایی که برخی دولت ها پیروزی شاه را تبریک گفتند.(۱)

۴. موانع فراروی حکومت های مستبد

حاکمان خودکامه، خود را صاحب اختیار مملکت و مردم می دانستند و همه تصمیم های آنها باید اجرا می شد؛ گرچه خیلی احمقانه باشد. برای مثال، ناصرالدین شاه در یکی از سفرهای اروپایی خود، وقتی به تماشای اعدام یک محکوم رفته بود، با دیدن آن محکوم دلش به رحم آمد و با لحنی آمرانه گفت: «این را نه، آن یکی را اعدام کنید» و با دست به دادستان اشاره کرد. اطرافیان به این حرکت او خندیدند، ولی ناصرالدین شاه ناراحت شده بود که چرا امرش را اطاعت نمی کنند.(۲)

۱- ۱۰ . تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، صص ۱۲ _ ۲۳.

۲- ۱ . محمود طلوعی، هفت پادشاه، تهران، نشر علم، ۱۳۷۸، چ ۲، ج ۱، ص ۵۰۸.

بـا این حـال، دو گروه مهم، قـدرت مخالفت با پادشاهان را داشت؛ یکـی، اسـتعمارگران و دیگری، علما و روحانیت. بیگانگان که به دنبـال منافع خود بودنـد، از راه های گوناگون با پادشاهان کنار می آمدنـد و دست رنـج مردم را با یکـدیگر تقسـیم می کردنـد. در این میـان، علمـا که در پی حفـظ منافع مردم و کوتاه کردن دست غارتگران بودنـد، دشـمن و مانع مشترک آنها به شمار می آمدنـد و از آنجا که پادشاهان ایران، مغلوب اسـتعمار بودنـد، با بیگانگان هم صدا می شدند و به تضـعیف روحانیت می پرداختند. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

[رضاخـان]وقـتی که جـای پـایش محکم شـد، هـدف اول و آن چیزی که در رأس برنـامه بود که برای او تنظیم کرده بودنـد، تضـعیف روحانیت بود... . برنامه این بود که این قشر در بین ملت، حیثیت خود را از دست بدهـد تا اینکه بتوانـد آن کارهایی که می خواهنـد انجام بدهنـد. روزنامه نویس های آن وقت و رسانه های گروهی آن وقت و قلم داران آن وقت مجهز شدند و همه به ضد روحانیت مشغول کار شدند.(۱)

۵. قیام های ضد استبدادی روحانیت

اشاره

به جز نهضت تنباکو و نهضت مشـروطه که در دو جبهه مبارزه با اسـتعمار و مقابله با اسـتبداد شـکل گرفت، شاهد نهضت های ضد استبدادی متعددی در این سرزمین بوده ایم که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

ص: ۵۲

۱- ۲ . تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۰۶.

الف) تلاش های سیدحسن مدرس

پس از تشکیل مجلس دوره پنجم، مدرس با اعتبارنامه نماینده هایی که رضاخان با اعمال نفوذ، آنها را به مجلس فرستاده بود، به مخالفت پرداخت. افشاگری مدرس، موجب اختلاف در مجلس و سرایت آن به بیرون از مجلس شد. روز ۲۸ اسفند ۱۳۰۲، جمعیت زیادی از مردم در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) تهران اجتماع کردند و به مخالفت با جمهوری رضاخانی پرداختند. رهبری مخالفان را روحانیان تهران و در رأس آنان مرحوم مدرس در دست داشت. سرانجام در دوم فروردین ۱۳۰۳، ده ها هزار نفر از مردم در اطراف مجلس اجتماع کردند و به مخالفت پرداختند. پس از ضرب و جرح های فراوان مردم، نخست وزیر زیر فشارهای برخی از نمایندگان و اعلامیه های مراجع بزرگ قم برضد جمهوریت و مخالفت شدید مردم، تن به شکست داد و اعلام داشت که «حال که ملت، جمهوری نمی خواهند، من هم از آن صرف نظر کردم».(۱)

ب) قیام شیخ محمد خیابانی

به دنبال قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله با انگلستان، آیت اللّه مدرس به مخالفت جدی برخاست و زیر بار تأیید آن نرفت. شیخ محمد خیابانی نیز مردم تبریز را مسلح کرد و برضد دولت به پا خاست. این قیام، مردم

۱- ۱ . همان، ص ۱۳۰.

شهرهای دیگر را نیز به جنبش واداشت که موجب استعفای وثوق الدوله شد. با فشارهایی که انگلستان به دولت آورد، دولت به سرکوبی قیام پرداخت و شیخ محمد خیابانی را با وضع فجیعی به شهادت رساند.(۱)

ج) قیام آیت اللّه کاشانی

دکتر محمد مصدق در پی اختلاف با شاه در انتخاب وزیر جنگ، در بیست و پنجم تیر ۱۳۳۱ از نخست وزیری استعفا کرد. پس از او، قوام السلطنه برای نخست وزیری معرفی شد و مجلس به او تمایل نشان داد، ولی آیت اللّه کاشانی در مقابل این اقدام ایستاد و با قاطعیت اعلام کرد قوام، خائن به ملت است و باید برود و مصدق بازگردد. به دنبال مخالفت ایشان، بازار تهران تعطیل شد و تظاهرات گسترده ای در شهرهای گوناگون صورت گرفت. مردم در حوالی بهارستان جمع شدند و شعار می دادند: «مرگ بر قوام؛ زنده باد مصدق، زنده باد کاشانی.» سی ام تیر، تانک ها در شهر به گردش درآمدند. مردم تلفات زیادی داده بودند که خبر رسید آیت اللّه کاشانی با جمع زیادی کفن پوش آماده حرکت به سوی بهارستان است. سرانجام شاه تسلیم شد و تلفنی، به مهندس رضوی اعلام داشت قوام عزل گردیده است.(۲)

۱- ۲ . همان، ص ۱۵۷.

۲- ۳ . همان، صص ۴۴۶ _ ۴۶۲.

د) نخستین مخالفت های امام خمینی رحمه الله

اسداللّه علم که مهره تمام عیار بیگانه بود، پس از فوت آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله و کاشانی، از روحانیت آسوده خاطر شده بود. ازاین رو، در شانزدهم مهرماه ۱۳۴۱، لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را تصویب کرد. در این متن، قید مسلمان بودن از شرایط انتخاب شوندگان مجلس حذف شده و به جای سوگند به قرآن، سوگند به کتاب آسمانی آمده بود. روحانیان که در رأس آنها حضرت امام قرار داشت، به مخالفت با این مصوبه پرداختند و دولت علَم را به عقب نشینی و لغو آن مجبور کردند.(۱)

ه_) قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

در این قیام که به دنبال دستگیری امام اتفاق افتاد، مردم در شهرهای گوناگون به تظاهرات و شعار دادن بر ضد شاه پرداختند. دولت برای سرکوب این قیام، اقدام به تیراندازی و کشتن مردم کرد که به کشته شدن عده زیادی انجامید. هرگز آماری از کشته شدگان آن روز به دست نیامد، ولی بعضی منابع، آن را تا چهارده _ پانزده هزار نفر اعلام کردند.(۲)

از دیگر قیام ها و نهضت های علما و مردم در مقابل استبداد ایران، به موارد زیر می توان اشاره کرد: قیام نوزدهم دی، جنبش ۲۹ بهمن تبریز، جنبش مردم یزد در چهلم کشته شدگان تبریز، پایداری امام در برابر

ص: ۵۵

۱- ۴ . همان، ص ۶۳۸ .

۲- ۵ . همان، ج ۲، صص ۵۴ _ ۵۶.

کاپیتولاسیون و در نهایت، انقلاب پرشکوه امام خمینی و مردم در سال ۱۳۵۷ که به برچیده شدن بساط پهلوی و شاهنشاهی از ایران انجامید.

ص: ۵۶

فصل چهارم: انگیزه های مخالفت گروه ها و احزاب با روحانیت

اشاره

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ و فرار شاه از کشور، افراد انقلابی با مشکلات بسیاری روبه رو شدند. گذشتن از مشکلات، خود، انقلابی مستقل بود. در این دوره، احزاب و گروه های فراوانی دست به فعالیت سیاسی زدند. عده ای درصدد برآمدند از فرصت به دست آمده، نهایت استفاده را ببرند و خود یا گروه های مورد نظرشان را به قدرت برسانند. در مقابل، عده ای در راه تثبیت انقلاب و محکم کردن پایه های آن، جان و مال خود را در کف اخلاص گذاشتند و پیرو محض امام بودند. دسته دیگری هم به مبارزه با انقلاب دست زدند و به شورش، آشوب و ارعاب و قتل پرداختند. به طور کلی، فعالان سیاسی پس از انقلاب را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول: نیروهای خط امام که از ویژگی های آنها می توان به انقلابی بودن، مذهبی بودن و اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی اشاره کرد. رهبری این گروه را روحانیت به عهده داشت که امام در رأس آنها بود.

ص: ۵۷

دسته دوم: لیبرال های ملی گرا یا به اصطلاح میانه روها که با رژیم شاه مخالف بودند، ولی برخوردهای انقلابی را نیز برنمی تافتند.

دسته سوم: گروه های چپ که مخالف رژیم شاه و تشکیل جمهوری اسلامی بودند و پس از انقلاب، در صف مخالفان قرار گرفتند. سازمان مجاهدین خلق، چریک های فدایی خلق و پیکاری ها را می توان در شمار این دسته دانست.

دسته چهارم: گروه هایی که از رژیم شاه نفع می بردند و با آن موافق بودند. این گروه ها نیز مخالف انقلاب بودند؛ چون آن را عامل از دست رفتن منافع خود می دانستند. سلطنت طلبان، ساواکی ها، فراماسونرها و پاک سازی شده های ارتش و سازمان دولتی، جزو این گروه به شمار می آیند.(۱)

در میان گروه های پیش گفته، به جز دسته نخست، گروه های دیگر از راه های گوناگون و با انگیزه های متفاوت به مخالفت با روحانیت پرداختند که به تفکیک گروه های مخالف و بیان هدف و انگیزه های آنها می پردازیم.

ص: ۵۸

۱- ۱ . منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، صص ۹ و ۱۳۸.

دسته بندی گروه های مخالف با روحانیت

۱. نهضت آزادی و ملی گرایان

نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ در دوره ریاست جمهوری کندی در امریکا به وجود آمد. این کار به دلیل اعطای آزادی سیاسی از سوی شاه به پیروی از امریکا بود تا در مقابل کمونیست ها ایستادگی کند. اعضای نهضت آزادی از سوی مردم و رسانه های غربی، با عنوان لیبرال شناخته می شدند که گرایش های کم رنگی به مذهب داشتند. از ویژگی آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ملی گرایی: این گروه، ایرانی بودن را بر مسلمان بودن مقدم می دانند و اسلام را در خدمت ایران و برای حفظ منافع کشور می خواهند؛ یعنی اول ایران، بعد اسلام.

ب) جدایی دین از سیاست: آنها دین را امری شخصی می پندارند که فقط رابطه انسان با خدا را تنظیم می کند. ازاین رو، به اجرای احکام آن در زمینه های سیاسی و اجتماعی معتقد نیستند؛ یعنی بعضی دستورهای اسلام را می پذیرند و بعضی دیگر راکنار می گذارند.

ج) مخالفت با ولایت فقیه: اعضای نهضت آزادی با توجه به اصل جدایی دین از سیاست، اصل ولایت فقیه را قبول ندارند.(۱)

پس از انقلاب، امام خمینی رحمه الله، مهدی بازرگان، رئیس نهضت آزادی را به سمت نخست وزیری برگزید و در زمینه کارهایی که باید انجام بگیرد،

۱- ۱ . لطف علی لطیفی پاکده، احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، صص ۹۰ ـ ۹۵.

دستورهایی به او ابلاغ فرمود. امام و مردم، خواهان تغییر بنیادین در ارزش ها، هنجارها، نمادها و روابط سیاسی بودند، در حالی که دولت موقت، به چشم پوشی و حفظ نهادهای رژیم شاه اعتقاد داشت. از نظر دولت موقت، انقلاب به ثمر رسیده و پیروزی به دست آمده بود و مردم حتی روحانیان نقش و مسئولیت خود را انجام داده بودند. اکنون باید میدان را خالی می کردند و صحنه را برای ورود تکنوکرات ها و دولت مردان باز می گذاشتند تا آنها به اداره امور بپردازند. روحانیان هم باید به حوزه های علمیه برمی گشتند تا به درس و بحث و ارشاد مردم بپردازند.(۱) ملی گراها به اندیشه دخالت نکردن روحانیان در امور کشور و به شکل کلی تر، دخالت نکردن دین در امور سیاست اعتقاد دارند.(۲)

اعضای نهضت آزادی، به علم تجربی اصالت می دهند و می کوشند بسیاری از پدیده های اجتماعی ـ مذهبی، از جمله شناخت مبدأ و معاد را از راه علوم تجربی به اثبات برسانند. افزون بر این، هم صدایی عملی آنها با رادیوهای بیگانه، به ویژه رادیو استعماری انگلستان (بی بی سی) و وابستگی فکری آنها به غرب، به ویژه امریکا، انکارناپذیر است. بنابراین، علم زدگی، وابستگی به استکبار جهانی و نداشتن شمّ سیاسی را می توان از

۱- ۲ . تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۴۱.

۲- ۳ . یحیی علی بابایی، عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان، حوزه و دانشگاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۳، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

دلایل اصلی مخالفت نهضت آزادی با روحانیت به ویژه ولایت فقیه دانست.(۱)

۲. سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین)

سازمان مجاهـدین خلق ایران که از تربیت شـدگان جبهه ملی و نهضت آزادی بودنـد، چون شـیوه مبارزه مسالمت آمیزِ آنها را نمی پذیرفتند، گروه جدیدی تأسیس کردند تا به صورت مسلحانه به مبارزه ادامه دهند. علی اصغر بدیع زادگان، نخستین رهبر سازمان و مسعود رجوی، آخرین رئیس آن بوده است. رجوی که از طرفداران سیاست های ماکیاولی است، حاضر شد هرگونه همکاری را با ساواک، سیا و صدام انجام دهد. اعضای منافقین هم افرادی کانالیزه شده و چشم و گوش بسته هستند که وجه مشترکشان، مخالفت با اسلام و روحانیت است.

از آنجا که گروهک منافقین با اصل ولایت فقیه مخالف است و چنین شـیوه حکومتی را نمی پـذیرد، درصـدد برآمـد به شـیوه های گوناگون، نظم جامعه را برهم زند و مردم را به آینده نظام جمهوری اسـلامی بدبین کند. این سازمان از تابستان ۱۳۶۰، به مقابله عملی با نظام پرداخت و جنگ

ص: ۶۱

۱- ۴ . احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، ص ۹۵.

مسلحانه ای برضد حکومت اسلامی آغاز کرد. بدین وسیله، ماهیت اصلی این گروهک، آشکار و به دنبال آن، به عنوان منفورترین گروه سیاسی نزد مردم شناخته شد. ترور مسئولان مملکتی از جمله ۷۲ تن از اعضای حزب جمهوری و نیز رئیس جمهور و نخست وزیر وقت را می توان از مهم ترین ترورهای این گروه برشمرد.(۱)

منافقین به دلیل القای رهبری سازمان، می پنداشتند علم مبارزه در مارکسیسم نهفته است. ازاین رو، تصمیم گرفتند در عین اینکه دین خود را حفظ می کنند، راه مبارزه را از مارکس و پیروان او بیاموزند. هسته های اولیه منافقین نیز با وجود اینکه شناخت درستی از اسلام نداشتند، تحت تأثیر بنیان گذاران التقاطی سازمان، از روحانیت دوری گزیدند و در نهایت به آنجا رسیدند که تنها تفاوتشان با گروه های کمونیستی، داشتن نقابی اسلامی و عوام فریبانه بود.(۲) بنابراین، درک نادرست از اسلام، تفسیر مادی مبتنی بر نظریه های مارکس از دین و پیروی محض از رهبری سازمان را می توان دلیل انحراف گروهک منافقین و مخالفت آنها با انقلاب و روحانیت دانست.

۱- ۵ . همان، صص ۱۰۷ _ ۱۱۶.

۲- ۶ . همان.

۳. گروهک فرقان

گروهک فرقان، تشکیلات گسترده ای نداشت، ولی به دلیل جنایات بزرگی که در سال های نخست انقلاب مرتکب شد، سر و صدای زیادی به پا کرد. امام خمینی رحمه الله خطاب به این گروهک فرمود:

بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود. ما از مرگ نمی ترسیم و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید؛ ولی این عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می کشید؛ برای اینکه منطق ندارید. اگر منطق داشتید، صحبت می کردید، مباحثه می کردید، لکن منطق ندارید.(۱)

هسته اولیه گروهک فرقان، به تدریج در قالب جلسه های تفسیر قرآن، درس نهج البلاغه و صحیفه سجادیه در منطقه خانی آباد و میدان شوش تهران شکل گرفت. این درس ها در سال ۱۳۵۶ به مسجد اعظم قلهک منتقل شد. با آغاز انقلاب اسلامی و آزادی فعالیت های سیاسی، مسئولان این جلسه ها که از نظر اعتقادی به منافقین نزدیک بودند، برای سر و سامان دادن به تشکل خود، به منافقین نزدیک شدند. از آنجا که گروهک فرقان بسیار تندروتر از منافقین بودند، منافقین فرصت را غنیمت شمردند و به بهره کشی از آنها پرداختند. منافقین چون می دانستند امام و بزرگان مملکت از آنها شناخت کافی دارند، این افراد را به گروه خود راه ندادند و از آنها

۱- ۷. امام خمینی رحمه الله، در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، ص ۶۸.

خواستند با نام جداگانه ای به فعالیت بپردازند و منتظر دستور بمانند. به این ترتیب، گروه فرقان در سال ۱۳۵۷ فعالیت خود را آغاز کرد.

در روزهای نخست سال ۱۳۵۸، دستورهای مرکز منافقین به گروه فرقان رسید. فهرستی شامل ۲۲ نفر روحانی و پانزده نفر غیرروحانی که مانع از به قدرت رسیدن منافقین بودند، برای ترور به فرقان ارائه شد. آیت اللّه مرتضی مطهری، حجت الاسلام والمسلمین رفسنجانی و حجت الاسلام والمسلمین ربانی شیرازی از جمله روحانیان یاد شده در فهرست بودند. فرقان فعالیت خود را آغاز کرد و از آنجا که مسئولان مملکتی همچون افراد عادی رفت و آمد می کردند و از آنها محافظت نمی شد، به راحتی مورد حمله قرار می گرفتند.

گروه فرقان که از نقد علمی تفسیر خود در مقدمه کتاب علل گرایش به مادی گری استاد مطهری خشمگین شده بود و پاسخی منطقی برای کتاب ایشان نداشت، در اردی بهشت ۱۳۵۸، آن فیلسوف بزرگ را به شهادت رسانید. ترور بهبهانی (واعظ معروف)، آیت اللّه قاضی طباطبایی، حجت الاسلام دکتر مفتح و ترور ناموفق مقام معظم رهبری، از جمله ترورهای گروهک فرقان به شمار می آید.(۱)

۱- ۸. احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، صص ۱۱۷ _ ۱۲۳.

انحراف گروهک فرقان را در دو جنبه گرایش به مارکسیست و دوری از روحانیت می توان بررسی کرد. آنها در زمینه تفسیر قرآن، علم زیاد را برای مفسر زیان بار می دانستند؛ رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام را برای فهم معانی قرآن قبول نداشتند؛ رجوع به تاریخ صدر اسلام و شأن نزول آیات را لازم نمی شمردند؛ به مفسران بزرگ قرآن توهین می کردند؛ قرآن را بر اساس جبر تاریخی (فلسفه مارکس)، تحلیل و معاد را به نظام عادلانه سوسیالیستی تفسیر می کردند که در همین دنیا برقرار می شود. بنابراین، تفسیر اسلام بدون استفاده از روش صحیح به گونه ای که فقط پوسته ای از آن باقی باشد و مراجعه نکردن به روحانیت به عنوان کارشناس، آنها را در کنار مادی گراها و در مقابل اسلام و روحانیت قرار داد.

۴. انجمن حجتیه

انجمن خیریه حجتیه مهدویه در سال ۱۳۳۵ تأسیس شد. این انجمن با اندیشه های ارتجاعی و بی پایه خود، از گروه هایی بود که خلاف جهت انقلاب حرکت و با ایجاد شبهه در اصل انقلاب، در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی اشکال تراشی می کرد. امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید:

دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند: دین، از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است؛ امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست

ص: ۶۵

شده اند.(۱)

انجمن برای حفظ موجودیت خود و دور مانـدن از آسـیب در دوران رژیم سـتم شـاهی، از شـرکت در فعـالیت هـای مبارزاتی برضـد رژیم شاه پرهیز می کرد. آنها چون خود را از یاران خاص امام زمان عج الله تعالی فرجه الشـریف و دوسـتداران حقیقی آن حضـرت می دانسـتند و دیگران را در این زمینه، بیگانه یا بی اعتنا می پنداشـتند، از جامعه انقلابی جـدا شدنـد. اینان گاه به حرکت هـای انقلابی اعتراض می کردنـد و به باد انتقاد می گرفتنـد.(۲) امـام خمینی رحمه اللهفعـالیت ها و موضع گیری های انجمن حجتیه را از مشکلات بزرگ نظام اسلامی می دانست و در این زمینه می فرمود:

ترویـج تفکر «شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایسـتاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبـارزه نیسـتیم و یـا جـواب خون مقتولین را چه کسـی می دهـد و هزاران «إن قلت» [اشـکال] دیگر؛ مشـکلات بزرگ و جـان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه و تبلیغات جلوی آنها را گرفت.(۳)

اعضای انجمن حجتیه با تشـکیلات منسـجمی که با جدیـدترین شـیوه های رایـج در جهان سازمان دهی شـده بود، دچار غرور خاصی شده بودند، به گونه ای که هیچ انتقادی را نمی پذیرفتند. از طرفی، جدا دانستن

۱- ۹ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۳.

۲- ۱۰ . احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، صص ۱۲۵ _ ۱۳۱.

۳- ۱۱ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۲.

دین از سیاست که یکی از اصول مقدس بهاییت بود، برای انجمن هم اصلی مهم به شمار می آمد. این مسئله سبب شده بود که اعضای انجمن، با رفاه طلبی مزمن، مبارزه را نفی کنند و انقلاب را به باد انتقاد بگیرند.(۱) بنابراین، غرور تشکیلاتی، جدا دانستن دین و سیاست و رفاه طلبی را می توان از علل مخالفت انجمن حجتیه با روحانیت برشمرد.

۵. روشن فکران غرب زده

اشاره

روشن فکران غرب زده، گروه دیگری از مخالفان روحانیت هستند که از گذشته های دور به مخالفت با روحانیت می پرداختند و خود را نجات دهنده جوامع می دانستند. در مورد تعریف روشن فکر و تعیین مصداق های آن اختلاف نظرهایی وجود دارد، ولی تعریف زیر جامع و کامل به نظر می رسد: «روشن فکر کسی است که وضعیت و مشکلات جامعه را می شناسد و برای حل آن تلاش می کند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، دست به ایجاد آگاهی عمومی می زند. روشن فکر غرب زده نیز کسی است که وضعیت و مشکلات جامعه را می شناسد و

۱- ۱۲ . احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، ص ۱۳۱.

برای حل آن و رسیدن به وضع مطلوب، به راه حل های کاملاً غربی تمسک می جوید و تن به ذلت و وابستگی می دهد».(۱)

نخستین تماس فرهنگی ایران با غرب، در عصر صفوی صورت گرفت. با اعزام محصلان و سفرهای ایلچیان به خارج، آنها بیشتر به جای خودآگاهی و کسب دانش، شیفته زرق و برق های زندگی دنیوی و آزادی های جنسی حاصل از رنسانس شدند و این کار، اندک اندک مسلمانان را به موجوداتی خوش گذران و فاسد تبدیل کرد.(۲)

میرزا محمدخان در رساله کشف الغرایب درباره غربی مآبی جوانان تحصیل کرده شرقی در غرب می نویسد:

شترمرغ های ایرانی که از پطرز بورغ و سایر بلاد خارجه برگشته و دولت ایران در راه تربیت ایشان مبلغ ها متضرر شده، از علم دیپلمات و سایر علومی که به تحصیل و تعلم آن مأمور بوده اند، معلومات آنها به دو چیز حصر شده: استخفاف ملت و تخطئه دولت.(۳)

روشن فکران خودباخته و غرب زده را می توان به دو گروه کلی تقسیم کرد؛ جاهلان و مغرضان. به تعبیر دیگر، کسانی که اغفال گردیده و شیفته زندگی و پیشرفت های تکنولوژیک غربی ها شده اند، به گونه ای که خود،

۱- ۱۳ . محمود تقی زاده، جزوه درسی.
۲- ۱۴ . محمد مددپور، سیر تفکر معاصر در ایران، زمینه های تجدد و دین زدایی، تهران، منادی تربیت، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸.
۳- ۱۵ . همان، ص ۱۶۱.

ملت و فرهنگ خود را در برابر آن خوار پنداشته اند و گروه مغرضی که به غرب وابسته اند و در استخدام نهادهای امپریالیستی، به پاسداری از منافع آنها مشغول شده اند.(۱)

دوره های تاریخی روشن فکری ایران

۱. دوره آغازین: این دوره از زمان فتح علی شاه آغاز می شود و عصر مشروطه و دوران حاکمیت رضاخان را در برمی گیرد. تکیه بر مفهوم قانون زمینی و لاییک در برابر شریعت آسمانی و قانون الهی را می توان از محورهای اساسی جریان روشن فکری در این دوره دانست.

در این دوره، روشن فکران، روحانیت را مدافع و پاسدار سرسخت تفکر دینی و مانع اصلی تحقق مدرنیسم و حاکمیت قانون لیبرالیستی می پنداشتند. ازاین رو، هرگاه فضا را مساعد می دیدند، پنهانی یا آشکارا به ستیز با آنان می پرداختند.(۲)

میرزا ملکم خان از جمله روشن فکران این دوره است که می گوید:

در اخذ اصول تمدن جدید و مبانی ترقی عقلی و فکری، حق نداریم درصدد اختراع باشیم، بلکه باید از فرنگی سرمشق بگیریم و در جمیع صنایع از باروت گرفته تا کفش، روزی محتاج سرمشق غرب بوده و

۱- ۱۶ . علی محمد نقوی، جامعه شناسی غرب گرایی، تهران، سپهر، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- ۱۷ . شهریار زرشناس، تأملاتی درباره روشن فکری در ایران، تهران، برگ، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۷۶.

هستیم.(۱)

تقی زاده از دیگر روشن فکران این دوره می گوید:

ایرانی باید سر تا قدم اروپایی شود، اروپایی فکر کند، اروپایی بپوشد و اروپایی غذا بخورد.(۲)

۲. دوره دوم: از زمان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی آغاز می شود و در تمام دوران سلطنت او ادامه می یابد. از جمله روشن فکران غرب زده در این دوره، مهدی بازرگان است. او مدعی علمی کردن مذهب و معتقد بود هر یک از مفاهیم و معانی دینی که در چارچوب بینش علمی نگنجد، خرافه به شمار می رود و رسالت علم این است که اشتباه ها و خرافه هایی را که به دین چسبیده است، پاک کند.(۳)

۳. دوره سوم: هدف اصلی جریان روشن فکری ایران در این دوره که دهه شصت و به ویژه سال های پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را در برمی گیرد، به مبارزه گسترده فرهنگی با باورهای دینی و سنّتی و نیز ارزش های انقلابی معطوف گردید. طرح مکرر شبهه ها در اصول و مبانی اندیشه اسلامی، ترویج شعارهایی بر ضد مبانی نظری و عملی ولایت فقیه و به طور کلی روحانیت، القای شبهه هایی در مورد ناکارآیی فقه در صحنه

ص: ۷۰

۱- ۱۸ . حمید مکارم شیرازی، غرب زدگی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۴۴.

۲- ۱۹ . همان.

۳- ۲۰ . تأملاتی درباره روشن فکری در ایران، ص ۷۶.

اجتماع و تحریف و مسخ معانی و مفاهیم دینی، از ویژگی های این دوره به شمار می آید. این حرکت خزنده و نیرومند، دو هدف کلی را در پی می گیرد:

الف) در کوتاه مدت: ترویج سکولاریسم و تضعیف فرهنگ دینی؛

ب) در درازمدت: سرنگونی کامل و نفی نظام اسلامی (ولایت فقیه).(۱)

روشن است که هدف دوم، نتیجه طبیعی و منطقی هدف اول است؛ به این معنا که با تضعیف فرهنگ دینی و ترویج فساد و فحشا، نظام اسلامی دچار استحاله درونی می شود و از بین می رود. یکی از راه کارهای این جریان در تضعیف فرهنگ دینی، تعریف لیبرالی از آزادی است. آنها هر نوع پای بندی به معیارها و موازین دینی و انقلابی را نفی آزادی می پندارند و حاکم کردن معیارها و ارزش های ضددینی را در عرصه های مطبوعات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون و نیز میدان دادن به عناصر فاسد رژیم گذشته و چهره های فاسد و ترویج کنندگان ابتذال در دانشگاه ها را به معنای تحقق آزادی می دانند.

۶. عوام غرب زده

غیر از گروه ها و احزاب یادشده برخی از توده های مردم نیز به جهت گرایش به فرهنگ غرب، به مخالفت با روحانیت می پردازند.

۱- ۲۱ . همان، صص ۱۹۴ _ ۱۹۷.

عوام غرب زده ای که به سبک زندگی غربی تمایل دارند، دین و مبلّغان آن یعنی روحانیت را مانع خود در این مسیر می دانند و به دشمنی با روحانیت می پردازند. همان گونه که اشاره شد، غرب زدگی در دو سطح، قابل بررسی است؛ سطح روشن فکران و سطح عوام. در سطح روشن فکران، تقلید کورکورانه در اندیشه ها و ایده ها و تلاش برای وابستگی به غرب مورد نظر است و در سطح عوام، در سبک زندگی روزانه، مدها، لباس، آرایش و تقلید در آداب اجتماعی پدیدار می شود.

در برخی قشرهای جامعه، ملاک متمدن بودن، مصرف کالاهای غربی است. آنها به بهانه پیشرفت های تکنولوژی غرب، بدون توجه به کارهای علمی و فکری غرب، به اقتباس از فرهنگ، نظام ارزشی، مد لباس و رفتار آنان می پردازند. این گروه غرب زده با اعتقادی التقاطی، نان به نرخ روز می خورند و در مقابل مسائل اجتماعی، موضع ثابتی در پیش نمی گیرند. آنها خود را لزوما به مذهب پای بند نمی بینند(1) و برای رسیدن به خواسته های نامشروع خود، به مقابله با احکام دین و روحانیت می پردازند. افزون بر این، غرب زدگی عوام، پی آمدهایی دارد که هر یک موجب تضعیف باورهای دینی و دوری مردم از دین و روحانیت و نیز زمینه ساز موضع گیری بر ضد روحانیت می شود.

۱- ۲۲ . جامعه شناسی غرب گرایی، صص ۹۴ و ۹۵.

پی آمدهای غرب زدگی جامعه

۱. رواج معاشرت های آزاد دختران و پسران

از نظر اسلام، برای روابط دختر و پسر محدودیت هایی وجود دارد که تبیین و تفسیر آن بر عهده روحانیت است، ولی در فرهنگ غربی، رابطه دختر و پسر و دوستی میان آنها از نظر اجتماعی بدون مانع است. در میان اقلیت غرب زده جامعه ما نیز میل به آزادی این روابط دیده می شود، به گونه ای که منتقدان و مخالفان وجود این روابط را واپس گرا یا مرتجع می نامند(۱) و در برخی موارد، برضد آنان موضع گیری می کنند و خواهان طرد آنها می شوند.

۲. بی اعتنایی به حجاب

یکی دیگر از دغدغه های غرب زده ها، برداشتن حجاب و ترویج فرهنگ برهنگی است. در خرده فرهنگ غرب گرا، زن باحجاب، واپس گرا تلقی می شود و از منزلت اجتماعی برخوردار نیست. غرب گرایی با شاه کلید کشف حجاب و تغییر لباس، مقدمات تغییر جهان بینی و نگرش درونی و در واقع، مسخ انسان را فراهم می سازد و سبب بی توجهی انسان به معنویت و اهداف والای انسانی می گردد.(۲)

۱- ۱ . همان، ج ۲، ص ۶۴.

۲- ۲ . همان، ص ۷۰.

۳. تساوی زن و مرد

یکی دیگر از پی آمدهای غرب زدگی، ایجاد تفکر تساوی کامل زن و مرد است. البته این تساوی کامل، بیشتر در پوشیدن لباس، حضور در صحنه های گوناگون اجتماعی و آزادی در رفت و آمدها خلاصه می شود. اسلام با توجه به نوع آفرینش زن و مرد، تکلیف آن دو و برابری در برخی زمینه ها، و نابرابری در برخی زمینه های دیگر را روشن ساخته است.(۱) بنابراین، طرفداران این برابری کامل، برای تحقق این هدف، با احکام دین و آموزه های روحانیت به مخالفت برمی خیزند.

۴. افزایش جرم و فساد

جرم و جنایت، فقط ناشی از غرب گرایی نیست و پیش از ورود الگوهای غربی نیز جرم وجود داشته است، ولی غرب گرایی، هم کیفیت جرم و جنایت را تغییر داده و هم انواع آن را زیاد کرده است. برای مثال، بی حجابی، آزادی روابط دختر و پسر، کار مادران، بی ثباتی روحی، نبود تربیت اخلاقی، سست شدن باورهای دینی و لذت گرایی که ارمغان غرب است، از مهم ترین عوامل افزایش جرم و جنایت(۲) به شمار می آید.

ص: ۷۴

۱- ۳ . همان، ص ۷۲.

۲- ۴ . همان، ص ۸۲.

۵. نقش ناکارآمدی دولت در مخالفت و تهاجم به روحانیت

عامل دیگری که موجب بدبینی مردم و برخی تحصیل کردگان دانشگاهی به روحانیت می شود، ناکامی های دولت در برخی طرح ها و بعضی جنبه های رشد و توسعه، به ویژه تأمین ثبات اقتصادی و خدمت رسانی ملموس است. در همین زمینه، دشمنان نظام همواره کوشیده اند نظام اسلامی را «حکومت روحانیان» بنامند و از طرفی، عملکرد هر بخش یا مجموعه را به حساب این قشر بگذارند. البته آنچه قابل تأمل است اینکه فقط کمبودها و نقص ها به حساب روحانیت گذاشته می شود تا بر پایگاه اجتماعی روحانیت اثر منفی بگذارد.

دیدگان حقیقت بین درمی یابد که در تعبیر درست، این نظام، «نظام ایدئولوژیک» است و مشابه هر نظام مکتبی، مفسرانی دارد. بنابراین، نمی توان آن را حکومت قشری خاص

دانست. معنای حکومت روحانیان این است که مسئولیت ها در دست روحانی باشد، مثل حکومت کشیشان در واتیکان که در آنجا حکومت، حکومت روحانیت است، ولی در نظام جمهوری ما این گونه نیست. رئیس جمهور، وزیران و نمایندگان مجلس، لزوما روحانی نیستند. تنها منصبی که در آن فقاهت شرط است، ولی فقیه و قضاوت است. بنابراین، این حکومت هرگز حکومت قشری خاص نیست و روحانیان، امتیاز ویژه ای در حکومت ندارند.(۱) افزون بر این، روحانیت، برخاسته از طبقه یا قشر خاصی نیست.

ص: ۷۶

۱- ۵ . حوزه و روحانیت در آیینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۱، صص ۲۳۵ و ۲۳۶.

فصل پنجم: آسیب شناسی روحانیت

اشاره

همان گونه که ویژگی هایی مانند: بیداری، روشن بینی، زهد، بی توجه نبودن به مسائل اجتماعی از خوبی های نهاد روحانیت به شمار می آید، وجود نقاط ضعف و کوتاهی برخی از روحانیان در انجام نقش های اجتماعی شان، زمینه از بین رفتن پایگاه اجتماعی روحانیت را فراهم می آورد و در نهایت به تضعیف باورهای دینی جامعه می انجامد.

در عصر حاضر به دلیل ارتباط روحانیت با نهادهای گوناگون حکومت، زمینه لغزش و فساد روحانیان در مقایسه با گذشته گسترش یافته و میزان آسیب پذیری آنان بالاتر رفته است.(۱) در این فصل به موارد مهم نقاط ضعف و لغزش های روحانیت می پردازیم.

ص: ۷۷

۱- ۱ . حوزه و روحانیت، ج ۲، ص ۲۰۱.

۱. ناشناخته بودن کارکرد روحانیت

بـا وجود ارتباطـات گسترده میان مردم و روحانیان، مردم از کارکرد و وظیفه اصـلی روحانیت آگاهی کافی ندارنـد و جز چند وظیفـه سنّتی برای روحـانیت نمی شـناسد. همین امر سـبب شـده است عـده ای بـا وجـود علاـقه منـدی به اسـلام و انقلاـب، با روحانیت میانه خوبی نداشـته باشـند. آنها با نادیده انگاشـتن تلاش های هزاران روحانی مخلص، معتقدند روحانیت در گذشته کم و بیش کارآیی داشـته است، ولی امروز وضـعیت تاریخی و اجتماعی جدیدی به وجود آمده است که حضور روحانیت در آن لزومی نـدارد و نمی توانـد هیچ نیازی را برآورده کند. بنابراین، باید بساط آخوندی برچیده شود و جای خود را به دیگران بدهند.(۱)

ثبت اسـناد، خوانـدن صـیغه ازدواج، خوانـدن نماز میت و مانند آن وظیفه اصـلی روحانیت نیست، بلکه وظیفه اصـلی روحانی، تبیین اسـلام و دفـاع از آن، پاسـخ به شـبهه هـا، تولیـد، تبیین و نهـادینه سـازی فرهنـگ دینی و اموریماننـد آن است که برای سعـادت جـامعه و حفـظ هویت آن اهمیتی حیـاتی دارد. البته این نقش های مهم برای مردم ناشـناخته مانـده است و فقط گروه اندکی از آن آگاهند. همین امر سبب شده است تا عده ای در برابر روحانیت موضع گیری کنند.

۱- ۱ . محمدتقی مصباح یزدی، مباحثی درباره حوزه، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹.

روحانیت در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نقش های بسیار حساس، مفید و سرنوشت سازی از خود به یادگار گذاشته است. اطلاع رسانی از کارکردهای روحانیت می تواند زمینه های بی خبری جامعه را که برای تهاجم بر ضد روحانیت مساعد است، از بین ببرد.

۲. دنیاگرایی

اشاره

روحانیت به دلیل برخورداری از اخلاق، زهد و علم، مورد احترام است و در جامعه نفوذ کلام دارد. زندگی ساده و بی پیرایه روحانیان بزرگ و بی اعتنایی آنها به امور دنیوی موجب شده است تا این قشر میان مردم از احترام و اعتماد برخوردار باشد. اگر این ارزش فراموش شود و پاسداران دین به دنیاگرایی روی آورند، دیگر نمی توانند جامعه را هدایت کنند؛ چون پایگاه اجتماعی خود را از دست می دهند و زمینه های تهاجم و سوءاستفاده مغرضان را فراهم می سازند. از طرفی، دنیاگرایی روحانیت پی آمدهایی دارد که هر یک می تواند زمینه ساز تهاجم باشد. پی آمدهای دنیاگرایی روحانیت را می توان چنین برشمرد:

الف) تباهی معنویت

توجه به معنویت که هدف اصلی این نهاد و مایه عزت و احترام آن است، با روی آوردن به دنیا کم رنگ می شود. روحانیت اگر بخواهد خدمتی انجام

بدهـد، باید رابطه خود را با خدا خالص کند و مطیع کامل دسـتورهای الهی باشد. بنابراین، از بین رفتن معنویت در میان برخی روحانیان، موجب انزوای آنها می شود.

ب) کم توجهی به دانش

روحانیانی که از نظر علمی ضـعیف هستند، نه تنها نمی توانند دیگران را به اسلام جذب کنند، بلکه موجب دور شدن نیروهای مؤمن و متعهـد از پیرامون خود و ترویـج روحیه بی تفـاوتی در این نیروهـا در مورد اسـلام و روحـانیت می شونـد.(۱) یکی از عوامل مهم ضـعیف شدن بنیه علمی، دنیاگرایی و به دنبال کسب ثروت و مادیات رفتن است؛ چون اگر روحانی در پی کسـب مال و مقام باشد، دیگر فرصت کافی برای دانش اندوزی در اختیار نخواهد داشت.

ج) فاصله گرفتن از مردم

مردم، روحـانی را پنـاه گـاه خود و مشاوری امین می داننـد، به گونه ای که مشـکلات و مسائل شخصـی خود را با او به راحتی مطرح می کننـد و راه حل می جوینـد. حال اگر روحانیت در وادی تجمل وارد شود، ممکن است از مردمی که از نظر مالی در سطح پایین تری قرار دارند، فاصله بگیرد و رابطه اش با آنها به سردی بگراید. رابطه و هم دلی روحانیت با مردم،

۱- ۱ . همان، ص ۱۸۳.

سرمـایه ای است که در طول قرن ها به وجود آمـده است و اهمیت بالایی دارد. حتی قرار گرفتن در پست های دولتی نیز نباید این هم دلی و هم گـامی بـا مردم و در کنـار ایشـان زیسـتن را از بین ببرد. از طرفی، دنیاگرا شـدن ممکن است موجب برخورد طلب کارانه با مردم شود، در حالی که در طول تاریـخ، روحانیت همواره خود را خادم مردم می دانست و به راحتی از آسایش خویش می گذشت تا گرهی از کار مردم بگشاید. اگر روحانی با مردم برخورد طلب کارانه داشـته باشد، مردم آن را به اعتبار تغییر جایگاه روحانیت می گذارند و از او دل می برند.(۱)

د) فاصله گرفتن از مستضعفان

روحانی در طول تاریـخ، پشتیبان محرومان بوده است و آنها در روزهای سـختی به او روی می آورنـد. روحانیت باید در حفظ این ویژگی تـاریخی تلاش ورزد، همچنان خود را به شـعار حمایت از محرومان پای بنـد بدانـد، در برابر حقوق ایشان احساس مسـئولیت کند و باور داشته باشد که جبهه رفاه هیچ گاه به روحانیت ایمان نیاورده است و نخواهد آورد. خطر جدی این است که گروه هایی، این شـعار را از روحانیت بربراینـد و این تصور را بیافریننـد که روحانیت در مسـند اقتـدار و در جبهه زرمـداران است، بر خوان نعمت ایشان جای دارد و کلید مشکل گشای آنان به شمار می آید. در مقابله

۱- ۲ . حوزه و روحانیت، صص ۱۹۳ _ ۱۹۵.

بـا ایـن رخـداد که آثـار آن از هم اکنـون هویـداست، روحـانیت بایـد هوشـیاری نشـان دهـد و در گفتـار و کردار، حمـایت از محرومان را جدی بگیرد و هم نشینی با بی نیازان را نقص نداند.(۱)

ه_) هم گامی با ستم کاران

هنگامی که دنیاطلبی در انـدیشه عالِم شـیفته دنیا رخنه می کند، اهداف و ارزش های وی را تغییر می دهد و برای دسترسـی به آنهـا، زبـان و رفتارش را به خـدمت می گیرد. چنین کسـی برای رسـیدن به مطلوب خود، دیگر نمی توانـد از سـتم دیـدگان و محرومان دفاع کنـد. او برای رسـیدن به آمال و آرزوهای خود، به ناچار بایـد با سـتم کاران همکاری کنـد. این دوری از سـتم دیدگان و قرار گرفتن در کنار ستم کاران، خود، زمینه ساز تهاجم برضد روحانیت می شود.

و) عافیت طلبی

آرامش جویی و رفاه طلبی، روحانی را از خـدمت به اسـلام و مردم بازمی دارد و سـبب می شود نتواند وظیفه خود را به خوبی انجام دهد و به عضو سـربار جامعه تبدیل می گردد. روحانیانی که در پی رفاه مادی اند، دیگر حاضر نیستند برای دفاع از دین، مردم و محرومان، خود را به زحمت بیندازند و در لاک بی اعتنایی فرو خواهند رفت. در حالی که آنها

۱– ۳ . همان، صص ۱۸۱ _ ۱۸۳.

از بودجه اسلام روزی می گیرند و وظیفه خطیر خدمت به اسلام را برعهده دارند.(۱)

ز) به بی راهه کشاندن مردم

از آنجا که رفتار روحانی در جامعه اثرگذار است، اگر او دنیاگرا شود، توده مردم به دنیا روی می آورند و در این مسیر به رقابت می پردازند. این مسئله، در درازمدت، کم رنگ شدن ارزش ها را در پی خواهد داشت. از طرفی، آن عده از مردم که قادر به رقابت نیستند و از قافله دنیاگرایان عقب مانده اند یا آنها که این مسیر را درست نمی دانند، به طرد روحانیت می پردازند. این کار، به کاهش جایگاه اجتماعی روحانیت و انزوای آنها می انجامد و سبب موضع گیری مردم در برابر این قشر می شود.

بنابراین، یکی از عوامل مهم که موجب ایجاد انگیزه برای تهاجم به روحانیت می شود، دنیاگرایی روحانیان و فاصله گرفتن آنها از معنویت، اخلاق و علم است.

۳. اختلاف میان روحانیت

وجود اختلاف میان روحانیان، به طور مستقیم بر مردم و جامعه اثر می گذارد و موجب از هم پاشیدگی جامعه و از بین رفتن جایگاه روحانیت

۱- ۴ . صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۷۴.

می شود. به یقین، این گونه اختلاف ها اگر در محیط های علمی و نظری حل نشود و به سطح جامعه راه بیابد، به ویژه اگر به بحث ها و اختلاف های سیاسی و حزبی تبدیل شود، به زیان جامعه روحانیت تمام خواهد شد و دشمن سود می برد. به همین دلیل، دشمن از این اختلاف ها بهره برداری می کند و آن را به میان مردم می کشاند. از طرفی، دشمن با تبلیغات، مسائل کوچک را بسیار بزرگ جلوه می دهد، به گونه ای که مردم را به روحانیت، بدبین و از آینده ناامید می سازد. همین اختلاف، موجب شکست علما در عصر مشروطه شد و سالیان سال، مردم و روحانیان را زیر سلطه سیاه استبداد کبیر قرار داد.

مشروطه ابتدا به خوبی پیش رفت تا اینکه استعمار، به اختلاف افکنی میان علما روی آورد و توانست همه روحانیان، اعم از علمای بزرگ و اهل درس و منبر را به دو دسته موافق و مخالف مشروطه تقسیم کند. پس از اینکه این اختلاف و تفرقه به جامعه کشیده شد، دیگر میان افراد یک خانواده هم، عده ای طرفدار مشروطه و عده ای مخالف آن بودند. در نهایت همین اختلاف ها، به شکست مشروطه انجامید.

ص: ۸۴

۴. انجام رفتارهای دور از انتظار سیاسی و اجتماعی

الف) موضع گیری نامناسب در مسائل اجتماعی و سیاسی

روحانیت، تریبون های متعددی در اختیار دارد و از آنها برای اظهارنظر در مورد افراد، گروه ها و مسائل سیاسی و اجتماعی سود می برد. از آنجا که مسائل اجتماعی و سیاسی از حساسیت بالایی برخوردار است، ناآگاهی از جریان ها، مسائل و موضوع ها، زمینه جبهه گیری مخالفان را فراهم می آورد.

ب) افراط گرایی در محافظت های مسئولان

شرایط اول انقلاب و ترور شخصیت های انقلابی به دست برخی گروه ها، محدودیت هایی برای برخی از مسئولان به وجود آورده بود و برای حفظ جان آنها باید از ایشان محافظت می شد و مردم هم آن را پذیرفته بودند. از لوازم طبیعی این مسئله، فاصله افتادن میان روحانیان مسئول و مردم بود. اکنون که شرایط تغییر کرده است، شاید برخی محافظت ها بی مورد باشد. ممکن است حفاظت و تجمل درهم بیامیزد و پی آمدهای نامناسب دیگری هم داشته باشد. اینکه به بهانه محافظت، قشون راه بیفتد و زندگی فاخری را به نمایش بگذارند، ناپسند است. بنابراین، شاید برخی حفاظت ها در بعضی شهرستان ها لازم نباشد و به دلیل پی آمدهای منفی، باید هرچه بیشتر از میزان آن کاست. برای مثال، محافظت از امام جمعه، او را از مردم دور

ص: ۸۵

می کند و این گونه وانمود می شود که امام جمعه، همواره در تهدید و خطر است و باید از او محافظت به عمل آید.(۱)

ج) ناکارآمدی برخی روحانیان مسئول

پس از انقلاب، به دلیل مسئولیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که برعهده روحانیت نهاده شده، این گروه همواره مورد توجه و دقت همگان قرار گرفته است. خودی و بیگانه به عملکرد روحانیان نظر دارند و کارآمدی ایشان را ارزیابی و نقد می کنند. آنها بی کفایتی برخی نیروهای برآمده از حوزه را دلیل ناتوانی نهاد روحانیت در مدیریت اجتماعی می دانند.(۲) آن گاه با تبلیغات و شعارهایی نظیر اینکه «کارهای اجتماعی و حکومتی مربوط به دنیاست وعلما نباید در آن وارد شوند، علما باید به مسجد و مدرسه بروند و اسلام و روحانیت نباید به جامعه و حکومت کاری داشته باشند»، می خواهند روحانیت را از صحنه سیاست دور کنند. البته این شیوه در دور شدن برخی از علما از صحنه سیاست پس از مشروطه کارگر افتاد. بنابراین، افراط و تفریط در سپردن مسئولیت های اجتماعی به ویژه حکومتی به روحانیت، در بلندمدت، آثار جبران ناپذیری در پی دارد.

۱- ۱ . حوزه و روحانیت، ص ۱۹۶.

۲- ۲ . همان، ص ۱۹۰.

د) ارتکاب خلاف عرف و قانون

روحانی بین مردم به عنوان نماینده نهاد دینی شناخته می شود و انتظار می رود با رفتاری کاملاً منطبق بر معیارها و موازین دینی، الگو و نمونه ای برای هدایت و راهنمایی مردم باشد. حال اگر یک روحانی رفتاری خلاف عرف انجام دهد، برای مثال در اماکن عمومی سیگار بکشد، به پایگاه روحانیت آسیب می زند؛ چه رسد به اینکه اعمال خلاف شرع و قانون انجام دهد، رشوه بگیرد، به بیت المال دست درازی کند و موارد دیگر. در این صورت، هر قدر هم تعداد روحانیان خطاکار کم باشد، قدرت نفوذ روحانیت درهم می شکند و موجب طرد و انزوای آنها می شود.

۵. برخوردهای واپس گرایانه

واپس گرایان، کم خردان لجوجی هستند که با نوآوری بیگانه اند و افق دیدشان بسیار محدود است. آنها بر اثر جمود فکری، یافته های خود را تمام حقیقت اسلام می دانند و اسلام را از چارچوب فهم خود فراتر نمی برند. این گروه، از زدودن ناخالصی ها از پیکر دین وحشت دارند و برای پرسش های نو پاسخی ندارند. ساده اندیشی اینان سبب می شود زود فریب بخورند و ابزار دست دشمنان اسلام قرار بگیرند. نمونه این گروه در

صدر اسلام، خوارج بودند که در برابر حضرت علی علیه السلام قرار گرفتند.(۱) امام راحل رحمه الله بارها خطر واپس گرایی را در حوزه گوشزد می کرد و زیان آن را برای زمین گیر کردن افکار و اندیشه های اسلامی، از هر مسئله دیگر بزرگ تر می دانست:

خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست و طلاب عزیز لحظه ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام امریکایی اند و دشمن رسول اللّه [هستند].(۲)

۶. روحانی نمایان

در میان روحانیت، افرادی هستند که در ظاهر روحانی اند، ولی نقش روحانی را ایفا نمی کنند و در مسیر روحانیت گام برنمی دارند. این گروه، روحانی نما نامیده می شوند. امام باقر علیه السلام در توصیف این گروه می فرماید:

این افراد از علم بی بهره اند و بسیار کم عمق و سطحی نگرند، ولی به عالم بودن تظاهر می کنند. تکالیفی را واجب می دانند که زیانی برایشان نداشته باشد، تا جایی که حتی نماز هم اگر برای آنها زیان داشته باشد، آن را ترک می کنند. البته در عین حال به تقوا و عبادت تظاهر می کنند و در حضور مردم، خود را متعبد نشان می دهند و همواره به دنبال بهانه ای

ص: ۸۸

۱- ۱ . سیدعباس رضوی، ماه نامه حوزه، ش ۹۴، ص ۲۶۱.

۲- ۲ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۱.

هستند که از زیر بار تکلیف شانه خالی کنند.(۱)

این افراد برای اینکه حمایت مردم را جلب کنند، از راه های گوناگون، روحانیان حقیقی را از صحنه بیرون می کنند و خود به جای آنها قرار می گیرند. بزرگ ترین تفاوت علمای متعهد اسلام با روحانی نمایان در این است که علمای مبارز، همواره هدف تیرهای زهرآگین جهان خواران بوده اند، ولی روحانی نمایان، حمایت همیشگی زرپرستان دنیاطلب را پشت سر داشته اند.(۲) علت آن است که علمای متعهد، همیشه طرفدار مستضعفان بودند و در مقابل زورگویان ستمگر قرار داشته اند، ولی روحانی نمایان در کنار سرمایه داران و مستکبران و توجیه گر رفتارهای آنها بوده و همواره به ثناگویی آنها پرداخته اند. امام راحل رحمه الله در مورد این افراد می فرماید:

اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد و اگر معممین ساختگی و روحانی نماهای بی حیثیت در جامعه ساقط شده، نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ گاه موفق به اجرای نقشه های شوم استعمارگران نخواهد شد. ما پیش از هر کاری، لازم است تکلیف خود را با روحانی نماها که امروز خطرناک ترین دشمن ها برای اسلام و مسلمین محسوب می شوند و به دست آنها نقشه های شوم دیرینه اسلام و دست نشاندگان استعمار پیاده و

۱- ۱ . اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵، ح ۱.

۲- ۲ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷.

اجرا می گردد، روشن سازیم و دست آنان را از حوزه های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم، تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده، از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم.(۱)

ص: ۹۰

۱- ۳ . همان، ج ۱، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

بخش دوم: شیوه های تهاجم به روحانیت

فصل اول: تبلیغات

اشاره

در طول تاریخ، استعمارگران و گروه ها و احزاب مخالف با نهاد روحانیت همواره از شیوه تبلیغ، تطمیع و تهدید در تهاجم به روحانیت استفاده کرده و می کنند. در این بخش به بررسی این شیوه ها و ذکر نمونه های تاریخی می پردازیم.

تبلیغات به معنای ایجاد نظر خوب یا بد در مورد شخص، سازمان، مذهب یا عقیده ای از راه تحت تأثیر قرار دادن افکار و عقاید مردم است. تبلیغات ممکن است برای هدف های دینی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی باشد.(۱)

بسیاری از کشورها برای گسترش مرام ها و عقاید سیاسی و اجتماعی خود، به تبلیغات دست می زنند و در این راه از همه وسایل ارتباط جمعی استفاده می کنند. از مهم ترین این وسایل به تلویزیون، رادیو، سینما، رایانه،

۱- ۱ . احمد رزاقی، اهمیت و ضرورت تبلیغات، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۵.

مطبوعات و اینترنت می توان اشاره کرد که اهمیت آنها نیز به تعداد مخاطبان بستگی دارد که از آن وسایل استفاده می کنند. برای مثال، شاید بتوان تلویزیون را به دلیل داشتن مخاطبان زیاد از همه اقشار جامعه، مهم ترین وسیله تبلیغی دانست.

شیوه های تبلیغ بر ضد روحانیت

۱. ترویج شایعه

اشاره

یکی از شیوه های مبارزه با روحانیت، ایجاد و ترویج شایعه بر ضد آنها در جامعه است. «شایعه عبارت است از یک قضیه خاص حدسی و گمانی، بدون وجود ملاک های اطمینان بخش رسیدگی که معمولاً به صورت شفاهی و عمدی یا غیرعمدی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود».(۱)

شایعه گاه به صورت خودجوش و اتفاقی تولید و پخش می گردد و این در صورتی است که از علایق و عواطف یا نفرت و انزجار افراد و گروه هایی در مورد اشخاص و نهادهایی برخاسته باشد. در مواردی هم حساب شده و سازمان یافته، از طرف واحدهای تبلیغاتی خاصی، تهیه و تدارک و از راه وسایل ارتباط جمعی، منتشر و پخش می شود، مانند

۱- ۱ . جی دبلیو آلپرت، روان شناسی شایعه، ترجمه: ساعد دبستانی، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ص ۹.

شایعاتی که بر ضد روحانیت و شخصیت های روحانی در مطبوعات منتشر می شود که به نمونه هایی از آن اشاره خواهیم کرد.(۱)

الف) زمینه های تأثیر و ترویج شایعه

شایعه با داشتن دو شرط رواج می یابد: یکی اینکه برای گوینده و شنونده اهمیت داشته باشد و دیگر اینکه رویدادهای حقیقی باید در نوعی ابهام پوشیده شده باشد. این ابهام می تواند با نبود اخبار دقیق یا از راه برخی عقده های عاطفی القا شود که فرد را مجبور می سازد نتواند یا نخواهد واقعیت هایی راکه در اخبار مطرح شده است، بپذیرد. بنابراین، هرچه اهمیت مطلب و ابهام آن بیشتر باشد، شایعه رواج بیشتری می یابد. به همین دلیل، در بین گروه هایی که از روحانیت شناخت کمتری دارند، شایعه پذیرفته می شود و رواج بیشتری می یابد.

ب) دسته بندی شایعه

نوع اول، شایعه هایی هستند که به آرامی و به همراه احساسی سرشار از رازداری گسترش می یابند، تا به مرور همه از آن باخبر شوند. شایعه های غیب گویانه که حوادث ناگوار را پیش بینی می کند یا شایعه های افشاگر خلاف کاری های مقام های دولتی و مسئولان اتحادیه ها را می توان در این دسته گنجاند. شایعه های خصمانه نیز از این مقوله اند و عاملان آنها،

۱- ۲ . همان، ص ۴۶.

زنجیره ای پایان ناپذیر را برای انتشار تشکیل می دهند.(۱) شایعه های مربوط به فرار برخی روحانیان به خارج از کشور، سوءاستفاده مالی و از این دست، جزو این دسته قرار می گیرند، مثل شایعه پول گرفتن آیت اللّه مدرس از شرکتی انگلیسی.

شایعه های دسته دوم، آتشین هستند و به دلیل مطرح کردن مخاطره ها و وعده های فوری، به سرعت منتشر می شوند و جامعه را در مدت بسیار کوتاهی در برمی گیرند. این نوع شایعه ها موجب واکنش های نیرومندی می شوند. همانند شایعه هایی که بر ضد شیخ فضل اللّه نوری ساخته شد و به سرعت ترویج یافت، به گونه ای که زمینه به دار آویختن او را فراهم ساخت که شرح آن خواهد آمد. شایعه هایی که بر ضد شهید بهشتی رواج یافت و به سرعت در همه جا منتشر شد، از همین نوع است.

شایعه های خواص جزو دسته سوم هستند. این شایعه ها برای مدتی رواج می یابند و بعد فراموش می شوند. سپس دوباره هنگام ظهور شرایط مناسب، سر برمی آورند و دوباره شایع می شوند.(۲) شایعه های مربوط به عموم روحانیت که هر از چند گاهی بر سر زبان ها جاری می شوند، مانند:

ص: ۹۵

۱- ۱ . همان، ص ۱۸۴.

۲- ۲ . همان، ص ۱۸۵.

درباری بودن، وابسته به بیگانه بودن و بی سواد یا کم سواد بودن از این نوع هستند.

ج) مشتریان شایعه

هر دسته از شایعه ها، مشتریان ویژه خود را دارند. معمولاً شایعه ها، بیشتر میان کسانی منتشر می شود که آمادگی اثرپذیری دارند. البته در آمادگی پذیرش شایعه، تفاوت های فراوانی بین افراد وجود دارد. حتی در شرایطی که ابهام و اهمیت موضوع زیاد باشد، افراد تلقین پذیر، به حلقه ای از زنجیره پخش شایعه مبدّل می شوند. تلقین پذیری، یعنی پذیرفتن قضیه ای به منظور باور کردن آن درحالی که از سند و دلیلی که باید همراه داشته باشد، تهی است.(۱)

به هر حال، افرادی که شناختشان از روحانیت از راه درست شکل گرفته و با روحانیت تعامل مستقیم دارند، کمتر به شایعه ها توجه می کنند و آن را نمی پذیرند. نکته مهم اینجاست که گاهی بدون اینکه شایعه را بپذیرند، به نقل آن می پردازند که در این صورت، خود، به حلقه ای از زنجیره پخش شایعه مبدّل می شوند. امروزه با وجود برخی مطبوعات که به ترویج شایعه می پردازند، مسیر ترویج شایعه تغییر کرده است و به آسانی و سریع به گوش همگان می رسد.

۱- ۱ . همان، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

د) مطبوعات بر ضد روحانیت

اشاره

مطبوعـات یکی از ابزارهـای مهم دشـمنان داخلی و خـارجی برای حمله به روحـانیت به شـمار می رود. آنها به تناسب شـرایط اجتماعی و تاریخی، گاه به مبانی و احکام شریعت حمله می کنند. در شرایطی دیگر به هتاکی و توهین و تمسخر روحانیت می پردازند و زمانی هم به ترویج شایعه و ایجاد شـبهه بر ضد روحانیت و حوزه های علمیه دست می زنند و در تضـعیف و به انزوا کشیدن روحانیت، از هیچ کوششی باز نمی مانند. برای مثال، پروتکل یهود، دستور کار مطبوعات را چنین تدوین می کند:

مطبوعـات معاصـر، رسوایی هـای حکومتی و مـذهبی و بی صـلاحیتی غیریهود را افشا خواهنـد کرد و این کار را با اسـتفاده از تعبیرهـای بسـیار توهین آمیزی انجـام خواهنـد داد که نژاد مـا به دلیل توانایی و اسـتعدادش، در به کارگیری آن بسـیار شـهرت دارد.(۱)

یک ـ مطبوعات در زمان رضاشاه

رضاشـاه از راه مطبوعـات، تهـاجمی سه جـانبه را بر ضـد دین و روحـانیت آغـاز کرد. روزنـامه هـا، رهبران روحانیت را از نظر سیاسـی و اجتماعی واپس گرا معرفی می کردند و از آنها به عنوان مانع اصـلاحات و بهبود زندگی مردم نام می بردند. آنها از روحانیان می خواستند از خرافه پرستی

۱- ۱ . فاطمه رجبی، روحانیت ستیزی در تاریخ معاصر ایران، تهران، بین اللمل، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸.

دست بردارنـد و از برنـامه های اصـلاحی دولت حمایت کننـد که به ادعای آنان، صددرصـد با آموزه های حضـرت علی علیه السـلام هماهنگ بود. حمله دوم، تأکید بر بزرگی ایران باسـتان و تجلیل از آیین زرتشتی بود. این طور تبلیغ می شد که اعراب در حمله به ایرانیـان، موجب تحقیر ایرانیـان شـده انـد و دین خود را هم به زور بر آنهـا تحمیـل کرده انـد. سومین جهت حمله، ترسیم تصویری خاینـانه از روحـانیت بود؛ به این گونه که آنهـا را وطن فروش معرفی می کردنـد که کشور را به اجنبی ها، به ویژه انگلیسی ها فروخته اند که اتفاقا این تدبیرشان کارساز هم افتاد.(۱)

دو _ مطبوعات پس از انقلاب اسلامی

اشاره

دشـمنان روحانیت پس از انقلاب هم از این استراتژی دست برنداشـتند و با اسـتفاده از مطبوعات وابسته و قلم به دستان مزدور، به تهاجم بر ضد روحانیت پرداختند. در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

اول _ شبهه بر ضد فقه و دین

«در فقه اسـلامی، مسـائلی وجود دارد که با اسـتناد به برخی از احکام آن، عـده ای از فقها، خشونت را تئوریزه می کننـد. وقتی دین و سنّت تبدیل به ایدئولوژی می شود، خود ایدئولوژی نیز به سمت دشمن سازی و نابودی دشمن پیش می رود».(۲)

ص: ۹۸

۱- ۲ . علما و رژیم رضاشاه، ص ۱۳۱.

۲- ۳ . اکبر گنجی، صبح امروز، ۱۸/۱/۱۳۷۹.

«اگر بتوانیم دین را پاک سازی کنیم، شریعت را آزاد کرده ایم. تنها کاری که از دیانت ساخته است، ایجاد آگاهی کاذب است».(۱)

دوم _ حکومت و انقلاب اسلامی

«حکومت روحانیان، عامل عقب ماندگی جامعه است؛ همچنان که اروپا در قرون وسطا، به خاطر حکومت روحانیان، دچار خرافه پرستی و مذمت کار شده بود».(۲)

«آمیختگی دین و سیاست، بدفرجام است و همه ناکامی های ایرانیان، نتیجه کشاکش دین و دنیا، دین و خردسیاسی و وارد شدن یک امر فردی در عرصه جمعی است».(۳)

«حکومت اسلامی، حق تبلیغ دین را ندارد. او قرائت خاصی از دین دارد و حق ندارد این قرائت خاص را به کل ملت دیکته کند. لذا حکومت نباید در دین مردم دخالت کند».(۴)

«بعد از انقلاب، شاهِ مستبد رفت، ولی استبداد همچنان باقی است؛ تازه، رنگ شرعی هم به خود گرفته است».(۵)

«در زمان شاه، ما قوانین بسیار مترقی تری از الان داشتیم».(۶)

۱- ۴ . نگاه نو، ش ۱۷.

۲- ۵ . خرداد، تیر ۱۳۷۸.

۳- ۶ . باقر پرهام، راه نو، شهریور ۱۳۷۷.

۴- ۷ . عبدالعلی بازرگان، اخبار؛ به نقل از کیهان، ۲۲/۴/۱۳۷۹.

۵- ۸ . ابراهیم یزدی، آبان، ش ۶۹.

۶- ۹ . جامعه سالم، ش ۳۵.

سوم _ شبهه بر ضد ولایت فقیه

«ولایت، منحصر در شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و با رفتن او ولایت نیز خاتمه می یابد. او خاتم نبوت و خاتم ولایت بود. ولایت پیامبر بعد از او به کسی منتقل نشد».(۱)

«فقیه به انتخاب مردم مشروعیت حکومت پیدا می کند و پس از انقلاب هم، وکیل مردم است، نه ولی مردم. حوزه امور عمومی، به رأی مردم مشروعیت دخالت پیدا می کند، نه به اجازه یا اذن و انفاذ ولی فقیه».(۲)

«ولایت فقه، همان دیکتاتوری صالحان است».(۳)

«جریان کسروی و حکیم زاده قمی، اصلاح طلب بودند و امام و شهید نواب صفوی، خشونت گرا و در مقابل جریان اصلاح طلب قرار می گیرند».(۴)

چهارم _ تخریب جایگاه نماز جمعه

یکی از مهم ترین جایگاه هایی که به شدت مورد هجوم قرار گرفته، نماز جمعه است و این به جهت جایگاه اجتماعی و سیاسی است که نماز جمعه علاوه بر بُعد عبادی آن دارد. خطیب جمعه، مسائل مهم جامعه و کشور را با مردم مطرح می کند و آنها را از وقایع روز کشور و دنیا آگاه می کند. امام جمعه، سربازی فداکار و مدافعی برای حکومت دینی به شمار

۱- ۱۰ . عبدالکریم سروش، کیان، بهمن ۱۳۷۷.

۲- ۱۱ . محسن کدیور، صبح امروز، دی ۱۳۷۷.

۳- ۱۲ . خرداد، مهر ۱۳۷۸.

۴- ۱۳ . سهراب بهداد، نشاط، اسفند ۱۳۷۷.

می رود. این جایگاه مقدس از سوی برخی مغرضان یا جاهلان مورد بی مهری قرار می گیرد، چنان که می گویند:

«ریشه همه خشونت ها، در نماز جمعه است و علت ناامنی در جامعه فعلی، پمپاژ خشونت از تریبون های نماز جمعه به جامعه است».(۱)

«قبل از حادثه کوی دانشگاه، بارها هشدار داده بودیم که درگیری های لفظی و ترویج خشونت در تریبون های رسمی، عاقبت خوشی نخواهد داشت».(۲)

پنجم _ اهانت به مراجع تقلید

یکی از نظریه پردازان جریان اصلاح طلب و مدافع قرائت های مختلف از دین، با حمله به مراجع تقلید، آنها را عوام و عوام پرور می داند و می نویسد:

عموم روحانیون تاریخِ همه ادیان، دسته مقابل _ دین ورزان مصلحت اندیش آخرت گرا _ را تشکیل می دهند... دین ورزی شان از لحاظ علتی و میراثی و جزمی و آدابی و جمعی و فقهی و اسطوره ای و تعبدی بودن، با عامیان فرقی ندارند. عموم فقیهان در عصر ما، بزرگانی چون آیت اللّه خویی، مرعشی، گلپایگانی، بروجردی و پیروانشان، به این دسته تعلق دارند.(۳)

۱- ۱۴ . یداللّه اسلامی، هفته نامه سیاست، ش ۱۲۷.

۲- ۱۵ . روزنامه بیان، ۲۳/۱۲/۱۳۷۸.

۳- ۱۶ . عبدالکریم سروش، ماه نامه کیان، دی و بهمن ۱۳۷۸.

«نظریات شخصی متولیان مذهبی و بدعت گذاری های آنان، منشأ گمراهی مردم است. این به خاطر پیروی رهبران دینی از هوا و هوس است».(۱)

ششم ـ شبهه بر ضد روحانیت

«روحانیت، قشری گرا و انحصارطلب است. آنها عوام پرور و مقلّدپرورند، نه عاقل پرور».(۲)

«روحانیت، جمعیتی ساده دل و فریب خورند و تحلیل سیاسی ندارند».(۳)

«قلم فقها در طول تاریخ، آغشته به خون آزاداندیشان بوده است».(۴)

«حوزویان دچار تحجر فکری و پیرو منطق ارسطویی اند. اگر آنان بینش دیالکتیکی داشتند، اسلام را به عنوان حرکت و حیات می فهمیدند، نه به صورت قالب های متحجر».(۵)

«روحانیت در طول تاریخ ایران، سرسپرده مراکز قدرت بوده است».(۶)

«روحانیت ما هم همیشه عوام زده و دنباله رو عوام بوده اند».(۷)

«حوزویان دچار تحجر فکری اند».(۸)

۱- ۱۷ . عبدالعلی بازرگان، توس، شهریور ۱۳۷۷.

۲- ۱۸ . فراست خواه، ایران، ۱۸/۶/۱۳۷۷.

۳- ۱۹ . نقیب زاده، توانا، ش ۴۹.

۴- ۲۰ . جهان اسلام، دی ۱۳۷۷.

۵- ۲۱ . علی قربان پور، پیام هاجر، خرداد ۱۳۷۷.

۶- ۲۲ . یداللّه سحابی، صبح امروز، دی ۱۳۷۷.

۷- ۲۳ . عبدالکریم سروش، نشاط، ۵/۳/۱۳۷۸.

۸- ۲۴ . پیام هاجر، خرداد ۱۳۷۷.

«نهاد روحانیت، مانع مشارکت زنان است».(۱)

«آنان، ارتزاق کنندگان صرف از افکار روشن فکرانند».(۲)

«شیخ فضل اللّه ، مستبد و مخالف حاکمیت مردم [بود]».(۳)

«علامه مجلسی، توجیه گر قدرت سرکوبگر صفویه بود».(۴)

یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب هم، ترور سعید حجاریان را با ظرافتی خاص به روحانیت نسبت می دهد و چنین می گوید:

کسانی که با انگیزه ایدئولوژیک دست به ترور می زنند، به مجوّز شرعی نیاز دارند و تحت القائات ایدئولوژیک و سیاسی، دست به این عمل زده اند کهاین موارد باید دنبال شود.(۵)

همان طور که گفتیم، اوج ظهور این مطبوعات، اواخر دهه هفتاد است که بهدلیل در اولویت قرار دادن توسعه سیاسی و مطرح کردن آزادی بیان، آزادی قلم واصلاحات رشد کردند. نویسندگانی که مقاله های آنها در نشریه های ضدانقلاب خارج از کشور به چاپ می رسید و به صورت قاچاق و مخفیانه وارد ایران می شد، از سال ۱۳۷۶، به مرور، مقاله های خود را با نامی جعلی و سپس با نام اصلی در مطبوعات چاپ کردند. عوامل

۱- ۲۵ . زنان، مهر ۱۳۷۷.

۲- ۲۶ . صبح امروز، بهمن ۱۳۷۷.

۳- ۲۷ . مبین، ۸/۵/۱۳۷۷.

۴- ۲۸ . ایران فردا، مرداد ۱۳۷۷.

۵- ۲۹ . محسن آرمین، بامداد نو، ۱۰/۱/۱۳۷۹.

این وضعیت را باید در غرب باوری برخی مسئولان فرهنگی آن دوره، غفلت زدگی از وجود دشمن و توطئه گری استکبار، سهل انگاری و جدّیت نداشتن نهادهای فرهنگی و نیروهای مؤمن و صاحب اندیشه در مقابله با تهاجم فرهنگی جست وجو کرد. تمام فعالیت این دسته از مطبوعات، در جهت تخریب نهادها و مؤسسه های وابسته به نظام، انزوای روحانیت و در نهایت، ایجاد زمینه های براندازی نظام متمرکز بود. آنها هزینه های خود را نیز از دشمنان خارج از کشور و استکبار جهانی می گرفتند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید:

در حال حاضر، مجلاتی در ایران به چاپ می رسد که کسی اگر مختصر آشنایی با عناصر فرهنگی کشور در زمان گذشته و دوران طاغوت داشته باشد و بداند که هنرمندان، قلم زنان، مخلصین و چاکران دستگاه های شاهنشاهی چه کسانی هستند، مرعوبین دشمنان چه کسانی هستند، دوستان امریکا چه کسانی هستند، می داند که پول این مجلات از کجاها می آید.(۱)

برای نمونه، فریده دیبا، مادر همسر آخر محمدرضا شاه می گوید:

دخترم هزینه تأسیس چند روزنامه و مجله را در ایران پرداخت کرد و بعد از مدتی، شاهد راه اندازی چند روزنامه و مجله بودیم که علنا با جمهوری اسلامی و حکومت روحانیان مخالفت می کردند.(۲)

۱- ۳۰ . جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۱۳۷۱.

۲- ۳۱ . کیهان، ۱۰/۱۲/۱۳۸۱.

۲. ایجاد اختلاف میان دانشگاه و حوزه

کلیسا در قرون وسطا، دین و دانش را تحت نظارت خود داشت، ولی نه از دانش در راه رشد دین بهره گرفت و نه از دین، پایگاهی در حمایت از دانش ساخت. بنابراین، دانش و ایمان، هر دو با هم قربانی شدند. به همین دلیل، در آغاز رنسانس، علم جدید نخست کوشید خود را از کلیسا جدا کند و به تفکیک قلمرو دین از علم بپردازد و پس از آن، به تفکیک دین از اجتماع، دین از سیاست، دین از اقتصاد و مواردی از این دست پرداخت.

یکی از شیوه های تهاجم به روحانیت، استفاده از همین دوره تاریخی در غرب و ترسیم تصویری کلیسایی از حوزه و روحانیت در ذهن دانشگاهیان ناآشنا با حوزه است. این حربه تأثیر فراوانی هم داشته است، به گونه ای که بسیاری از روشن فکران دانشگاهی برای اثبات روشن فکری شان، خود از این حربه در توهین، تحقیر و گاه استهزای عالمان دینی استفاده می کنند.(۱)

شهید مطهری در نامه ای به امام خمینی رحمه الله در مورد تعریض یکی از نویسندگان می نویسد:

کوچک ترین گناه این مرد،(۲) بدنام کردن روحانیت است. او همکاری روحانیت را با دستگاه های ظلم و زور علیه توده مردم، به صورت یک اصل کلی اجتماعی درآورد. مدعی شد که مُلک و مالک و مُلا و به تعبیر

۱- ۱ . هادی وکیلی، حوزه و دانشگاه مجموعه مقالات، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۳۶۴.

۲- ۲ . دکتر علی شریعتی.

دیگر، تیغ و طلا و تسبیح، همیشه در کنار هم بوده و یک مقصود داشته اند. این اصل معروف مارکس و به عبارت بهتر، مثلث معروف مارکس را که دین و دولت و سرمایه، سه عامل همکار بر ضد خلقند و سه عامل از خودبیگانگی بشرند، به صد زبان پیاده کرد؛ منتها به جای دین، روحانیت را گذاشت. نتیجه اش این شد که جوان امروز، به اهل علم، به چشم بدتری از افسران امنیتی نگاه می کند.(۱)

سخنران دیگری(۲) به مقایسه دین و روحانیت، قبل و بعد از انقلاب می پردازد و می گوید:

اسلامی که ما امروز با آن روبه رو هستیم، یک اسلام آمرانه است، اسلام بنیادگرا است. دینی است که می خواهد خودش را به ابزار قدرت و حاکمیت تبدیل کند. روحانیت در زمان قبل عوام زده بود، اما در زمان ما قدرت زده است. دینِ بنیادگرای زمان ما، خیلی شدیدتر از دین سنّت گرای زمان شریعتی، ارزش های انسان را لگدمال می کند. اسلام بنیادگرا می گوید: هر کس زیر عَلَم ما باشد، در امان است و هر کس بیرون این عَلَم باشد، مال، جان، ناموس، عرضش و همه چیزش مباح است و ما به خودمان حق می دهیم به آنها تجاوز کنیم. این اسلام، غیرانسانی است.(۳)

۱- ۳ . بی نام، سیری در زندگی استاد مطهری، صدرا، ص ۲۲۳.

۲- ۴ . هاشم آغاجری.

۳- ۵ . سخنرانی هاشم آغاجری در خانه معلمان شهر همدان، ۲۹/۳/۱۳۸۱.

تبلیغ این تهمت که حوزه و عالمان دینی، با تمـدن جدیـد مخالفند، با علوم جدید سـر ناسازگاری دارند و تکنولوژی را برنمی تابند، نه تنها خواص و دانشگاهیان، بلکه عوام را نیز تحت تأثیر قرار داد و روحانیت و عالمان دین، به عنوان مانعان اصلی رشد و توسـعه و عامل اصـلی عقب مانـدگی ایران شـمرده شدنـد. به هر حال، این تبلیغات نیز موجب جدایی و تفرقه بین دانشـگاه و حوزه شد که آثار آن هنوز باقی است.

امام خمینی رحمه الله در شکل گیری دشمنی میان دو قشر دانشگاهی و حوزوی، دست استعمار خارجی و استبداد داخلی را در کـار می بینـد. ایشـان معتقـد است سـیاست دوگانه سـردمداران مسـتبد پهلوی، به اجتماعی شـدنِ متفاوت این دو قشـر در طول چنـدین نسل انجامید؛ یعنی عده ای را برای تحصـیل به غرب فرسـتادند. این افراد پس از مدتی، با فرهنگ غرب اُنس گرفتند و وقتی به ایران بازگشـتند، اختلاف فرهنگی شدیـدی با افراد دیگر پیـدا کردنـد که موجب تغییر ارزش ها و دیدگاه های این دو قشـر شد. افزون بر این، حکومت از قشـر تحصـیل کرده شیفته غرب حمایت می کرد، به این صورت که دامنه فعالیت های قشر حـوزوی را به حـوزه دین محـدود کرد و برعکس، دامنه فعـالیت قشـر دانشـگاهی را به تمـامی حـوزه هـای سیاسـی، فرهنگی، اجتمـاعی و اقتصـادی جـامعه گسترش داد. این امر به همراه تبلیغـات دامنه دار بوق هـای تبلیغـاتی اسـتبداد برضـد روحانیت، به شکل گیری

و تشدید جدایی میان روحانیان و تحصیل کردگان دانشگاهی و مردم انجامید.(۱)

۳. بدنام کردن روحانیت

بدنام کردن روحانیت، به شیوه های گوناگون صورت می گرفت. برای نمونه، در زمان رضاخان که مردم به انگلیسی ها بدبین بودند و از آنها تنفر داشتند، برای اینکه از ذهنیت بد مردم به انگلیس بر ضد روحانیت استفاده کنند، آخوندها را به انگلیسی بودن متهم می کردند.(۲)

امام خمینی رحمه الله در زمینه بدنام کردن روحانیون می فرماید:

آنها در به انزوا کشیدن روحانیت و جدایی مردم از روحانیت موفق هم شدند، به گونه ای که روحانی دیگر قدرت وعظ و خطابه هم نداشت، نه به علت موانع دولتی، بلکه به دلیل اینکه مردم مانع می شدند. از آن طرف، دربار، روحانی را زندانی می کرد و از طرف دیگر، مردم می گفتند اینها همه درباری هستند.(۳)

۴. کاهش دادن مسئولیت های اجتماعی

رضاشاه به خوبی آگاه بود که دلیل اصلی نفوذ و جاذبه روحانیت میان مردم آن است که بسیاری از نمادها و مظاهر سنتی، مثل تعطیلی های مذهبی و مراسم مربوط به آن و نیز کارهای اجتماعی مانند امور ثبت و

۱- ۶ . نک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱۳.

۲- ۱ . رسول جعفریان، مجموعه مقالات تاریخی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵، دفتر هشتم، ص ۳۶۰.

۳- ۲ . نک: سخنرانی امام خمینی رحمه الله در پاریس، ۹/۸/۱۳۵۷.

قضاوت، زیر نظر روحانیت است. ازاین رو، کوشید نقش روحانیت را در جامعه کاهش دهد. انحلال دادگاه های شرعی، کنار گذاشتن قوانین شرعی، سخت گیری در مورد حضور روحانیان در امور قضایی و به کار گماردن تحصیل کردگان اروپایی به جای آنها و در نهایت، محرومیت قاطع روحانیت از مقام قضاوت، در سال ۱۳۱۵، ایجاد محضرهای ثبت اسناد و املاک و کنار گذاشتن تدریجی روحانیت از کار ثبت ازدواج، طلاق و امور مربوط به شناسنامه و کنار گذاشتن روحانیان از اداره اوقاف و فروش موقوفات که موجب شد حوزه های دینی از نظر اقتصادی به شدت با تنگنا روبه رو شوند، از اقدامات رضاشاه در این زمینه به شمار می آید.(۱)

۵ . ترویج فساد و تغییر نگرش ها

جدایی انداختن میان علما و مردم، به ویژه نسل جوان که از اهداف دیرینه استعمار است، با روش های گوناگونی تجربه می شود. یکی از طرح های جدّی و مستمر آنها، ترویج فساد و فحشا و فرهنگ برهنگی و بی بندوباری در جامعه است.

کنفرانس تل آویو که در سال ۱۳۶۳ با هدف بررسی راه های سرکوب انقلاب اسلامی برگزار شد، در قطع نامه نهایی خود، ترویج فحشا، اعتیاد

۱- ۱ . نک: علما و رژیم رضاشاه، صص ۵۴ _ ۸۶ .

به مواد مخدر، رشوه خواری و فرهنگ پوچ گرایی در میان کشورهای مسلمان را به عنوان راه هایی برای از میان بردن انقلاب های اسلامی برشمرد.(۱)

در همین راستا، لباس هایی که فرهنگ غربی را به نمایش می گذارد و موجب تحریک جنسی یا از بین رفتن تدریجی فرهنگ ملی می شود یا کفش ها و جوراب هایی با طرح ها و شکل های عجیب، سراسر بازار ایران را اشباع می کند و عکس ها، نوارها و فیلم های مبتذل در تیراژ گسترده میان جوانان توزیع می شود. ترویج فساد و فحشا از راه توزیع مواد مخدر در سطح گسترده، توزیع مشروبات الکلی، ترویج فرهنگ برهنگی و سکس و به طور کلی، تجارت زن، تبلیغ فرهنگ پوچ گرایی و دم غنیمتی میان جوانان و نیز ضدتمدن جلوه دادن معیارهای مذهبی و اخلاقی، از دیگر تلاش های استعمارگران در راستای از بین بردن فرهنگ اسلامی است که به گونه ای مبارزه با روحانیت و آرمان مقدس آن به شمار می رود؛ زیرا وظیفه روحانیت، اصلاح جامعه و هدایت افراد به سوی دین و آشنا کردن مردم با تعالیم دین است، درحالی که ترویج فساد و فحشا از مظاهر بی دینی و مبارزه با دین داری است. نمونه برجسته این جریان را در قضیه به انحراف کشاندن جامعه مسلمانان در اندلس می توان مشاهده کرد.

ص: ۱۱۰

۱- ۱ . نک: جمهوری اسلامی، ۶/۱۰/۱۳۶۳.

در زمان سلطنت رضاخان نیز فروش علنی مشروبات، درج مطالب خلاف دین در جراید و گستاخی فواحش رواج یافت. در این دوره، بخش دیگری از رفتارهای خلاف شرع، از راه نوشته های ادبی و رمان ها و اشعار ترویج می شد. تئاتر و سینما نیز نقش مهمی در اشاعه فحشا و منکرات داشتند؛ به ویژه سفرنامه نویسان خارجی به اثرگذاری فیلم های مبتذل هالیوود بر جامعه شهری ایران اشاره کرده اند. در این دوره، سال به سال بر تعداد سینماها در تهران و شهرستان ها افزوده می شد. به جز تأسیس سینمای زنانه، سینماهایی نیز به طور مختلط به نمایش فیلم می پرداختند. این فیلم ها بنا به نوشته های مطبوعات آن زمان، به گونه ای برانگیزاننده شهوت بود که حتی پیرمردهای هشتاد ساله را هم تحریک می کرد؛ چه رسد به جوان های مجرد و دختران معصوم.(۱)

از دیگر اقدامات رضاخان، به راه انداختن کاروان های شادی بود که به ترویج بی حجابی و بی بند و باری می پرداختند. حتی در اواخر حکومت او، حرکت کاروان شادی با شب عاشورا هم زمان شد و گروه های رقاصه با ساز و آواز، به پای کوبی و رقص در شهر پرداختند.(۲)

ص: ۱۱۱

۱- ۲ . جمال امید، تاریخ سینمای ایران، تهران، فاریاب، ۱۳۶۳، ص ۱۶۷.

۲- ۳ . علما و رژیم شاه، ص ۱۵۱.

اقدام دیگری که رضاخان جهت ترویج فساد و مبارزه با روحانیت انجام داد، تأسیس مدارس مختلط بود. در این طرح، دختران و پسران می بایست تا چهارده سالگی با هم درس بخوانند و آموزگاران و کارکنان مدارس نیز زن باشد. این طرح در سطح ابتدایی و راهنمایی انجام می شد و قرار بود در مقطع دبیرستان نیز اجرا گردد که صورت نگرفت.(۱)

۶. نظریه جدایی دین از سیاست

یکی از شیوه های مهم تبلیغاتی استکبار، استبداد و برخی گروه های مخالف نظام، مطرح کردن نظریه «جدایی دین از سیاست» است. در برخی دوره ها، استعمارگران در تبلیغ این شبهه چنان فعال بودند که نه تنها مردم، بلکه برخی از روحانیان نیز آن را پذیرفته بودند و دخالت در امور سیاسی را برای یک فقیه درست نمی دانستند. امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید:

این همان طرحی است که انگلستان از دویست سال پیش یا بیشتر طرح ریزی کردند که روحانیت را از سیاست و مردم جدا کنند. اینها بروند به مسجدها و مشغول دعا شوند و آنها هم هر کاری دلشان خواست انجام دهند و هر چپاول و سلطه جویی که خواستند، انجام دهند.(۲)

استفاده از این شیوه تبلیغی، همیشه مورد نظر مخالفان بوده است، ولی در دو دوره خاص تاریخی می توان آن را به روشنی مشاهده کرد. دوره

۱- ۴ . همان، ص ۷۵.

۲- ۱ . دیدار با دانشجویان دانشکده افسری، ۲۵/۸/۱۳۵۹.

اول، نهضت ملی شدن صنعت نفت و مطرح شدن این عقیده از سوی ملی گراها بود. آن گاه پس از انقلاب، لیبرال ها این نظریه را مطرح کردند.

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، تحصیل کردگان دانشگاهی، روشن فکران ملی و برخی از روحانیان، بر اساس تجربه نهضت مشروطه، با یکدیگر متحد و منسجم شدند تا نهضت به پیروزی برسد، ولی همین که روشن فکران ملی گرا بر مسند قدرت نشستند، اختلاف ها بالا گرفت. اعتقاد به اندیشه دخالت نکردن روحانیان در امر کشور و به شکل کلی تر، اعتقاد به دخالت نکردن دین در سیاست، موجب این جدایی شد.(۱)

یکی از جریان هایی که سبب اختلاف میان روحانیت و ملی گراها شد، نامه آیت اللّه کاشانی به مصدق است. آیت الله کاشانی در نامه ای خصوصی، زیان همکاری افرادی مانند وثوق را که دستشان به خون مردم آلوده بود و باید محاکمه می شدند، گوشزد کرد. با این حال، چون برخی از اطرافیان دکتر مصدق از شمار غربزدگانی بودند که با روحانیت میانه خوبی نداشتند، وی یک هفته پس از قیام ملی سی ام تیر، در پاسخ به کاشانی، با لحنی تند و سرشار از خشم، از رهبران مذهبی خواست از

۱- ۲ . عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان حوزه و دانشگاه، ص ۲۱۶.

هر گونه دخالت در امور کشور خودداری کنند و این نقطه آغاز اختلاف بود.(۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولتی بر سر کار آمد که نه انقلابی بود و نه اعتقادی به حرکت های انقلابی داشت. از نظر دولت موقت، پیروزی به دست آمده بود و مردم و حتی روحانیان نقش و وظیفه خود را انجام داده بودند و وظیفه دیگری نداشتند. به همین دلیل، خواهان خالی کردن صحنه از سوی روحانیان و مردم بود تا کشور فلج شده در اثر اعتصاب را دوباره به حال عادی بازگرداند. دولت موقت با نخست وزیری مهندس بازرگان، بدون توجه به دستورهای امام خمینی رحمه الله، با تشکیل کابینه ای از میان لیبرال ها به شیوه خاص خود عمل می کرد و حتی مجلس خبرگان را منحل کرد که به دلیل قاطعیت امام، تصمیم آنها بی اثر ماند. در این دوره نیز لیبرال ها با شیوه های گوناگون، نظریه جدایی دین از سیاست را مطرح کردند و بارها خواهان بازگشت روحانیان به مساجد و حوزه های علمیه و دخالت نکردن آنان در امور مملکتی شدند. کار به جایی رسیده بود که رئیس دولت موقت در سخنان خودش، خطاب به امام می گفت:

شما به قم بروید و مشغول کارتان باشید! کار روحانی، یعنی رفتن به قم یا درس گفتن و درس خواندن و دعا خواندن و لاغیر!(۲)

۱- ۳ . همان.

۲- ۴ . تحلیلی بر انقلاب اسلامی، صص ۱۴۰ ـ ۱۵۱.

بایـد دانست تفکر جـدایی دین از سـیاست یا به طور خاص، جدایی روحانیت از نظام هنوز پا برجاست. هنوز کسانی گمان می کنند که شأن روحانیت، حضور در مسجد و محراب است. به همین دلیل، از حضور روحانیت در کارهای اجرایی نظام ناراضی هستند و آن را با نقش روحانیت مغایر می دانند. این گروه، عقیده خود را گاهی در قالب این شبهه مطرح می کنند که حضور روحانیـان در امور سیاسـی و اجرایی موجب می شود آنهـا به دنیا روی بیاورنـد و در مسائل سیاسـی دخالت کننـد و این کار با قـداست آنـان سازگـار نیست و در نتیجه نمی توان دین را ترویـج کرد. درحـالی که اگر روحانیان عادل و باتقوا باشـند، هرگز چنین اتفـاقی نمی افتـد. اگر کنـاره گیری از قـدرت مـوجب ترویـج دین می شـد، نخسـتین شخصـیتی که از قـدرت کنـاره می گرفت، پیامبر گرامی اسلام بود. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

دین خدا برای این است که در جامعه، زمام قدرت را در دست بگیرد و اگر بخواهیم دین، زمام قدرت را در دست بگیرد، اهل دین باید در رأس کار باشـند. اگر غیر از اهل دین، کسـی در رأس کار آمد، کار همان خواهد شد که در طول هزار و سیصـد سال شد.(۱)

ص: ۱۱۵

۱- ۵ . سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان، ۵/۱۱/۱۳۷۳؛ به نقل از حوزه و روحانیت، ص ۲۴۱.

همچنین در عراق می بینیم که امریکا پس از صرف هزینه های هنگفت و تلفات بسیار، اجازه نمی دهد دولتی مستقل بر سر کار آید. بنابراین، تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا حکومتی دست نشانده را بر مسند قدرت بنشاند و از نفوذ روحانیان شیعه بکاهد. در این راستا، نظریه جدایی دین از سیاست در محافل گوناگون مطرح می شود. توماس فریدمن، سرمقاله نویس روزنامه نیویورک تایمز می نویسد:

امریکا باید تمام سعی خود را بکند که در نجف، روحانیانی مطرح شوند که معتقد به جدایی دین از دولت باشند، نه روحانیانی که طرفدار ایران باشند و مایلند دولتی مانند دولت [امام]خمینی در عراق تشکیل شود. بهترین نتیجه برای امریکا این است که نجف بار دیگر به مرکز جهان تشیع تبدیل شود و در آن، روحانیانی که به جدایی دین از سیاست معتقد هستند، مطرح شوند و می توان این مسئله را هم اکنون مهم ترین مسئله خاورمیانه دانست. در حال حاضر، علمای شیعه معتقد به جدایی دین از سیاست، در نجف بسیار معدود و ضعیف هستند و علمای برجسته زیادی در میان آنها نیست. دولت امریکا هم که نمی تواند علمای شیعه مورد نظر خود را همین طور به نجف صادر کند؛ این علما باید خود در آنجا رشد کنند. دولت امریکا باید شرایطی در نجف ایجاد کند که طلاب علوم دینی در محیط سنّتی عراق رشد و با ایرانی ها و طرفدارانشان مقابله کنند.(۱)

۱- ۶ . کیهان، ۱۴/۲/۱۳۸۲.

امریکا در یک برنامه ریزی بلندمدت خواهد کوشید حوزه های علمیه را در فرآیندی پیچیده، به سوی دخالت نکردن در امور سیاسی بکشاند و بدین وسیله، روحانیان متعهد را که مانع اصلی استکبار در بهره کشی از مردم و به تاراج بردن ثروت آنان هستند، از سر راه بردارد.

ص: ۱۱۷

فصل دوم: تطمیع

اشاره

دومین راه کاری که استعمار و استبداد، برای تغییر نگرش افراد به روحانیت و ایجاد جدایی میان روحانیت و مردم و حوزه و دانشگاه به کار می برد، تطمیع و به اصطلاح خریدن افراد و گروه ها از راه دادن وعده های مادی و معنوی است و از این راه، افراد و گروه ها را به ستیز با روحانیت فرا می خواند.

۱. تطمیع روحانی نمایان

اشاره

همان گونه که پیش تر گفتیم، روحانی نمایان علم کمی دارند و برای مطرح کردن خود در جامعه، از راه های گوناگون، روحانیان واقعی را کنار می زنند. این اشخاص از سوی استعمار و استبداد تشویق و حمایت می شوند تا به صورت جدّی وارد صحنه شوند و به مخالفت های علنی دست بزنند. برخی از آنها برای مشروع نشان دادن حکومت سلطنتی و رد

ص: ۱۱۸

اعتراض مخالفان، در دستگاه حکومت استبدادی به کار گرفته می شوند. از این گروه به «روحانیان درباری» یاد می شود. در اینجا به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم.

محمد رفیع نظام العلما تبریزی، حقوق دول و ملل یا تحفه خاقانی را می نویسد و در آن، قدرت مطلق سلطان را با این عنوان که منشأ ربانی دارد، توجیه می کند. به نظر او، عالمان دین باید پیش فرض غاصب بودن حکومت ها و ظَلَمه بودن اهل دیوان را به کنار نهند و اقتدار عالی دولت را تقویت کنند؛ زیرا منشأ قدرت دولت، اراده پروردگار و تکلیف مردم، فرمان برداری بی چون و چرا از حکومت است. اعتراض بر ضد حکومت، مشروعیتی ندارد و سرپیچی از فرمان سلطان، سرپیچی از فرمان خداست.

سیدحسین موسوی، کتاب تشکیل ملت متمدن را می نویسد و به مظفرالدین شاه هدیه می کند. سید ابوطالب زنجانی، از مخالفان مشروطه و نزدیکان محمدعلی شاه بود تا جایی که شاه در مورد تصمیم های سیاسی خود، به استخاره های او عمل می کرد. برای مثال، محمدعلی شاه در مورد اخراج بهبهانی و طباطبایی از تهران از او طلب استخاره کرد و او در جواب نوشت: «نهایت عظمت در این کار خواهد بود ان شاءالله». در

نهایت، سیدابوطالب زنجانی حکم اعدام شیخ فضل الله نوری را نیز صادر کرد.(۱)

الف) حمایت از روحانی نمایان در دوره رضاخان

در زمان رضاخان، عده ای از روحانیان تحت تأثیر تبلیغات ضد مذهبی، به انکار برخی اعتقادهای مذهبی پرداختند و از سوی دولت حمایت شدند. از آن جمله، شریعت سنگلجی بود که با کوشش خستگی ناپذیر تا هنگام مرگ، با نقد برخی احادیث و اخبار مربوط به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، عنصر قیام با شمشیر و رهبری فردی را از آن زدود و به آن حالت نهضتی ترقی خواه و اجتماعی داد تا بتواند آن را به جهان بینی مقبول نسل جوان تبدیل کند. جوانان و روشن فکران بسیاری در درس و خطابه او حاضر می شدند، به گونه ای که مسجد او یکی از پررونق ترین مساجد تهران به شمار می رفت. در دوره ای که روحانیان دیگر اجازه وعظ و خطابه نداشتند و حتی مجالس روضه خوانی را به صورت پنهانی در خانه ها برگزار می کردند، فعالیت های تبلیغی او بدون مخالفت شهربانی در مجامع عمومی برگزار می شد. کتاب اسلام و رجعت او در دوره رضاشاه به چاپ رسید، در

۱- ۱ . فراست خواه، سرآغاز نواندیشی معاصر، تهران، انتشار، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۳۷۱ ـ ۳۷۳.

حالی که از چاپ کتاب ایمان و رجعت که در جواب کتاب سنگلجی نوشته شد، جلوگیری به عمل آمد.(۱)

احمد کسروی از دیگر روحانیان مورد حمایت دولت بود. او شعایر مذهبی را خرافه می دانست و مخالفت او با روحانیان نزد خواص آشکار بود و نظرهایش درباره مذهب، از عقاید وهابی ها تأثیر می پذیرفت. ازاین رو، تفسیر آیات قرآن را قبول نداشت و احادیث را نامعتبر می شمرد.کسروی به علما می تاخت و بر این باور بود که علما، دولت ها را جائر می دانند و مردم را گمراه می کنند. او برخی کتاب های دعا از جمله مفاتیح الجنان را در آتش سوزاند.

رژیم در برابر فعالیت های او، با تسامح برخورد می کرد؛ چون با دین رسمی و شعایر مذهبی مخالف بود. کتاب آیین او در این دوره منتشر شد. کسروی افکار انتقادی خود را به مدت هفت سال در ماه نامه پیمان منتشر کرد، حال آنکه کتاب های روحانیان مستقل، اجازه چاپ نمی یافت. علاقه مندی کسروی به ایران باستان به گونه ای بود که خود را به سبب سید بودن، به شهربانو و یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی منتسب

۱- ۲ . ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه ای بر رهبری، تهران، عطایی، ۱۳۴۸، ص ۱۳۴.

می ساخت. او با هدف ایجاد وحدت ملی، دین نوین خود را با عنوان «پاک دینی» عرضه کرد و دین اسلام را کهنه انگاشت.(۱)

از جمله دیگر روحانی نمایان، به سیدمهدی هاشمی می توان اشاره کرد که با تشکیل باندی، به عملیات های تروریستی پرداخت و دستگاه سلطنت پهلوی، از فعالیت های خصمانه و قتل های او در راه تخریب انقلاب و روحانیت سود بسیاری برد. قتل آیت الله شمس آبادی، از روحانیان بزرگ اصفهان و روحانی دیگری منسوب به او از اعمال این باند در دهه پنجاه بود. دانشجویی که به جرم قتل آیت الله شمس آبادی در دادگاه محاکمه می شد، پس از شنیدن این موضوع که آیت الله شمس آبادی فرزندی ندارد و زندگی ساده ای داشته است، به گریه افتاد و القاهای نادرست آن روحانی نما را محرّک جنایت خود خواند. او تصریح کرد که هاشمی گفته است: «دو فرزند آیت الله شمس آبادی در خارج از کشور تحصیل می کنند و این خانواده از وضع مالی بالایی برخوردارند». مهم ترین فعالیت های باند هاشمی، شایعه سازی، دروغ پردازی، اتهام زنی و ناسزاگویی از تریبون های گوناگون بر ضد روحانیت بود.(۲)

۱- ۳ . علما و رژیم رضاشاه، ص ۱۶۱.

۲- ۴ . روحانیت ستیزی، ص ۱۳۷.

ب) روحانی نمایان دهه اخیر

دوران اصلاحات نیز ظهور گروهی از روحانیان را در پی داشت که به مقابله با اساس روحانیت و مذهب تشیع برخاستند. این افراد با داشتن پایگاه های دستوری و حمایتی در خارج از کشور، جوایز و کمک های مالی نیز دریافت کردند. یک روحانی(۱) با ستیزه گری با روحانیت و مبانی دینی، استاد مدعو امریکا می شود و دیگری با حضور در کنفرانس برلین، نظریه جنگ با اسلام و نظام اسلامی را برای دشمنان خارج از مرزها به ارمغان می برد.

۲. تطمیع مطبوعات

استراتژیست های امریکایی برای ایجاد پایگاه های داخلی در ایران، سرمایه گذاری برای ایجاد مجموعه ای از نشریه های هم سو با استراتژی امریکا و تبلیغ کننده اهداف غرب را در دستور کار قرار داده اند. برخی از اهداف انتشار چنین نشریه هایی عبارتند از:

۱. تخریب فرهنگ ملی و مذهبی؛

۲. تهاجم به اسلام و ارزش های اعتقادی؛

۳. اشاعه و ترویج فرهنگ غربی؛

۱- ۵ . کدیور.

۴. حذف نیروهای مؤمن و کارآمد از راه ترور شخصیت؛

۵. قرار دادن دین در برابر آزادی و نفی حکومت مبتنی بر مردم سالاری دینی.(۱)

در همین راستا، نشریه های مهاجم به دین و روحانیت، مانند قارچ از هر سو سر برآوردند و اگر هم دستور بسته شدن آنها صادر می شد، جنجالی به پا می کردند که آزادی قلم از بین رفته است. در این مجموعه، نشریه هایی که مدیر آنها روحانی بود، بیشتر اهمیت داشت. برای مثال، روزنامه خرداد با مدیریت یک روحانی، افزون بر تهاجم به روحانیت و به اصطلاح نقد مبانی و احکام دینی، ترویج سکولاریسم و اباحه گری را به عنوان سبک زندگی بر خود جایز دانست. روزنامه حیات نو نیز با مدیریت روحانی دیگری، افزون بر تمامی ستیزه جویی ها، به چاپ کاریکاتور اهانت آمیز علیه امام پرداخت. از این دسته از روحانیان، با نام و نشان و عنوان های آیت الله، دانشمند و مانند آن در رسانه های بیگانه تجلیل می شد.(۲)

روشن است که بودجه این دسته از مطبوعات، از سوی مخالفان داخل و خارج کشور تأمین می شد. برای مثال، فریده دیبا، می گوید:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نوری زاده یکی از روزنامه نگاران که

ص: ۱۲۴

۱- ۱ . حسن واعظی، ایران و امریکا، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵.

۲- ۲ . روحانیت ستیزی در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۴۰.

اکنون در لندن زندگی می کند، به دخترم پیشنهاد کرد هزینه تأسیس چند روزنامه و مجله را در ایران بپردازد. دخترم پذیرفت و به آدرسی در تهران پول حواله کرد. به زودی شاهد راه اندازی چند روزنامه و مجله بودیم که علناً با جمهوری اسلامی و حکومت روحانیان مخالفت می کردند.(۱)

۳. وارد کردن نیروی نفوذی به حوزه علمیه

از دیگر برنامه های استعمار و استبداد برای تهاجم به روحانیت، این است که افرادی را با حمایت کامل وارد حوزه علمیه کنند تا در زمان لازم از آنها بهره ببرند. این گروه که غیر از روحانی نمایان هستند، تبه کارانی اند که از ابتدا با نیت مبارزه و ضربه زدن وارد حوزه علمیه می شوند.

گاهی نیز دستگاه حاکم، خود، اقدام به تربیت روحانیانی در مؤسسه های وابسته می کند. رضاشاه برای هم سو کردن روحانیت با اهداف تجدد گرایانه خود، به تأسیس مرکزی برای تربیت واعظ اقدام کرد که از طرف وزارت معارف سامان یافت. بر اساس قوانین این مرکز، طلابی که در دوره های دوساله آن شرکت نمی کردند، از پوشیدن لباس روحانیت منع می شدند. در مجالس وعظ و خطابه نیز باید خطابه هایی در زمینه های تاریخی، اخلاقی، بهداشتی، ادبی، اجتماعی و اصول تجددخواهی، میهن پرستی، شاه دوستی و آشنا کردن مردم با پیشرفت روزافزون کشور در

۱- ۳ . کیهان، ۱۰/۱۲/۱۳۸۱.

عصر جدید بیان می کردند. ازاین رو، واعظانی که برای این منظور انتخاب می شدند، مبلّغ سیاست های رژیم بودند. برخی از طلاب مبتدی برای اهداف یاد شده وارد این مرکز می شدند، ولی واعظان و اهل منبر باسابقه، از حضور در این مؤسسه خودداری می کردند.(۱)

حضرت امام در وصیت نامه الهی و سیاسی شان در این باره فرموده است:

در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می نمایند و یکی از راه های بااهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه های اسلامی، نفوذ دادن افراد منحرف و تبه کار در حوزه های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن، بدنام نمودن حوزه ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت، به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می باشد. می دانیم که قدرت های بزرگ چپاولگر در میان جامعه ها، افرادی را به صورت های مختلف از ملی گراها و روشن فکران مصنوعی و

۱- ۱ . مسعود کوهستانی نژاد، مؤسسه وعظ و خطابه، گنجینه اسناد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، دفتر اول، ص ۳۷، ۱۳۷۰.

روحانی نمایان که اگر مجال یابند، از همه پرخطرتر و آسیب رسان ترند، ذخیره دارند که گاهی سی ــ چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا پان ایرانیسم و وطن پرستی و حیله های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملت ها زیست می کنند و در موقع مناسب، مأموریت خود را انجام می دهند. ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب، نمونه هایی از قبیل مجاهد خلق و فدایی خلق و توده ای ها و دیگر عناوین دیده اند.(۱)

۴. تطمیع گروه های مخالف

از دیگر راه کارهای دشمن برای حمله به روحانیت، ایجاد و تقویت گروه های مخالف است. آنها با حمایت های مادی و معنوی، می کوشند نوعی جنبش اجتماعی را بر ضد اسلام، روحانیت و نظام سازمان دهی کنند. ایجاد هماهنگی میان گروه های تروریستی داخل و خارج از کشور، مخالفان قانون اساسی، مطرود شدگان سیاسی، عناصر خودفروخته، جریان های سکولار، مرعوب شدگان غرب زده، لیبرال های ضددین، کمونیست های سابق، اعضای لژهای فراماسونری، سرمایه دارانی که با چپاول ثروت های ملی به خارج گریخته اند، بازماندگان ساواک و منافقین قدیم و جدید و نیز برنامه ریزی برای به صحنه آوردن آنها با وعده های

۱- ۲ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۹.

دروغین و بزرگ نمایی تحرک های این جریان های فاسد از محورهای اساسی استراتژی امریکا و نظام سلطه جهانی به شمار می آید. در همین راستا، همه دستگاه های سیاسی، امنیتی و تبلیغاتی نظام سلطه جهانی، به ویژه بخش فارسی رادیوهای بیگانه و مؤسسه های علمی، حقوقی و پژوهش غرب، برای القای وجود جنبش بزرگ اجتماعی بر ضد اسلام، نظام و ولایت فقیه، کوچک ترین تشنج داخلی در حد راه پیمایی تعداد معدودی از این عناصر یا سخنرانی یک فرد وابسته به جریان ضد انقلاب در جمع محدودی از روشن فکران سکولار را به شکل بسیار اغراق آمیزی بزرگ می کنند و در صدر برنامه های خبری رادیوهای بیگانه قرار می دهند.(۱)

۱- ۱ . ایران و امریکا، ص ۲۲۰.

فصل سوم: تهدید و برخورد فیزیکی

اشاره

دشمنان روحانیت که خواهان حذف این قشر هستند، در صورتی که با تبلیغ و تطمیع به مقصود خود نرسند، به تهدید روی می آورند. آنها در مرحله اول با ایجاد فشار روانی بر ضد روحانیت، مانع حضور مؤثر آنها در جامعه می شوند. در صورتی که این شیوه نتیجه ندهد، به تبعید اشخاص برجسته روحانی متوسل می شوند و در مرحله نهایی، به ترور و قتل روی می آورند. البته برای جلوگیری از هرگونه مقاومت از سوی مردم و برانگیخته شدن آنها، با ترور شخصیت و انزوای عالمان برجسته و محبوب، زمینه های به شهادت رساندن آنان را فراهم می کنند.

بنابراین، «تهدید»، به کاربرد خشونت و هرگونه برخورد فیزیکی به منظور حذف روحانیت گفته می شود و از مصداق های آن می توان به تهدید لفظی و فحاشی، کتک زدن، تبعید، شکنجه و در نهایت، قتل اشاره کرد. روشن است که دشمن برای زمینه سازی، ابتدا به ایجاد فشار روانی شدید

وترور شخصیت روی می آورد تا از هرگونه مقاومت مردمی جلوگیری کند.

۱. فشار روانی

یکی از شیوه هایی که برای حذف و انزوای روحانیت استفاده می شود، ایجاد فشار روانی بر روحانیت است، با این توجیه که همه مردم خواهان حذف روحانیت هستند. دشمنان ابتدا روحانیت را با حرکت های تبلیغاتی و نمادین بدنام می کنند. بعد به سراغ شخصیت های شاخص می روند و می کوشند آنها را از صحنه بیرون برانند و بدین وسیله، ضربه مهلکی بر پیکر روحانیت و اسلام وارد آورند. از جمله این اقدامات، به کشیدن کاریکاتور عالمان شیعه در روزنامه تنبیه در زمان مشروطه و خلع لباس اجباری روحانیان در زمان رضاشاه می توان اشاره کرد.

۲. محدودیت در انجام مراسم های مذهبی

ایجاد محدودیت در مراسم سوگواری از دیگر اقدامات برای منزوی کردن روحانیت بود. دولت رضاخان با تبلیغات گوناگون مطرح می کرد که فرهنگ گریه باید فراموش شود؛ حال آنکه به فرموده امام راحل «این

محرم و صـفر است که اسـلام را زنـده نگه داشـته است.» افزون بر محدودیت آفرینی برای روضه خوانی و سوگواری ها، حتی برای مراسم دعا و نماز جماعت هم محدودیت ایجاد کردند. به ویژه پس از سـرکوبی قیام مسـجد گوهرشاد، این سخت گیری هـا افزون تر شـد. در مشـهد، اقـامه نماز جماعت ــ ظاهراً به جز یک مورد ــ ممنوع شـد و از برپایی جلسه های قرآن خوانی و وعظ در مسـجدها و دیگر مکان ها جلوگیری به عمل می آمد.(۱) هدف همه این اقدامات، ایجاد جدایی و شـکاف میان مردم و روحانیت و انزوای روحانیت بود.

پهلوی دوم نیز از این روش اسـتفاده می کرد. برای نمونه، پس از تبعیـد امام خمینی رحمه الله به ترکیه، به ویژه از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶، مجالس وعظ و تبلیغ دانشـمندان دینی در تهران و شهرسـتان ها زیر نظر ساواک قرار داشت. بانیان مجالس و سـخنرانان شناسـایی می شدنـد و از آنهـا تعهـد می گرفتنـد به جز بیـان مسائـل دینی، نبایـد در امور مربوط به مصالـح مملکتی و امنیتی و روابط ایران با کشورهای خارجی سـخن بگوینـد. چون سـخنرانان زیر بار تعهد نمی رفتند، مجالس تعطیل می شد. برای نمونه، شهید مرتضی مطهری بارها ممنوع المنبر گردید.(۲)

۱- ۱ . علما و رژیم شاه، ص ۱۴۴.

۲- ۲ . نهضت روحانیون ایران، ج ۶ ، ص ۲۶۵.

۳. ترور شخصیت

اشاره

تخریب چهره های شاخص روحانیت، یکی دیگر از شیوه های تهاجم به روحانیان است. این عمل به وسیله شایعه پراکنی، توهین، جعل سند، دروغ پردازی و تکیه بر نقاط ضعف احتمالی انجام می شود. معمولاً چهره بزرگان روحانیت تخریب می شوند و گاه تا جایی پیش می رود که زمینه ساز ترور فیزیکی می گردد و قبح آن را از بین می برد. مقام معظم رهبری در این مورد می فرماید:

این هجوم های تبلیغاتی را که به شخصیت های برجسته، به انسان های والا و با اخلاق برجسته می کنند، اینها همه اش نشان دهنده اهداف و نیات دشمن است... حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم هر جایی که باشد، آنجا را دشمن زود تشخیص می دهد؛ چون حسابگر است. دشمن آنجا را خوب می شناسد و به مقابله اش می آید.(۱)

الف) ترور شخصیت در دوران قاجار

در جنگ ایران و روس، فتح علی شاه که از جنگ درمانده بود، به علما متوسل شد و آنها نیز به اتفاق، به وجوب جهاد بر ضد روس فتوا دادند. علما و مجتهدان با لشکر، حرکت و در تبریز توقف کردند و از آنجا، مجاهدان را برای سرکوب دشمن به جهاد دعوت می کردند. پس از کسب

۱- ۱ . سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان شرکت کننده در طرح ولایت، ۱۳۷۹.

موفقیت هایی در چند هفته اول، فتح علی شاه که پیروزی را حتمی می دید، کار را به عباس میرزا سپرد و به پایتخت باز گشت، ولی مخارج جنگ را به طور کامل قبول نکرد و گفت: «آن را باید از مالیات آذربایجان تهیه کنی.» همین کوتاهی، به علاوه حمایت ارامنه گرجستان و قفقاز که هم کیش روس بودند و خیانت رؤسای ایلات و اشتباه تاکتیکی فرماندهان لشکر، به شکست ایران انجامید.

در این میان، مردم شکست در جنگ و عقب نشینی را معلول دخالت علما و مجتهدان و فتوای جهاد آنها دانستند و از آن تاریخ، تهمت ها و افتراها آغاز شد و از هیچ گونه هتک حرمت و ادای سخنان زشت بر ضد روحانیت خودداری نکردند. برای نمونه، در مورد آقا سیدمحمد مجاهد کار به جایی رسید که همان مردمی که زمان عبور ایشان از قزوین، هنگامی که در حوض مدرسه آنجا وضو گرفت، هجوم آوردند و تمام آب حوض را به عنوان تبرک بردند، وقتی ایشان پس از شکست ایران وارد قزوین شد آن قدر آب دهان به روی او انداختند که جان به جان آفرین تسلیم کرد.(۱)

ب) ترور شخصیت در عصر مشروطه

ترور شخصیت فقط به دست استعمار و استبداد انجام نمی گیرد، بلکه گاه روحانی نمایان نیز در این جریان با آنها هم دست می شوند. روحانی نمایان

۱- ۱ . نهضت روحانیون ایران، صص ۷۳ – ۷۸.

برای اینکه عالمان حقیقی را از صحنه بیرون کنند و خود جای آنها بنشینند، به دنبال نقاط ضعف و زدن برچسب هایی هستند که روحانیان واقعی را از چشم مردم بیندازند. به همین دلیل، گفتار و رفتار آنان را با دقت زیر نظر می گیرند تا اشتباه آنان را با تبلیغات و بزرگ نمایی، بزرگ جلوه دهند و مردم را از گرد آنان پراکنده کنند.(۱)

در جریان نهضت مشروطه، سیدجمال واعظ، با لباس روحانیت در صف اول آزادی خواهان با سخنرانی های مهیّج خود، انحراف افکار و اذهان را دامن می زد، در حالی که به گفته کسروی، خود نیز به اسلام و بنیان گذار آن باور نداشت.(۲) روحانی دیگر، شریف زاده است که با هتاکی بسیار، جمعیت حاضر را چنین مورد خطاب قرار داد: «این ملّایان از بس خون دل شما را خورده اند، هار گردیده اند».(۳)

شیخ فضل الله نوری، از جمله اشخاصی بود که با حربه شایعه و تهمت به تخریب چهره اش پرداختند تا برای اعدام او زمینه سازی صورت گیرد. این گروه در این راه موفق هم شدند، به گونه ای که وقتی شیخ پای چوبه دار در حضور جمعیت، قرآن در دست گرفت و گفت: «خدایا! تو شاهد باش من آنچه را باید بگویم، به این مردم گفتم. خدایا! تو شاهد

۱- ۱ . محمدتقی مصباح یزدی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵.

۲- ۲ . احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۵۶۹.

۳- ۳ . همان، ص ۶۲۹ .

باش که من برای این مردم به قرآن تو قسم یاد کردم»، مردم گفتند: قوطی سیگارش بوده است.(۱)

شیخ فضل الله نوری در هـدایت نهضت نقشـی کلیـدی داشت و اسـتعمارگران نمی توانسـتند وجود او را تحمل کنند. به همین دلیل، به تخریب چهره و قتل او پرداختند. در بزرگی و بازدارندگی شـیخ همین بس که با شـهادت او، مسیر نهضت مشروطه به دست استعمارگران عوض شد. آنها از این کار به اهداف زیر رسیدند:

۱. به وسیله وکلای وابسته مجلس، به تمامی اهداف خود به صورت قانونی جامه عمل پوشاندند.

۲. با حذف «مجلس شورای اسلامی» و «مشروطه مشروعه»، اندک اندک دین و اسلام را که قید قوانین بود، حذف کردند.

۳. با پیش کشیدن تاریخ گذشته ایران، روح ملی گرایی را به جای توجه به دین و مذهب و اسلام ترویج کردند.

۴. نویسـندگان و تاریـخ نگـاران را واداشـتند در مطبوعـات و کتـاب هـای درسـی، روحانیت را مخالف تجـدد و موجب عقب ماندگی و سربار جامعه معرفی کنند.

۱- ۴ . نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵. در فیلم ها، خطابه ها و کلاس های درس، این سدّ محکم و آخرین پایگاه ملت در برابر قدرت های استعماری را از اعتبار انداختند تا راه برای رخنه شان در مملکت باز شود.(۱)

ج) ترور شخصیت در عصر پهلوی

شهید سیدحسن مدرس نیز به جرم مانع تراشی بر سر دیکتاتوری رضاخان و جلوگیری از استعمار انگلستان و روسیه، مورد حمله قرار گرفت. او همواره در مجلس به مخالفت با استبداد می پرداخت و تحت هیچ شرایطی، حاضر به سازش و همکاری با ستمگران نبود. به همین دلیل، استعمارگر پیر و مزدورش رضاخان برای خنثی کردن پایداری او، به تخریب چهره اش پرداختند و او را به دلیل نفرت مردم از انگلستان، انگلیسی معرفی کردند. با این هدف، سندی با امضای جعلی مدرس درست کردند که او مقداری لیره انگلیسی به وسیله نصرت الدوله گرفته است و این سند را در روزنامه طوفان منتشر کردند. البته مدرس آن را تکذیب کرد و تکذیبیه او نیز در همان روزنامه چاپ شد.(۲)

در جریان مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، پس از اینکه میان آیت الله کاشانی و دکتر مصدق در موارد متعدد اختلاف نظر پیش آمد، به ویژه در مورداجرای رفراندوم به منظور منحل ساختن مجلس هفدهم که

۱- ۵ . همان، ص ۱۴۴.

۲- ۱ . نهضت روحانیون ایران، ج ۱ و ۲، ص ۳۷۹.

به نظر آیت الله کاشانی و آیت الله بروجردی، بدعتی نادرست بود و استوارترین سنگر ملت را در آن شرایط در برابر بیگانگان از بین می برد، روزنامه های وابسته به حزب توده و بختیار و دست پروردگان متجدد و مترقی او که روحانیت و مذهب را نشانه عقب ماندگی و نادانی می دانستند، در هتاکی و تهمت زدن به آیت الله کاشانی به رقابت پرداختند. آنها بی پرده ترین ناسزاها و زشت ترین تهمت ها را نثار ایشان کردند تا جایی که آیت الله کاشانی که دو سطر اعلامیه اش همه بازارها و آموزشگاه های کشور را به تعطیلی می کشانید و مردم باایمان را به مقابله با گلوله و سرنیزه به خیابان ها می فرستاد، در نظر گروه چشم گیری از مردم خوش باور، به انگلیسی نژاد و نامسلمان تبدیل شد.(۱)

د) ترور شخصیت در دوره انقلاب

یک _ امام خمینی رحمه الله

رژیم پهلوی که در راه سرکوب نهضت بزرگ انقلاب اسلامی، از هیچ کوششی دریغ نمی کرد، اعلامیه ای توهین آمیز برای تخریب چهره امام خمینی رحمه الله به چاپ رساند. در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶، مقاله ای با عنوان ایران و استعمار، سرخ و سیاه به قلم احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که در آن، به امام توهین شده بود. در بخشی از آن آمده بود:

تنها خمینی با دولت و قوانین و انقلاب که همه با اسلام همراه است، به

۱- ۲ . نک: همان، ج ۲، صص ۵۱۰ – ۵۱۲.

تحریک مالکین، به مخالفت برخاست وگرنه روحانیون دیگر، همه با این قوانین موافقند و احترامشان نیز محفوظ است.

نویسنده مقاله، با وقاحت تمام، به شخصیتی نسبت شهرت طلبی و بی اعتقادی می داد که تمام وجودش را در راه خدمت به اسلام و مردم گذاشته بود. انتشار این مقاله، مردم و روحانیت را به خروش آورد و موجب شکل گیری راه پیمایی بزرگ نوزده دی در قم شد که در آن، عده بسیاری به شهادت رسیدند.(۱)

دو _ آیت الله دکتر بهشتی

یکی از شخصیت های برجسته و مؤثر در انقلاب و دوران پس از آن، شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی بود که به دلیل خدمات مهم و انجام مسئولیت های خطیر، مورد خشم دشمن و آماج تهاجم بی حد و حصر آنان قرار گرفت. بدین ترتیب، موج دروغ، شایعه، جعل سند، اتهام و ناسزا بر ضد او به راه افتاد. تخریب چهره و ترور شخصیت ایشان، چنان ناجوان مردانه و گسترده بود که حضرت امام پس از شهادت مظلومانه وی، مظلومیت دوره زندگی اش را بیش از شهادتش دانست.

شهید بهشتی در پاسخ روزنامه جمهوری که پرسیده بود: برخورد شما با شایعات بسیاری که علیه شما بر سر زبان هاست، چیست؟ گفت: «روش

۱- ۱ . تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۲۰.

من در برخورد با شایعات، خون سردی و بی اعتنایی است، اما آنچه باعث تأسف است اینکه انسان می بیند بعضی از دوستان هم به وسیله توطئه گران تحت تأثیر قرار می گیرند».(۱)

یکی از این تخریب ها زمانی صورت گرفت که ابوالحسن بنی صدر در فضاسازی و آلودگی های سیاسی، شهید بهشتی را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد و در این فراخوان گفت: «ابتدا باید فرودگاه ها را بست، سپس مناظره را انجام داد.» منظور او، فرار و پناهندگی دکتر شهید بهشتی بود که پس از شکست در برابر استدلال های بنی صدر به آن اقدام می کند، حال اینکه چندی بعد خود او با لباسی زنانه از کشور فرار کرد.(۲)

۴. بازداشت و تبعید

الف) آیت الله مدرس

پس از ترور نافرجام مدرس به دستور سردار سپه، مأموران نیمه یکی از شب های مهر ۱۳۰۷، به خانه وی یورش بردند و او را به شدت کتک زدند. سپس با اتومبیلی به یکی از روستاهای اطراف مشهد و بعد به شهر کوچک و دورافتاده و کویری خواف تبعید کردند. وی به مدت نه سال در آنجا زیر نظر شدید مأموران امنیتی قرار داشت و ممنوع الملاقات بود. در

۱- ۲ . روحانیت ستیزی در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۱۱.

۲- ۳ . همان، ص ۱۱۲.

این مـدت، زندگی بر ایشان بسـیار سـخت می گذشت و در فقر شدیدی قرار داشت، به گونه ای که روزی برای خرید ماسـت که غذای همیشگی اش بود، از خانه خارج شد، ولی چون ظرف نداشت، فروشنده، ماست را در پوست هندوانه ای ریخت و به ایشـان داد. سـرانجام ایشـان را در آبان ۱۳۱۶ به دسـتور رضاخـان به کاشـمر انتقـال دادنـد و در آذرماه همان سال، به شـهادت رساندند.(۱)

ب) امام خمینی رحمه الله

در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و یـک هفته پس از اعتراض امـام خمینی رحمه الله به تصویب لایحه کاپیتولاسـیون که سـبب دلخوری امریکا شده بود، ده ها کمان و خانه ایشان را محاصـره کردند و با وحشـی گری، معظم له را شـبانه به تهران بردند. پس از آن، امام را به شـهر اسـلامبول و مدتی بعد به شـهر برسا در کشور ترکیه تبعید کردند. ایشان در آنجا زیر نظر یک مأمور کارکشـته سـاواک ایران و مـأموران امنیتی ترکیه قرار گرفت. احسـاس خطر سازمـان امنیت کشور از این تبعیـد و همکاری نکردن دولت ترکیه به علت اعتراض های شدیـد، موجب شـد تا پس از مذاکراتی با دولت عراق و پذیرش شـرط های آنان، امام را به نجف منتقل کنند. درست زمانی که ساواک نقشه ربودن و زندانی کردن امام را داشت و دولت عراق هم از

ص: ۱۴۰

۱- ۱ . نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۹۱.

مبارزه امام جلوگیری می کرد، ایشان به سوی کویت مهاجرت کرد که پس از خودداری دولت کویت از پذیرش ایشان، به فرانسه رفت که این مهاجرت، خود، موجب توجه جهانی به مسئله ایران شد.(۱)

این بازداشت ها و تبعیدها به شخص امام محدود نمی شد. بازداشت و زندانی کردن شهید سیدمصطفی خمینی در آبان ۱۳۴۳، بازداشت آقای ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، شیخ صادق خلخالی، شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی در ۲۵ شوال ۱۳۸۴ در قم و همچنین تبعید آیت الله قمی به مدت دوازده سال و چند ماه، از دیگر فشارهای رژیم پهلوی بر ضد علما و روحانیت است. مورد دیگر، تبعید ۳۱ ماهه آیت الله لواسانی ـ از علمای محترم تهران و نماینده امام خمینی رحمه الله ـ در هفتاد سالگی، در سال ۱۳۵۳ به هشت پر از توابع طوالش در نزدیکی آستارا است.(۲)

در مرداد ماه ۱۳۵۲ نیز ساواک ۲۶ نفر از علما و فضلای حوزه علمیه قم را با پرونده سازی، دستگیر و هر کدام را به سه سال زندان یا تبعید محکوم کرد و به نقاط مختلف کشور فرستاد. از میان آنها می توان به شیخ حسن صانعی، شیخ عباس محفوظی، شیخ ابوالقاسم خزعلی، شیخ علی مشکینی و شیخ محمدعلی گرامی اشاره کرد.(۳)

۱- ۲ . همان، ج ۶، ص ۲۶۵.

۲- ۳ . همان، ص ۴۱۳.

۳- ۴ . همان، ص ۳۴۱.

در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴، روحانیان بسیاری در زندان قصر زندانی بودند که از میان آنها می توان به شیخ علی موحدی، شیخ مهدی شاه آبادی، شیخ محمدعلی گرامی و شیخ حسین غفاری اشاره کرد.(۱) در ۱۷ خرداد ۱۳۵۴ نیز ساواک با اعزام گارد شاهنشاهی به مدرسه فیضیه، به سرکوب شدید طلاب پرداخت. آنها جمع زیادی را زخمی و چهارصد طلبه حاضر در مدرسه را پس از ضرب و جرح شدید، به زندان اوین، منتقل و مدرسه فیضیه را تعطیل کردند.(۲)

ج) مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز بارها بازداشت و تبعید شد. بازداشت اول ایشان، به دنبال ابلاغ پیام امام و افشاگری بر ضد رژیم در ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ در بیرجند صورت پذیرفت. ایشان پس از یک شب بازداشت، به شرط اینکه منبر نرود و زیر نظر باشد، آزاد شد. با پیش آمدن حادثه ۱۵ خرداد، ایشان را به مشهد بردند و ده روز در آنجا با سخت ترین شرایط و شکنجه و آزارها زندانی کردند. مقام معظم رهبری در بهمن ۱۳۴۲، در پی سخنرانی در زاهدان دستگیر و به تهران منتقل شد. این بار نیز دو ماه در زندان قزل قلعه به صورت انفرادی، انواع اهانت ها و شکنجه ها را تحمل کرد.

ص: ۱۴۲

۱- ۵ . همان، ص ۳۳۳.

۲- ۶ . یاران امام به روایت اسناد و ساواک، کتاب سی و یکم، ص ۴۲.

در سال ۱۳۴۶ در پی ترجمه و چاپ کتاب المستقبل الاسلام و در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ نیز برای چندمین بار دستگیر شد. سخت ترین دوره زندان ایشان در دی ۱۳۵۳ آغاز شد و تا پاییز ۱۳۵۴ ادامه یافت. سختی های این بازداشت به تعبیر خودشان «فقط برای آنان که آن شرایط را دیده اند، قابل فهم است.»(۱) همچنین در اواخر سال ۱۳۵۶، ایشان را دستگیر و برای مدت سه سال به ایرانشهر تبعید کردند. ایشان در میانه های سال ۱۳۵۷، با اوج گیری مبارزات، به مشهد بازگشت.(۲)

مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۶۰، هنگام سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، بر اثر انفجار بمبی که منافقین کار گذاشته بودند، به شدت مجروح شد و ۴۲ روز بستری شد.(۳) این از الطاف الهی بود که نقشه شوم دشمنان در به شهادت رساندن ایشان با شکست روبه رو شد و وجود ایشان برای مردم و کشور حفظ شد.

۱- ۷ . اطلاعات، ۱۷/۱۰/۱۳۷۳.

۲- ۸ . جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۹۷۷ و ۹۸۰.

۳- ۹ . جرعه نوش کوثر، زندگی نامه مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷.

۵. ترور و قتل

وقتی تلاش دشمن در مبارزه با روحانیت در قالب تبلیغات، شایعه پراکنی و شبهه افکنی به نتیجه نرسد، به حذف فیزیکی شخصیت های برجسته روحانیت روی می آورد.

شهادت آیت الله مدرس که پس از بارها بازداشت و ترور و پس از نه سال تبعید در آذر ۱۳۱۶ به دستور رضاخان صورت گرفت، لکه ننگی در تاریخ سیاه دوره استبداد است.(۱) شهادت شیخ فضل الله نوری در ۱۳۲۷ هـ . ق در هفتاد سالگی به دست استعمارگران، نمونه دیگر از این دست است. جالب اینکه این کار در حضور مردم صورت گرفت، ولی به دلیل تبلیغات و سم پاشی های فراوان بر ضد ایشان، هیچ گونه اعتراضی از طرف مردم شنیده نشد.(۲)

شهادت آیت الله سید محمدرضا سعیدی، از شاگردان برجسته آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله و امام خمینی رحمه الله به دست مأموران امنیتی محمدرضاشاه در خرداد ۱۳۴۹ در زندان، نمونه دیگری از ناکامی استبداد در برابر روحانیت مبارز است. از فعالیت های شهید سعیدی به موضع گیری ایشان در برابر تبعید امام، تأسیس انجمن اسلامی ناصحین تهران، تدریس کتاب

ص: ۱۴۴

۱- ۱ . نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲- ۲ . همان، ج ۱، ص ۱۴۴.

ولایت فقیه در تهران، نشر استفتائات امام و جلوگیری از سرمایه گذاری سرمایه داران صهیونیست در تهران می توان اشاره کرد.(۱)

همچنین آیت الله سید محمدباقر صدر یکی از اندیشمندان برجسته شیعه در عراق بود که در فروردین ۱۳۵۹، به دست رژیم بعث در زندان به شهادت رسید. از اقدامات ایشان می توان به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و صدور فتوایی در تأیید امام خمینی رحمه الله و انقلاب و تکفیر حزب بعث و اعلام مبارزه بر ضد رژیم بعث عراق اشاره کرد.(۲)

آیت الله محمد مفتح نیز از شاگردان امام خمینی و علامه طباطبایی رحمه اللهبود که با گرفتن مدرک دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه تهران، به تدریس در حوزه و دانشگاه می پرداخت. دکتر مفتح در آذر ۱۳۵۸ هنگام ورود به دانشگاه تهران به دست گروهک فرقان به شهادت رسید.

آیت الله سید اسداللّه مدنی یکی از مبارزان ضد استبداد بود. ایشان با تحریم عضویت در حزب رستاخیز که به دستور شاه تأسیس شده بود، بارها بازداشت و تبعید شد. از مسئولیت های ایشان می توان به امامت جمعه تبریز و نمایندگی امام در آذربایجان اشاره کرد. همچنین حضور ایشان با لباس رزم در جبهه بسیار مهم بود. سرانجام این عالم مبارز، در شهریور

۱- ۳ . محمد حسن رجبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۲۳۹ _ ۲۴۱.

۲- ۴ . همان، صص ۲۹۳ _ ۲۹۶.

۱۳۶۰، در مصلای نماز جمعه تبریز به دست یکی از منافقین به شهادت رسید.(۱)

آیت الله سید عبدالکریم هاشمی نژاد، یکی دیگر از شاگردان آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله و امام خمینی رحمه اللهو از افراد مؤثر نظام بود که پس از افشای ماهیت منافقین در سال ۱۳۶۰، در مشهد به دست آنان به شهادت رسید.(۲)

آیت الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی نیز که از فعال ترین مبارزان در داخل و خارج از کشور بود، مورد کینه دشمن قرار گرفت. از اقدامات و مسئولیت های ایشان می توان به اداره مرکز اسلامی هامبورگ، همکاری در ایجاد تشکل جامعه روحانیت مبارز، عضویت در شورای انقلاب، تأسیس حزب جمهوری اسلامی به همراه دیگر علما، نایب رئیس مجلس خبرگان، ریاست دیوان عالی کشور، ایجاد تشکیلات نوین قضایی و تلاش برای تنظیم پشتوانه های نظری و قانونی برای نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. سرانجام دشمنان نظام که تاب تحمل او را نداشتند، ایشان را به همراه عده زیادی از یارانش در تیرماه ۱۳۶۰ به شهادت رساندند.(۳)

دکتر محمدجواد باهنر نیز از مبارزان فعال انقلاب بود. از مسئولیت ها و اقدامات او می توان به تأسیس مؤسسه هایی از قبیل مدرسه، بنگاه نشر،

۱- ۵ . همان، صص ۴۶۱ _ ۴۷۵.
۲- ۶ . همان، ص ۵۴۱.
۳- ۷ . همان، صص ۱۳۲ و ۱۳۵.

مساجد و کانون های تبلیغی در تهران، همکاری در تألیف کتاب های دینی مدارس، دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان قانون اساسی، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی دوره اول، وزارت آموزش و پرورش و نخست وزیری اشاره کرد. ایشان بر اثر انفجار بمبی در دفتر نخست وزیری در شهریور ۱۳۶۰، به شهادت رسید.(۱)

آیت الله مرتضی مطهری، از برجستگان حوزه علمیه و یکه تاز میدان پاسخ به شبهه ها، سخنران برجسته، استاد مؤثر دانشگاه تهران و نویسنده ای توانا در ردّ شبهه های علمی بود که به دست گروهک فرقان به فیض شهادت رسید.(۲)

ویژگی های مشترک شهیدان روحانیت، دانش عمیق، تقوای بالا، درک موقعیت ها، ستم ستیزی، حمایت از مستضعفان، آگاهی از دسیسه های استبداد و استعمار، تأثیر نداشتن تبلیغات بر آنها، نپذیرفتن وعده ها، شجاعت، استقبال از شهادت و ایستادگی در مقابل قدرت ها بود. به همین دلیل، دشمنان اسلام در برابر آنها به تنگ آمدند و راهی جز به شهادت رساندن ایشان پیش روی خود ندیدند.

۱- ۸ . همان، صص ۹۷ و ۹۸.

۲- ۹ . علی اصغر ربانی خلخالی، شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، قم، مکتب الحسین، ۱۴۰۳ هـ . ق، ص ۳۴۷.

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

در این عصر که ارتباطات و اطلاع رسانی، همه حوزه های جوامع و فرهنگ ها را به تسخیر درآورده است، رسانه در تولید و هدایت فرهنگی نقش اساسی دارد و در هر منطقه، متناسب با نوع حکومت و آرمان های آن، به نقش آفرینی می پردازد.

حکومت های غربی که تصاحب ثروت، چپاول منافع حکومت های ضعیف و به بردگی کشیدن ملت ها را در سر می پرورانند، در تغییر نگرش ها و رفتارهای مردم از رسانه کمک می گیرند و به تبلیغ کالا، فکر و فرهنگ خود می پردازند، ولی در نظام اسلامی، رسانه رسالت دیگری بر عهده دارد و آن، رشد و تکامل انسان و ترویج فرهنگ اسلام است. بنابراین، هر گونه هم سویی خواسته یا ناخواسته با رسانه های غربی در تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانیت و به انحراف کشیدن نسل جوان، حرام و جلوگیری از آن وظیفه هر مسلمانی است.(۱)

۱- ۱ . نک: وصیت نامه الهی ــ سیاسی امام خمینی رحمه الله، بند ل.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، هدف صدا و سیما درست در مقابل رسانه های غربی است؛ یعنی نشر اسلام، تحکیم انقلاب، زمینه سازی برای رشد اخلاق و معنویت در جامعه و رشد سیاسی مردم.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نقش رسانه این گونه تعریف شده است:

وسایل ارتباط جمعی، بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرند و در این زمینه، از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جویند و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضداسلامی به طور جدّی پرهیز کنند. پیروی از اصول این چنینی که آزادی و کرامت ابنای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید، بر عهده همگان است.(۱)

۱. نقد برنامه های رسانه ملی

الف) جذّاب نبودن

برنامه هایی که در سیمای جمهوری اسلامی در مورد دین و روحانیت پخش می شود، از شکل های ثابت و مشخصی تشکیل شده اند که خود موجب جذّاب نبودن آن، به ویژه برای نسل جوان می شود. این شیوه ها را می توان فهرست وار چنین برشمرد:

۱- ۲ . مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱. سخنرانی روحانی بر روی منبر یا میزگرد همراه با کارشناسان دیگر؛

۲. پخش صدای یک روحانی در حال اذان گفتن، دعا کردن یا قطعه ای از یک سخنرانی با تصویرهای گوناگون ثابت و متحرک از مکان های مذهبی یا آن عالم؛

۳. پخش نماز جماعت یا نماز جمعه؛

۴. بیان احکام شرعی یا پرسش و پاسخ از سوی یک روحانی.

این گونه برنامه ها که به دور از هرگونه جذابیت و نوآوری پخش می شود، مخاطب عام ندارد و بینندگان زیادی از قشر جوان را نیز به خود جلب نمی کند. به نظر می رسد باید این گونه برنامه ها، همواره در معرض نقد و بازبینی قرار گیرد و قالب های نو در آن به کار گرفته شود. این تکرارِ قالب ها را به طور روشن تر می توان در ایام خاص و مناسبت های ولادت و شهادت ائمه دید. برای مثال، در شب شهادت معصومان با تعویض شبکه های گوناگون تلویزیون، یک روحانی را در حال سخنرانی یا میزگرد با شیوه ای کاملاً عادی و غیرجذاب مشاهده می کنیم؛ در صورتی که همه این پیام ها و کارکردها باید در قالب طرح های نو و جذاب القا شوند.

ب) نبود برنامه هایی برای معرفی نقش روحانیت

برنامه هایی که در مورد روحانیت پخش می شود، گذشته از جذاب نبودن، این نقص را دارد که به معرفی روحانیت و نقش آنها نمی پردازد. پخش

ص: ۱۵۲

سریال هایی همچون روشن تر از خاموشی (زندگی ملاصدرا) و شیخ مفید سودمند بود، ولی برای معرفی روحانیت، به ویژه روحانیت بعد از انقلاب، کافی نیست. در این میان، سریال «او یک فرشته بود»، نمونه مناسبی برای معرفی روحانیت و تعامل اجتماعی آنها (ارتباط صمیمی با خانواده ها و حل مشکلات مردم) به شمار می آید.

با توجه به اینکه صرف حضور یک روحانی در برنامه های تلویزیونی، هدف نیست، باید به برنامه هایی پرداخت که نقش های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روحانیت را به شیوه ای جذاب و برای سن های گوناگون به نمایش بگذارد. در این گونه برنامه ها، مردم باید به ارتباط با روحانیت، هر چند به صورت غیرمستقیم و به واسطه تلویزیون تشویق شوند و با این قشر انس بگیرند.

۲. پیشنهادهای کلان برنامه ریزی

برخی از مسائل، به صورت غیرمستقیم در تهاجم به روحانیت مؤثر است، هرچند در ظاهر هیچ رابطه ای با روحانیت ندارد. (ارتباط منطقی این امور با روحانیت، در متن تحقیق طرح و بررسی شده است).

تهیه طرحی جامع که همه برنامه ها و شبکه ها را پوشش دهد، برای هم سو بودن آنها با اهداف و رسالت صدا و سیما مهم به نظر می رسد. با

ص: ۱۵۳

توجه به این طرح، از ضد و نقیض بودن برنامه ها و خنثی سازی اثر برنامه های مربوط به روحانیت جلوگیری می شود. در این راستا به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. توجه به معنویت در ساخت برنامه ها: هر چه گرایش به معنویت بالاتر باشد، تهاجم به روحانیت کاهش می یابد. برنامه های القا کننده اخلاق، میل به انفاق، ایثار، تشویق به کار و تلاش از این گروهند.

۲. مبارزه با تفکر ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران: ممکن است هرگونه کارشکنی حتی از سوی کارمندان جزء دولت، از دیدگاه مردم به حساب نظام و روحانیت گذاشته شود. برای مثال، برخی، هرگونه مشکل اقتصادی، اعم از گرانی یا کم یاب شدن کالاها را به حساب روحانیت می گذارند؛ حال آنکه هیچ ارتباطی در این زمینه وجود ندارد. در پخش برنامه ها باید بر نقاط قوّت نظام جمهوری اسلامی تأکید شود و با معرفی نظام تصمیم گیری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز معرفی و به نقد کشیدن مسئولان مربوط، این آگاهی القا گردد که هرکس پاسخ گوی اعمال خود است، نه اینکه روحانیت تخلف همه را پاسخ دهد.

۳. معرفی نقش روحانیت در جامعه: برخی افراد تحصیل کرده و به اصطلاح روشن فکر، برای روحانیت در جامعه نقشی قائل نیستند. این سخنان، قشرهایی از مردم، به ویژه آنهایی را که به دلیل تعامل نداشتن با روحانی،

با این قشر آشنا نیستند، تحت تأثیر قرار می دهد. رسالت رسانه در این زمینه، معرفی نقش های حساس و مهم روحانیت (مانند: ترویج فرهنگ دینی، دفاع از دین، پاسخ به شبهه ها، حفظ هویت جامعه از راه حفظ فرهنگ، حل مشکلات روحی، خانوادگی، مالی و اعتقادی مردم و...)، ضرورت وجود آن و شناساندن جایگاه واقعی روحانیت است.

۴. نهادینه سازی معرفی روحانیت در سازمان: ایجاد تعامل و ارتباط صمیمی و عاطفی میان مدیران سازمان و روحانیت، از راه برگزاری نماز جماعت در اداره های مربوط به سازمان، برگزاری برنامه بازدید از حوزه های علمیه و دیدار با علما برای مدیران و مسئولان صدا و سیما، دعوت از روحانیان برای بازدید از بخش های گوناگون صدا و سیما و از این دست برنامه ها که موجب برقراری ارتباط نزدیک مدیران سازمان با روحانیان و بالارفتن شناخت آنها می شود، مفید به نظر می رسد. در انتخاب روحانیان و دعوت از آنها، باید دقت لازم به عمل آید.

ص: ۱۵۵

۳. پیشنهادی برنامه ای

اشاره

مهم ترین محور در مقابله با شایعه ها و دفع شبهه ها و برچسب های ضد روحانیت، معرفی دقیق روحانیت، حوزه علمیه و نقش و رسالت آن است. در این راستا می توان از راه کارهای زیر بهره برد:

الف) برنامه سازی برای کودکان

یک _ نمایش تعامل کودکان با روحانیت

یک _ برنامه هایی که در آن نماز جماعت، مسجد و شرکت کودکان در آن نمایش داده می شود، می تواند تعامل کودکان را با روحانیت نهادینه کند.

دو _ ایفای نقش کودکان در مسجد(اذان و اقامه گفتن، توزیع مهر، کتاب دعا، و قند و چای) برای تشویق کودکان به تعامل با مسجد و روحانی.

سه _ شرکت کودکان در کلاس ها و برنامه های مسجد و به تصویر کشیدن رشد به دست آمده از این کلاس ها.

چهار _ جایزه گرفتن بچه های مسجد از روحانی مسجد.

پنج _ نمایش برنامه هایی دربردارنده ایفای نقش روحانی در مدارس (نماز جماعت، پرسش و پاسخ، مشاوره با دانش آموز یا والدین و مربیان).

شش _ آموزش نماز و احکام از سوی روحانی با شیوه های جذاب.

ص: ۱۵۶

هفت _ تعامل همسایگان روحانی محل با او(رفت و آمد به منزل روحانی در مناسبت های مذهبی، مشاوره در مورد مسائل خانوادگی و اجتماعی، پرسش مسائل شرعی و درخواست استخاره از راه تلفن).

هشت _ نمایش رابطه روحانی با فرزندان خود در خانه (بازی با فرزندان و کمک به درس آنان و نیز نشان دادن مشکلات فرزندان روحانیان در روزهایی که پدر به مسافرت های تبلیغی می رود).

نه _ تهیه برنامه ای از بازدید دانش آموزان از حوزه علمیه و گذراندن یک روز در آنجا.

ده _ گذراندن اردوی تفریحی کودکان با روحانیان (تعامل صمیمی و همکاری کودکان و روحانیان).

یازده _ گذراندن اردوی زیارتی با روحانی (تعامل صمیمی کودکان با روحانی و اثرپذیری معنوی. مثلاً کودکی در این اردو تصمیم می گیرد که دیگر دروغ نگوید).

دو _ ساخت انیمیشن و فیلم های داستانی و واقعی جذاب از روحانیت

یک _ روحانیت و مبارزه ضد استعماری.

دو _ بازداشت ها و شکنجه های روحانیت.

سه _ کمک روحانیت به محرومان.

چهار _ کرامات روحانیت، مثل نماز بارانِ آیت الله خوانساری در قم.

ص: ۱۵۷

پنج ــ زندگی روحانیت و فرزندان آنها.

شش ــ روحانیت و دفاع مقدس.

هفت ــ روحانیان مبلّغ و کودکان در ایام تبلیغ.

هشت ــ گنجاندن پرسش هایی درباره نقش روحانیت، نام روحانیان مبارز و نیز نقل جمله هایی از علما و احترام به علم و عالم در مسابقات مربوط به کودکان.

نه ــ دعوت از یک روحانی در برنامه کودک به صورت مهمان، برای پاسخ گویی به پرسش های تلفنی و کتبی کودکان که از قبل فرستاده شده است. (روحانی دعوت شده باید دارای چهره ای جذاب و لحنی مهربان باشد و پاسخ های او هم بسیار ساده و کوتاه باشد).

گفتنی است تهیه این گونه برنامه ها باید با توجه جدّی به جذابیت، کمیّت، کیفیت و تحول همیشگی باشد و از تکراری یا زننده شدن جلوگیری شود.

ب) برنامه سازی برای جوانان و بزرگ سالان

یک ــ مستندسازی از زندگی و تدریس عالمان بزرگ معاصر و معرفی فعالیت ها، تألیفات و شخصیت عالمان تراز اول.

ص: ۱۵۸

دو _ مستندسازی از زندگی طلاب در حجره های (اتاق های) مدارس حوزه علمیه، دوران تحصیل طلاب، زندگی خانوادگی طلاب و روحانیت و دفاع مقدس.

سه _ مستندسازی از تبلیغ روحانیت در ایام تبلیغ:

۱. محل تبلیغ، سطح زندگی در آن محل، محل زندگی روحانی مبلّغ و مشکلات مردم و روحانی.

۲. وضعیت خانواده روحانیان مبلّغ در ایام تبلیغ (برخی خانواده ها با روحانی به تبلیغ می روند و برخی به دلایل گوناگون، به تنهایی در محل زندگی می مانند و مشکلات دوری سرپرست خانواده را برای رضای خدا تحمل می کنند).

۳. فعالیت های تبلیغی و فرهنگی روحانی در ایام تبلیغ.

۴ . فواید و بازدهی تبلیغ در هر منطقه و ضررهای ناشی از نبود روحانی در یک محل.

۵. فعالیت های غیرتبلیغی (کمک های عملی، فنی و اداری روحانی به مردم و کمک های فکری و مشاوره به ویژه در روستاها و مناطق دورافتاده).

۶ . فعالیت و برنامه های شخصی روحانی مبلّغ در ایام تبلیغ.

ص: ۱۵۹

چهار ــ بررسی شخصیت و زندگی روحانیان محبوب در بین مردم (از جمله مرحوم حجت الاسلام کافی).

پنج ــ معرفی نیازهای جامعه به حوزه های علمیه، روحانیت، دین، اخلاق و معنویت، از راه تشکیل میزگرد، مناظره، پرسش و پاسخ حضوری، مصاحبه با مردم و برگزاری مسابقات.

شش ــ تفکیک نقش روحانیت و دانشگاهیان و بررسی حوزه های مشترک و تخصصی بین آن دو، برای آگاهی مردم از پیروی از روحانیت و دانشگاه، در حوزه های مشخص و جلوگیری از تضادها.

هفت ــ تفکیک نقش کارشناسان اقتصادی ــ سیاسی دولت و روحانیت برای جلوگیری از ایجاد شبهه و نسبت دادن مشکلات اقتصادی و سیاسی به روحانیت.

هشت ــ نقش روحانیت در تولید فرهنگ دینی، تبیین فرهنگ دینی، تعمیق فرهنگ دینی، دفاع از فرهنگ دینی و پاسخ گویی به شبهه ها.

نه ــ نقش روحانیت در حفظ هویت جامعه از راه حفظ اسلام و هویت فرهنگ دینی.

ده ــ نقش روحانیت در کاهش جرم در جامعه (مقایسه مناطق دارای روحانی و مناطق بدون روحانی).

ص: ۱۶۰

یازده ــ نقش روحانیت در انسجام اجتماعی و وحدت ملی و مشارکت عمومی.

دوازده ــ نقش روحانیت در بسیج نیروهای مردمی.

سیزده ــ نقش روحانیت در حفظ استقلال.

چهارده ــ نقش روحانیت در هشت سال دفاع مقدس.

موارد پیش گفته، با ساخت فیلم کوتاه، نماآهنگ، گزارش های خبری، دعوت از کارشناس، مستندسازی و نیز تصویرهایی از نهضت های روحانیت و به شهادت رسیدن روحانیان در طول تاریخ و بازداشت ها و شکنجه ها و معرفی کتاب های منتشر شده در مورد موضوع، به صورتی جذاب و با تنوع کامل در کمیّت و کیفیت انجام گیرد.

ج) برگزاری مسابقه و همایش در مورد روحانیت

به نظر می رسد ضمن اینکه لازم است در خلال پرسش های مسابقه های گوناگون، پرسش هایی نیز در مورد روحانیت گنجانده شود، طرح مسابقه های خاطره نویسی، مقاله نویسی و فیلم نامه نویسی در مورد روحانیت مفید باشد. فعالیت ها، کرامت ها و خدمات روحانیان، به ویژه در نقاط دورافتاده و در ایام تبلیغ معمولاً ـ در جایی ثبت نمی شود. برای مثال، یک روحانی فداکار که برای ایام تبلیغ به منطقه دورافتاده ای می رود و مشاهده می کند که زنان روستا برای تهیه آب آشامیدنی، هر روز چند کیلومتر راه

می روند، به قم بر می گردد و خانه خود را که با تحمل رنج های فراوان در سال های متمادی خریده است، می فروشد. سپس مسیر رفت و آمد روستاییان را لوله کشی می کند و خود دوباره مستأجر می شود. نقل این ماجرا پس از فوت آن روحانی عزیز، ازسوی حجت الاسلام قرائتی در تلویزیون موجب می شود یکی از ثروتمندان تهران، خانه ای برای بازماندگان آن روحانی خریداری کند.(۱)

ثبت، طرح و بیان این گونه خدمات، به عهده چه دستگاهی است، در حالی که برای بیان نقاط ضعف و لغزش های معدودی از روحانیان، مطبوعات و گروه های زیادی بسیج می شوند.

با طرح و اجرای مسابقه های خاطره نویسی در مورد روحانیت و نیز تهیه گفت وگو و گزارش از محل تبلیغ روحانیان و جمع آوری و ثبت و طرح این خدمات در قالب گزارش، فیلم، مستند، کارتون و چاپ و نشر آن، می توان کمک شایانی به ترویج اخلاق اسلامی و معرفی روحانیان واقعی کرد.

یکی از راه کارهای مناسب، نامه نگاری به دفترهای اعزام مبلّغ، اداره ارشاد، سازمان تبلیغات، سازمان امور مساجد در استان ها و شهرستان ها و

۱- ۱ . رضا مختاری، سیمای فرزانگان، ص ۳۶۴.

به طور کلی، فراخوان برای فرستادن چنین حکایت ها و خاطره هایی به صدا و سیماست.

ص: ۱۶۳

کتاب نامه

۱. آلپرت ، جی دبلیو، روان شناسی شایعه، ترجمه: ساعد دبستانی، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲.

۲. امید، جمال، تاریخ سینمای ایران، تهران، فاریاب، ۱۳۶۳.

۳. بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.

۴. بی نام، سیری در زندگی استاد مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.

۵. جرعه نوش کوثر، زندگی نامه مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲.

۶. جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵.

۷. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵.

۸. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، ۱۳۷۱.

۹. جمعی از مؤلفان، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، سمت،۱۳۸۲.

۱۰. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

ص: ۱۶۴

۱۱. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۸.

۱۲. در جست وجوی راه از کلام امام (دفتر ۱۳)، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱.

۱۳. دفتر مقام معظم رهبری، حوزه و روحانیت در آیینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۴. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، مؤسسه خیریه و فرهنگی امام رضا علیه السلام ، ۳۶۰.

۱۵. ربانی خلخالی، علی اصغر، شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، قم، مکتب الحسین، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۱۶. رجبی، فاطمه، روحانیت ستیزی در تاریخ معاصر ایران، تهران، بین الملل، ۱۳۸۳.

۱۷. رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۱۸. رزاقی، احمد، اهمیت و ضرورت تبلیغات، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۹. رسایی، حمید، تحصن چرا و چگونه، قم، فیضیه، ۱۳۷۹.

۲۰. رضوی، سید عباس، ماه نامه حوزه، ش ۹۴.

۲۱. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، انتشار، ۱۳۷۷.

ص: ۱۶۵

۲۲. ____________________، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، تهران، کتاب فرا، ۱۳۷۸.

۲۳. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.

۲۴. زرشناس، شهریار، تأملاتی درباره روشن فکری در ایران، تهران، برگ، ۱۳۷۳.

۲۵. شریعتی، علی، مجموعه آثار.

۲۶. شیخ کلینی، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

۲۷. صنعتی، رضا، مصباح دوستان، قم، همای غدیر، ۱۳۸۳.

۲۸. طلوعی، محمود، هفت پادشاه، تهران، نشر علم، ۱۳۷۸.

۲۹. علی بابایی، یحیی، عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان حوزه و دانشگاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۳.

۳۰. غضنفری، کامران، امریکا و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، کیا،۱۳۸۰.

۳۱. فتح آبادی، رضا، اشاعه فساد و فرهنگ پوچ گرایی، تهران، بلیغ، ۱۳۷۱.

۳۲. فراست خواه، سرآغاز نواندیشی معاصر، تهران، انتشار، ۱۳۷۳.

۳۳. فولادی، محمد، مبانی جامعه شناسی دین (پایان نامه کارشناسی ارشد)، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۳۴. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.

۳۵. کواکبی، سید عبدالرحمان، طبیعت استبداد، ترجمه: عبدالحسین میرزای قاجار، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳.

۳۶. کوهستانی نژاد مسعود، مؤسسه وعظ و خطابه، گنجینه اسناد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، دفتر اول، ۱۳۷۰.

۳۷. لطیفی، لطف علی، احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران .

۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، بی تا.

۳۹. محمدی، مجید، دین و ارتباطات، تهران، کویر، ۱۳۸۲.

۴۰. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.

۴۱. ______________، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسایل، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰.

۴۲. ______________، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

۴۳. مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

۴۴. مددپور، محمد، سیر تفکر معاصر در ایران؛ زمینه های تجدد و دین زدایی، تهران، منادی تربیت، ۱۳۷۹.

۴۵. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹.

۴۶. مرکز اسناد، یاران امام به روایت اسناد ساواک،تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی،۱۳۷۶.

۴۷. مستر همفر، خاطرات سیاسی و تاریخی مستر همفر، ترجمه: علی کاظمی، مهر، ۱۳۶۴.

۴۸. ________________________________، دست های ناپیدا، ترجمه: احسان قرنی، نشر گلستان کوثر، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی، مباحثی درباره حوزه، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶.

۵۰. ________________________________، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۵۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۶۸.

۵۲. مکارم شیرازی، حمید، غرب زدگی جوانان، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۲.

۵۳. ملک محمدی، حمیدرضا، از توسعه لرزان تا سقوط شتابان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۵۴. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح اللّه، صحیفه نور.

۵۵. ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه ای بر رهبری، تهران، عطایی، ۱۳۴۸.

ص: ۱۶۸

۵۶. نقوی، علی محمد، جامعه شناسی غرب گرایی، تهران، سپهر، ۱۳۷۷.

۵۷. واعظی، حسن، ایران و امریکا، تهران، سروش، ۱۳۷۹.

۵۸. وکیلی، هادی، حوزه و دانشگاه (مجموعه مقالات)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بی تا.

۵۹. هاشمی، محمد و بصیرت، حمید، تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار، ۱۳۷۷.

ص: ۱۶۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹